



اسنادی درباره نهضت و مهاجرت علمای اصفهان به قم (1306 ه.ش)

پدیدآورده (ها) : اسماعیلی، علیرضا

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1375 - شماره 23 و 24
از 7 تا 77

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98679>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 01/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اسنادی درباره نهضت و مهاجرت علمای اصفهان به قم (۱۳۰۶ هـ . ش)

به کوشش : علیرضا اسماعیلی

پیشگفتار

تعمق و بصیرت در احوال گذشتگان و کسب عبرت از آغاز و انجام آنها، از توصیه‌های مؤکد قرآن کریم، حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) است. با نگاهی گذرا بر آیات قرآن، می‌توان تأکید خداوند سبحان بر این مهم را از طریق نقل قصص و سرگذشت اقوام گوناگون و دعوت به پندآموزی از سرنوشت آنها ملاحظه کرد « و لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب... » (سوره یوسف، آیه ۲)، «چنان در اخبار گذشتگان اندیشیده و در آثار آنان سیر نمودم که گویی یکی از آنان گشتم» (امام علی (ع)).

ایمن توصیه و نگرش الهی در گرایش مسلمین به تاریخ و تاریخ‌نگاری تأثیر بسزایی داشته است، که تجلی آن را می‌توان در کتب و رسائل تاریخی بجا مانده از مورخین شهیری همچون طبری، ابن خلدون و ... مشاهده کرد.

تسلط سیاسی و اقتصادی غرب بر کشورهای اسلامی در قرون اخیر، از لحاظ فرهنگی منجر به ضعف و فتور مسلمین گردید، بگونه‌ای که عرصه تاریخ‌نگاری مسلمین نیز همچون بسیاری از عرصه‌های دیگر جولانگاه تاریخ‌نگاران استعماری گردید. این گروه از تاریخ‌نگاران با تحریف تاریخ کوشیدند، ضمن نفی میراث فرهنگی و علمی مسلمین، زمینه‌های تفکر آنان را نسبت به گذشته خویش بگونه‌ای مطابق با منافع استعمارگران شکل دهند. این جریان خصوصاً برای ارائه تصویری مخدوش از وقایع و جریانات تاریخ معاصر ایران کوشش زیادی روا داشته است. هدف اصلی این جریان تاریخ‌نویسی، طرد و بی‌رنگ جلوه‌دادن انگیزه‌های اسلامی و نقش روحانیت در نهضت‌های یک قرن اخیر و بزرگ‌نمایی چهره‌ها و عقاید غیردینی است.

اگر چه با پیروزی «انقلاب اسلامی» اهداف و مقاصد این جریان منحرف به شکست فاحش انجامید و دست‌اندرکاران آن به انزوا کشیده

شدند، اما این انزوا در سالهای اخیر از طریق انتشار خاطرات و سایر گونه‌های کتب تاریخی، در چارچوبی مشخص و هدفدار در حال شکسته شدن است. در واقع عطش نسل جدید، نسلی که طعم تلخ زیستن در نظام ستم شاهی را نجشیده است، به شناخت دوران گذشته، این گروه را به تکاپو انداخته تا با عرضه روایاتی به ظاهر بی‌طرفانه از تاریخ عصر پهلوی، غبار ننگ را از چهره رژیم گذشته و مهره‌های سیاسی آن فرو شویند. مقابله با این جریان و سیراب نمودن اذهان جویای حقیقت نسل‌های امروز و فردا با حقایق تاریخی نیاز به تلاش و حرکتی بنیادی دارد؛ که از زمره این تلاش‌ها بازیابی، حفظ، بررسی و نشر اسناد تاریخی است، زیرا اسناد و مدارک بهترین منبعی هستند که جریان صحیح وقایع و رویدادهای گذشته را منعکس می‌نمایند. اسناد مذکور که متعلق به بایگانی وزارت دربار رضاخان می‌باشد مربوط به مهاجرت علما و اهالی اصفهان و سایر شهرها در سال ۱۳۰۶ هـ ش به قم، در اعتراض به نحوه اجرای قانون نظام اجباری و درخواست اجرای ماده دوم متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت پنج تن از مجتهدان طراز اول بر مصوبات مجلس شورای ملی، نظارت ناظر شرعیات بر مندرجات مطبوعات در ایالات و ولایات به منظور جلوگیری از درج مطالبی بر خلاف دیانت و روحانیت در مطبوعات، جلوگیری از منهیات شرعیه و فحشا در جامعه، تنظیم محاضر شرع مطابق مواد هشتگانه اصول محاکمات و مطابقت برنامه مدارس خارجه با برنامه وزارت معارف و مدارس داخله است. این اسناد براساس توالی تاریخی مرتب شده و بر همین اساس شماره‌گذاری شده‌اند و تصویر نمونه‌هایی از آنها که در این مقاله آمده با همان شماره مشخص شده است.

• این مقاله با هماهنگی اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، در اختیار فصلنامه گنجینه اسناد قرار گرفته است که انشاءالله در آینده نزدیک مجموعه کامل آن با افزودن اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، بصورت کتاب منتشر خواهد شد.

تجار و حتی اقلیت‌های دینی مانند یهودیان و اراسته علیه این قانون و اجرای آن با عامه مردم همراه و همگام گردیدند و هیچ یک از روحانیون اصفهان حاضر به شرکت در مجلس سربازگیری نشد.

در این ماجرا حضرت آیت‌ا... حاج آقا نور... نجفی که خطر تسلط رضاخان بر سرنوشت کشور و اقدامات مذهب‌زدایانه او را بیش از دیگران احساس می‌کرد طرف رجوع مردم قرار گرفت.^۷ رشد و پرورش فکری ایشان در محیط شهر اصفهان که در آن زمان یکی از مهمترین مراکز روحانیت به شمار می‌رفت و بهره‌گیری از مکتب درس و بحث علمای آن شهر، خصوصاً پدر بزرگوارش محمدباقر نجفی که علمای بزرگی نظیر آیت‌ا... نائینی از محضر ایشان کسب فیض نموده بودند، وی را بصورت یک شخصیت عمیق و آگاه به مسائل فقهی، فلسفی و کلامی بار آورده بود.^۸ ایشان که تحت تأثیر اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و مظاهر آن را سرلوحه اندیشه‌های مبارزاتی خود قرار داده بود با ایجاد تشکیلاتی منضبط و نیمه مخفی در اصفهان، در پوشش اتحاد اسلام با مظاهر استبداد و استعمار مبارزه می‌کرد.^۹ درک سیاسی عمیقش باعث شده بود که از همان ابتدا متوجه بروز حوادث و تحولات جدید و نفوذ استعمارگران شده و آگاهانه در اکثر حوادث تاریخ معاصر ایران، از جمله انقلاب مشروطه^{۱۰}، مسئله اولیاماتوم روس و مهاجرت علمای نجف^{۱۱}، مسئله بروز جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط متفقین و مهاجرت وکلای مجلس^{۱۲} شرکت نماید.

با ظهور رضاخان در صحنه سیاسی ایران، مبارزات حاج آقا نور... شتاب بیشتری گرفت. ایشان با ظهور رضاخان خطر را بیش از هر زمانی احساس کرده و فهمیده بود که دیواستبداد ملیس به لباس مشروطه و قانون چنان سر برآورده است که اگر در اندیشه اصلاح امور بر نیاید، قرآن و دیانت محمدی و روحانیت و اندیشه و ایمان مذهبی مردم اسیر استبداد و پایمال رواج اندیشه‌های غربی خواهد شد. بنابراین مترصد فرصت بود تا بار دیگر به شاه مستبد و سردمداران دستگاه وی گوشزد نماید که حاکمیت در لفافه قانون و مشروطیت باید بر اساس دیانت و شریعت اسلامی باشد و نه به میل شخصی و هوی و هوس فردی، به همین دلیل پس از تصویب قانون نظام اجباری و در آستانه اجرای آن که افکار عمومی علیه حاکمیت و اقدامات رضاخان برانگیخته شده بود، زعامت و رهبری مردم را بر عهده گرفت و توانست بار دیگر صحنه مهاجرت کبری انقلاب مشروطه را تکرار کند و بنیان استبداد رضاخان را بلرزاند.

در این زمان صدرالمحدثین اصفهانی که با ایراد سخنرانی‌های آتشی علیه دولت، مردم را به قیام عمومی علیه قانون نظام اجباری فراخوانده بود، از طرف حاکم اصفهان، نظام‌الدین حکمت‌بازداشت و زندانی گردید.^{۱۳} با این اقدام حاکم اصفهان، شورش و تشنج عمومی بالا گرفت، بازار اصفهان تعطیل شد و عامه مردم اطراف خانه حاج آقا نور... تجمع نموده و خواستار دخالت ایشان در ماجرا شدند. حاج آقا نور... نیز رهبری قیام را بر عهده گرفت و با ایراد سخنرانی‌هایی در مسجد امام اصفهان، از حکومت خواست برای پاسخ‌گویی به نارضایتی مردم، قانون نظام اجباری را لغو یا تعدیل نماید.

بناضج و توسعه قیام، حاکم اصفهان با ارسال گزارشی به وزارت دربار ضمن توصیف اوضاع وخیم اصفهان به اولیاء امور گوشزد کرد که اجرای

تلاش رضاخان برای ایجاد ارتشی قوی و مطیع از همان روزهای بعد از کودتای ۱۲۹۹ هـ ش شروع شد. وی که دست‌نشانده بیگانگان و فاقد هرگونه پایگاهی در میان مردم بود، تنها راه ترقی و پیشرفت خود را در بهره‌گیری از توان نظامی خویش می‌دید. در این راستا بدنبال بدست گرفتن پست وزارت جنگ در کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی، قانون سربازگیری را در ۲۶ تیرماه ۱۳۰۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسانید^۱ تا از این طریق با بهره‌گیری از یک نیروی نظامی دائمی به اهداف نامشروع خود جامعه عمل بپوشاند.

رضاخان به منظور تشکیل یک ستاد قدرتمند نظامی، تغییر و تحولاتی در ساختار نظامی کشور ایجاد کرد، قوای ژاندارمری و قزاق و دیگر نیروها را در هم ادغام نمود و با تشکیل ستاد فرماندهی، تمامی نیروهای نظامی را بصورت پنج لشکر تحت فرماندهی نزدیکان نظامی خویش در آورد. او همچنین در سطوح مختلف کلاسهای آموزش نظامی به سبک غربی دایر کرد و رده‌های مختلف نظامی در سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی این کلاسها آموزش دیدند.^۲

بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ هـ ش رضاخان با برهم زدن قوای قبل از کودتا و تشکیل ارتش متحدالشکل که به ارتش شاهنشاهی موسوم شد^۳، فرماندهی مراکز اصلی نیروهای خود را به وفادارترین دوستانش که قبلاً هسته اصلی قوای قزاق تحت فرماندهی او را تشکیل می‌دادند سپرد. در رأس این فرماندهان چهره‌هایی نظیر سپهبد احمد امیراحمدی، امیر عبدال... خان طهماسبی، امان... جهانبانی، محمدحسین آیرم و دیگر امراء نظامی قرار داشتند که سربازان مطیع و گوش‌بسته او بودند. این عده همیشه مورد تشویق و تمجید رضاخان قرار گرفته و از او مدال و نشان ویژه دریافت می‌کردند.^۴ در شهریور ۱۳۲۰ که ایران مورد تهاجم متفقین قرار گرفت، همین ارتش شاهنشاهی و امرای نظامی آن بودند که بدون هیچگونه مقاومتی در برابر اشغالگران تسلیم شدند.

رضاخان پس از انجام اقدامات مذکور، در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ قانون نظام اجباری را به تصویب مجلس رسانید. بر اساس این قانون کلیه اتباع ذکور، اعم از سکنه شهرها و قصبات و قرا، ایلات و عشایر و متوفقین خارج از کشور، از اول سن بیست و یک سالگی به مدت دو سال مکلف به خدمت سربازی شدند^۵.

نحوه اجرای این قانون و ناموزون بودن آن با ساختار تاریخی جامعه ایران، شروع به اجرای آن را در اوایل مهرماه ۱۳۰۶ هـ ش با نارضایتی و عکس‌العمل شدید عناصر مختلف جامعه مواجه کرد و افکار عمومی را علیه حاکمیت اجباری رضاخان برانگیخت. مجبور کردن مردمانی که تا آن زمان عادت نموده بودند بصورت داوطلب از حیثیت خویش دفاع کنند، همراه با اقدامات ضد مذهبی و غربگرانه رضاخان بر شدت این نارضایتی افزود و زمینه را برای بروز گسترده‌ترین حرکت مردمی دوره رضاخان فراهم ساخت.

در اوائل مهرماه ۱۳۰۶ هـ ش گروه نظارت بر اجرای قانون نظام اجباری وارد اصفهان شد تا با افتتاح مجلس سربازگیری یکی از مفاد قانون مزبور را اجرا نماید. انتشار این خبر در میان اهالی اصفهان انعکاس شدیدی داشت و گروه‌ها و دسته‌جات مختلف، اصناف و بازاریان، کسبه و

قانون نظام اجباری بدون سرکوب رهبران و عاملین اصلی قیام و بکارگیری نیروی نظامی غیر ممکن است.^{۱۴} نظام الدین حکمت به منظور ارعاب مردم با صدور اعلامیه شدیدالحنی هشدار داد که در صورت تداوم اعتراض و تعطیل عمومی وضعیت فجیع و اسفناکی در انتظارشان خواهد بود.^{۱۵} صدور این اعلامیه نه تنها از تشنج و ناراضی‌نوی مردم نکاست بلکه باعث علنی‌تر شدن احساسات ضد حکومتی مردم و موضع‌گیری قاطع آنها و علما در مهاجرت به قم جهت برآورده شدن خواسته‌هایشان شد.

مهاجرت توده مردم اصفهان به رهبری حاج آقانورا... و دیگر علمای اصفهان در اواخر مهر و اوایل آبان ۱۳۰۶ هـ. ش عملی شد و مردم اصفهان گروه گروه از اصناف و طبقات مختلف شهر، کسبه و بازاریان، تجار و پیشه‌وران و علما و طلاب به سوی قم رهسپار شدند.^{۱۶} و حاج آقانورا... و عده‌ای دیگر از علما و تجار اصفهان مخارج این مهاجرت را بر عهده گرفتند.

مهاجرین اصفهان به محض ورود به قم در آنجا متحصن شده و با ارسال نامه‌هایی به علمای شهرهای مختلف، از آنان دعوت نمودند که با مهاجرت به قم مخالفت خود را با اقدامات ضد دینی رضاخان اعلام دارند.^{۱۷} البته هدف علما از تحصن در قم فقط به لغو یا تعدیل قانون نظام اجباری، محدود نمی‌شد بلکه جریان مبارزه با کمک گرفتن از ناراضی‌نوی عامه به اهداف مهمتری معطوف بود. حاج آقانورا... در آن لحظات حساس از ناراضی‌نوی عموم مردم که با چنین نظامی مانوس نبودند استفاده کرد تا قدرت اسلام و نیروی مذهبی را به دستگاه استبدادی رضاخان نشان دهد و خواستار اجرای حدود شریعت و دیانت اسلامی شود و به سردمداران حاکمیت بفهماند که در صورت ادامه اقدامات ضد دینی، روحانیون و علما به کمک مردم خواهند توانست احقاق حقوق شرعی و دینی نمایند و دستگاه سیاسی آنها را با خطر مواجه سازند، چنانکه دقت در محتوای دعوتنامه‌های علمای متحصن در قم از علمای شهرهای مختلف^{۱۸} و خواسته‌های ششگانه آنها به خوبی اهداف کلی رهبران قیام را مشخص می‌سازد.^{۱۹} در قسمتی از نامه هیئت علمیه اصفهان به علمای کرمان آمده است:

ای حافظین ثغور اسلام ای کسانی که خود را مسئول حفظ دیانت اسلام و حراست احکام سیدالانام علیه الاف التحیه و السلام میدانید آیا میدانید که امروزه اسلام بجه غربت فجیعی دچار است و تهاجم طبقات ملاحده و زناده و فسقه بلای دین مبین گردیده یا نه گمان نداریم که از شدت فجایع اسلامی بر احدی مخفی بوده باشد در اینصورت چگونه میشود راضی شد که این لکه‌های تاریخی بنام ما در صحنه روزگار باقی ماند و روز قیامت جواب حضرت خاتم النبیین (ص) [را] چه خواهیم داد البته میدانید که چنانچه آنها اتفاق بر باطل خود نموده‌اند ما هم اتفاق بر حق خود نمائیم و با تمام قواء جانی و مالی قلمی و قدمی در مقابل آنها عرض اندام نموده و بر حسب وعده: فی قرآن الکریم ان نصروالله ینصرکم ظفر خواهیم یافت...^{۲۰}

همچنین در نامه علمای خراسان به علمای کرمان بدون اشاره به مسئله نظام اجباری، از در خطر بودن اساس دین صحبت شده:

ملتفت هستید و مشاهده میفرمائید که از تهاجم اعداء دین داخلی و خارجی بمقام روحانیت و دیانت میلشان در ترویج پاره [ای] از مسالک قدیمه و جدیده منافیه با دیانت حقّه و مضرّه بمملکت اسلامیّه چه مفاسد [ی] روی داده و بجه اندازه مقام روحانیت و دیانت روی بانحطاط و ضعف آورده است و اگر خدای نخواست امروز حماة دین اندک مسامحه و تعللی ورزند و چند صباحی دیگر بدین منوال بگذرد مظنه آن است بلکه قطعی است برسد کار بجایی که بکلی عثان آنرا از کف حماة دین خارج و قوانین اسلام و حدود الهیه از بین رفته و بلکه اساس اسلام منهدم گردد...^{۲۱}

خبر قیام و مهاجرت مردم اصفهان در شهرهای دیگر از جمله تبریز، مشهد، کاشان و یزد انعکاس شدیدی یافت و تلگرافهای زیادی در حمایت از آنها به وزارت دربار و به خود مهاجرین مخابره شد.^{۲۲}

همزمان تعدادی از علما نیز تلگراف‌هایی به رضاخان و وزارت دربار مخابره نموده و خواستار لغو یا تعدیل قانون نظام اجباری شدند.^{۲۳} هنگامیکه مردم و علمای شهرهای مختلف جواب مساعدی از طرف سردمداران حکومت دریافت نکردند، گروه گروه به قم مهاجرت کرده و به صف متحصنین پیوستند و بدین ترتیب دامنه قیام گسترش یافت.^{۲۴}

مراجع بزرگ ساکن عتبات، حضرات آیات نائینی و اصفهانی نیز از طریق معتمدین خود در جریان مهاجرت علما و مردم اصفهان به قم و درخواست‌های ایشان قرار گرفتند.^{۲۵} مهاجرین و علمای متحصن در قم تلاش می‌کردند تا حضرات آیات نائینی و اصفهانی را که از مراجع بزرگ آن زمان محسوب می‌شدند با خود همراه سازند تا با همراهی و همفکری ایشان بتوانند به خواسته‌های اساسی خویش جامه عمل بپوشانند، از طرف دیگر دولت می‌کوشید تا از طریق کنسولگری ایران در نجف و شبکه جاسوسی خود در عراق واقعه مهاجرت و اوضاع داخلی ایران را برعکس جلوه داده و مانع از رسیدن اخبار صحیح حوادث به علما و مراجع ساکن عتبات شود، با وجود این حضرات آیات نائینی و اصفهانی از طرق مختلف در جریان امور قرار گرفته و خواستار اصلاح امور و جلوگیری از تعدی مأمورین نسبت به مردم شدند.

حضرت آیت... ابوالحسن اصفهانی ضمن فراخواندن محمود ارفع، ویس کنسول ایران در نجف اشرف با نشان دادن انبوه نامه‌هایی که از شهرهای مختلف برای ایشان ارسال شده بود و همگی حاکی از اوضاع بد اجتماعی و اهانت و توهین به روحانیت، رواج منهای شرعی و فساد و فحشاء در میان جامعه و اجحاف مأمورین نسبت به مردم بود هشدار داد. محمود ارفع این گزارشها را کار عوامل و عناصری دانست که برای بر هم زدن اوضاع و مشوش کردن اذهان علمای بزرگ نجف، علیه حکومت فعالیت می‌کنند، حضرت آیت... اصفهانی ضمن دادن جواب شدیدالحنی گفتند:

اخباریکه بما رسیده و میرسد ابدأ به اولیاء امور دولت نمی‌رسد و اینست که ما اطلاعات صحیح داریم و همینطور است که نوشته‌اند.^{۲۶}

در این زمان عده‌ای از علما و طلاب ساکن عتبات که اخبار مربوط به اوضاع داخلی ایران و اقدامات مذهب زدایانه رضاخان را به مراجع بزرگ

منعکس می نمودند، نظیر سید حسن لواسانی، حاج آقا مجلسی اصفهانی و میرزا علی تبریزی از طرف محمود ارفع مورد تهدید قرار گرفتند که دست از فعالیت خود بردارند.^{۲۷}

با بالا گرفتن قیام و خطر خارج شدن آن از کنترل دولت، رضاخان، عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار را مأمور نمود تا به هر ترتیبی که شده غائله را خاتمه داده و اجتماع علما را در قم برهم زند و شهرها را از حالت تعطیل و اعتصاب خارج سازد.^{۲۸} تیمورتاش نیز به منظور به انجام رسانیدن این مأموریت، آقایان شریعتمدار و بحر العلوم رشتی را مأمور نمود تا به قم رفته و با علما مذاکره نمایند.^{۲۹} و آنها را متقاعد سازند که به تحصن خود خاتمه داده و به اوطان خویش برگردند. نمایندگان تیمورتاش پس از دو روز اقامت در قم و مذاکره با علما بدون اخذ نتیجه‌ای به تهران بازگشته و اعلام نمودند که راهی جز پذیرش خواسته‌های مهاجرین وجود ندارد. زمانی که تیمورتاش از این اقدام خود به نتیجه‌ای نرسید با جلب رضایت رضاخان تصمیم گرفت شهر قم را که مرکز مهاجرین شده بود به توپ ببندد.^{۳۰} ولی با اندیشیدن به عواقب خطرناک چنین اقدامی بر آن شد تا قم را تحت کنترل شدید قرار دهد، برای این منظور حاکم قم و خلجستان را به تهران فراخواند تا دستورالعمل‌های لازم برای نحوه برخورد با متحصنین را به او ابلاغ نماید.^{۳۱} حاکم قم و خلجستان پس از دریافت دستورات دربار به قم بازگشت و در جلسات مهاجرین شرکت کرد و با آنها به مذاکره نشست و سعی کرد با ایجاد شکاف در صف مهاجرین، اجتماع قم را پراکنده سازد.^{۳۲} همزمان حکام شهرهای مختلف نیز سعی نمودند با ایجاد شکاف و دو دستی بین علمای متحصن در قم و علمای ولایات، از توسعه قیام جلوگیری نمایند.^{۳۳}

این تدابیر نه تنها به نتیجه‌ای نرسید بلکه باعث تشدید قیام و ارسال تلگراف‌های زیادی از طرف مردم، اصناف و تجار شهرهای مختلف به وزارت دربار و مجلس شورای ملی در حمایت از مهاجرین و تأکید بر تعطیلی شهرها تا برآورده شدن خواسته‌های مهاجرین شد.^{۳۴} در این زمان علمای متحصن در قم نیز با مخایره تلگرافی به نمایندگان مجلس شورای ملی خواستار لغو یا تعدیل قانون نظام اجباری شدند،^{۳۵} در ضمن از مراجع بزرگ ساکن عتبات نیز خواستند با مخایره چنین تلگرافی به مجلس شورای ملی به حمایت از آنها بپردازند.^{۳۶} حضرات آیات نائینی و اصفهانی با دریافت تلگراف علمای متحصن در قم، به حمایت از آنها برخاسته و تصمیم گرفتند نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص تحصن علما در قم به گوش رضاخان برسانند. بنابر این آیت‌... بروجردی و شیخ احمد شاهرودی را به نمایندگی از طرف خود انتخاب نمودند تا ضمن حرکت به سوی ایران و ملاقات با علمای قم و دادن دستورالعمل‌های لازم به آنها به تهران رفته و خواسته‌های علما و مهاجرین قم را به مقامات حکومتی منعکس نمایند.

با انتشار خبر حرکت آیت‌... بروجردی و شیخ احمد شاهرودی، ویس کنسولگری ایران در نجف ضمن ارسال گزارش‌های فوری و محرمانه به وزارت امور خارجه در خصوص موافقت و همدلی حضرات آیات نائینی و اصفهانی با متحصنین قم خاطر نشان ساخت که:

آقایان حجج الاسلام سید ابوالحسن اصفهانی و نائینی و آقای میرزا علی آقا شیرازی خطوطی بتوسط معتمد خودشان که به

تهران اعزام میدارند به علماء طهران و مهاجرین قم نوشته‌اند که با مقاصد آنها همراه و مخصوصاً در لغو نظام اجباری موافقت نموده‌اند و گویا نوشته‌اند در اینجا در مجلس مذاکره می نمایند که قوانینی که در این مدت به تصویب مجلس مقدس شورای ملی گذشته رسمیت ندارد زیرا به موجب قانون اساسی باید پنج نفر از نظار درجه اول فقها در مجلس عضویت داشته باشند و قوانین موضوعه بعد از تصدیق و اجازه آنها رسمیت پیدا خواهد نمود...^{۳۷}

بعد از انتشار این خبر، محمود آیت‌... زاده خراسانی به نمایندگی از طرف رضاخان با آیت‌... نائینی و آیت‌... اصفهانی ملاقات نمود و کوشید ایشان را از اعزام معتمدین خود که حامل نامه‌هایی بر خلاف مقاصد دولت بودند باز دارد، اما بعد از آنکه به نتیجه‌ای نرسید و از مضمون نامه‌ها باخبر شد، مرسله‌ای محرمانه به وزارت دربار فرستاد و تأکید نمود که از ورود نمایندگان حضرات آیات به ایران جلوگیری نمایند.^{۳۸} سپس کنسولگری ایران در بین‌النهرین به یاور هدایت‌... خان، سرحددار ایران در قصر شیرین اطلاع داد که از ورود نمایندگان حضرات آیات به ایران جلوگیری کند و نوشتجات همراه آنان را ضبط نماید.^{۳۹} آیت‌... بروجردی و شیخ احمد شاهرودی قبل از رسیدن به مرز از جریان باخبر شده و بدین ترتیب از حرکت آنها بسوی ایران جلوگیری بعمل آمد.^{۴۰}

سرانجام رضاخان که از دامنه‌دار شدن قیام و به خطر افتادن موقعیت خویش احساس خطر می‌کرد، در مقابل خواسته‌های مهاجرین عقب نشینی نمود و نمایندگانی به قم فرستاد تا ضمن مذاکره با علما و موافقت با خواسته‌هایشان به تحصن آنها خاتمه دهند. در این راستا نمایندگان رضاخان که عبارت بودند از: تیمورتاش وزیر دربار، مهدیقلی هدایت رئیس‌الوزراء، امام جمعه تهران و ظهیرالاسلام عازم قم شدند.^{۴۱} و ضمن مذاکرات طولانی و مباحثاتی که حاکی از پایداری علما و مهاجرین جهت برآورده شدن خواسته‌هایشان بود^{۴۲} به توافق‌هایی رسیدند.

پس از بازگشت نمایندگان رضاخان به تهران، علما و مهاجرین خواسته‌های شش‌گانه خود را طی تلگرافی به تیمورتاش و مهدیقلی هدایت این چنین بیان کردند:

اولاً راجع به نظام اجباری در اصل مطلب که لزوم قشون برای مملکت باشد هیچ عاقلی نمیتواند اظهاری بکند منتهی بواسطه مأنوس نبودن اهالی با اصول جدید قشونگیری و سوء اجراء آن از طرف مأمورین و غیره در اهالی و غیر هم اضطراب و نگرانی ایجاد شده است که باعث حرکت داعیان گردید و از هیئت دولت تقاضا میکنند که الغاء قانون نظام اجباری شود و در صورت عدم امکان درخواست میکنیم که امر به تعطیل و فک مشمولین و مأخوذین نمایند و تجدید نظر در دوره هفتم مطابق قانون اساسی که در قانون مزبور تجدید نظر بعمل آید که نواقص آن مرتفع شده و بیشتر بر وفق احتیاجات و اخلاق مملکت باشد مطلب ثانی راجع به بودن پنج نفر از علماء بعنوان طراز اول در مجلس که مطابق قانون اساسی باید معمول گردد در این باب هم استدعا میکنیم که از طرف دولت کمک و مساعدت لازمه بشود که این ماده قانون اساسی مجری

گردد مطلب سوم راجع به مطبوعات است که اغلب مندرجاتی بر خلاف دیانت و روحانیت منتشر میکنند که اسباب انزجار قلوب و نگرانی طبقه روحانی میشود و مستدعی هستیم برطبق قانون مطبوعات ناظر شرعیات چنانچه در مرکز هست در همه ایالات و ولایات هم معین شود که جداً بر حسب قانون جلوگیری سخت نموده و مجازات بعمل آید مطلب چهارم راجع به جلوگیری از منهایات شرعیه و فحشا است که خود دولت نیز در این باب بذل مساعی میفرمایند منتهی باید مقرر فرمائید مراقبت کامل بعمل آید که جداً جلوگیری تامه بشود مطلب پنجم راجع به تنظیم محاضر شرعیه مطابق مواد هشتگانه اصول محاکمات مطلب ششم پروگرام مدارس خارجه باید مطابق پروگرام وزارت معارف و مدارس داخله باشد.^{۳۳}

در بیست و یکم آذرماه یکهزار و سیصد و شش از طرف مهدیقلی هدایت و عبدالحسین تیمورتاش، جوابیه‌ای مبنی بر موافقت باخواسته‌های ششگانهٔ علما و مهاجرین قم صادر شد که در آن وعده داده شده بود:

خاطر محترم آقایان میتواند کاملاً مطمئن باشد که از نقطه نظر آسایش حال مردم مراعات رفاهیت‌های عملی در اجراء قانون نظام اجباری خواهد شد و چون هر قانونی ممکن است معایبی داشته باشد که پس از عمل و تجربه باید در صدد رفع آن برآید لهذا خود دولت و وزارت جنگ پس از تجارب حاصله در نظر دارد که در قانون مزبور مطالعاتی نماید پس از اتمام و تکمیل مطالعات دولت قانون مزبور در دوره آتی برای تجدید نظر بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد که بموجب قانون اساسی مدارج مقرر را طی بکند و اما درباب حضور پنج نفر از علماء اعلام طراز اول در مجلس شورای ملی چنانچه خاطر محترم آقایان مسبوق است قانون اساسی طریقی برای آن معین کرده است یعنی باید حضرات حجج اسلام مرجع تقلید بیست نفر از مجتهدین درجه اول و مطلع در مقتضیات زمانرا در هر دوره بمجلس شورای ملی معرفی فرمایند تا بترتیب مقرر پنج نفر انتخاب شوند حالیه هم لازم است که بترتیبی که در قانون اساسی معین و مقرر شده است رفتار شود مسلم است که از طرف دولت هیچ نوع معارضه با بودن طراز اول در مجلس نبوده و در موقع خود و مساعدت لازمه نیز بعمل خواهد آمد درباب سایر مسائل مرقومه آقایان محترم میتوانند اطمینان کامل داشته باشند که دولت دستور خواهد داد که مأمورین دولت مراقبت کامل نمایند که بر ضد دیانت و روحانیت مندرجاتی بعمل نیاید و نیز از طرف دولت که خود نیز نهایت علاقه را بجلوگیری از منهایات شرعیه دارد اوامر مؤکد بمأمورین خود صادر خواهد شد که جلوگیری لازم بعمل آورند اما در باب محاضر شرعیه نظر بآنکه مربوط بمقامات مقننه است مراجعه میشود و انجام تقاضای آقایان خواهد شد همچنین درباب ناظر شرعیات و جلوگیری از جرایم و مدارس خارجه در حدود قانون دولت در اجرائیات مضایقه و

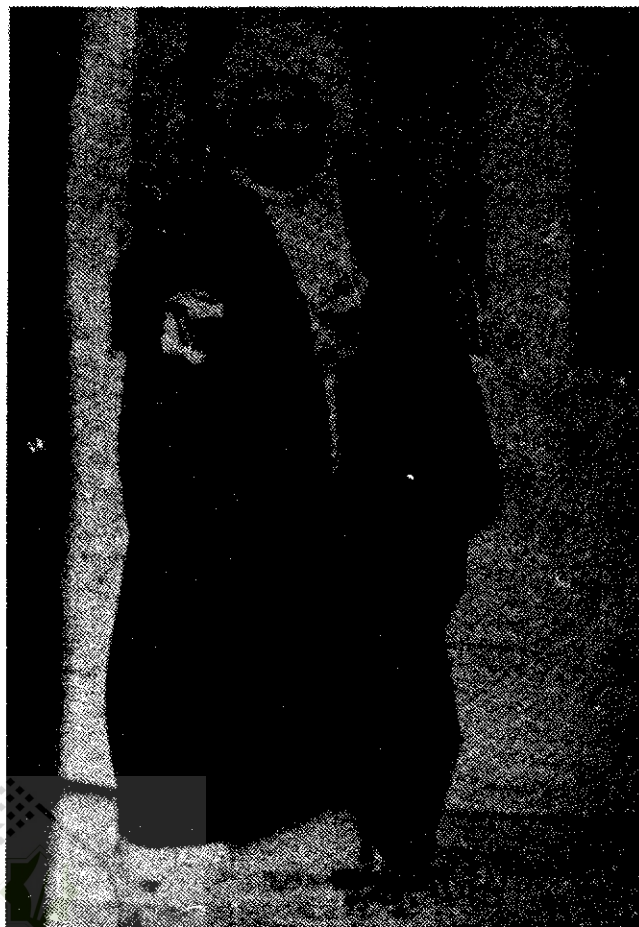
در زمان این مرد سوارکوهی، این رضاخان نانپیب، یک قیام از علمای اصفهان شد که ما در واقعه حاضر بودیم علمای اصفهان آمدند به قم و علمای بلاد هم از اطراف آمدند و مرحوم حاج آقا نورالله در راسشان بود و مخالفت با رضاخان کردند این را هم با قدرت و هیله شکستند پنانچه قیام آذربایجان و علمای آذربایجان و قیام فراسان اینها را همه با قدرت شکستند و آنوقت هم به ما بعضی‌ها گفتند حاج آقا نورالله در قم فوت شد. ایشان را مسموم کردند.

حضرت امام قمینی (ره)

خودداری نمیکند در خاتمه امیدواری کامل میرود که با حسن استقبال دولت از مقاصد آقایان محترم آقایان نیز باوطان خود مراجعت فرمایند و با دولت در اجراء مطالب مرقومه خود کمک عملی فرمایند.^{۳۴}

با دقت در خواسته‌های علما و مهاجرین به این نتیجه می‌رسیم که اهداف کلی نهضت، به خصوص رهبر آن حاج آقا نورالله اصفهانی، ضدیت با اصل نظام اجباری نبود، بلکه ضدیت با حاکمیت رژیم بود که می‌خواست با افزایش قدرت و توان نظامی خویش در جهت هدم اساس دیانت و روحانیت گام بردارد. علاوه بر این حاج آقا نورالله و علمای همفکر ایشان مانند شهید مدرس، مبارز خستگی ناپذیر دورهٔ رضاخان، به این مسئله می‌اندیشیدند که این نیرو باید در خدمت کی و چه چیزی قرار گیرد. آیا باید فقط در خدمت یک سلطان مستبد باشد؟ ایشان می‌دیدند که این نیرو در خدمت استبداد قرار می‌گیرد و استبداد نیز از آن بعنوان وسیله‌ای برای نابودی سنت‌های ایرانی - اسلامی و ترویج جلوه‌ها و مظاهر غربی در جامعه استفاده خواهد کرد. بنابراین چون کاربرد این نیرو بوسیلهٔ استبداد منجر به فعل حرام می‌شد تشکیل آن نیز حکم تحریم و حرمت پیدا می‌کرد و مبارزه با آن واجب بود.

علما و مهاجرین با قبول خواسته‌هایشان از طرف دولت، به تدریج به اوطان خویش بازگشتند. مردم اصفهان در راه بازگشت مهاجرین طاق نصرت نصب نموده و استقبال باشکوهی از آنها بعمل آوردند.^{۳۵} و بدین ترتیب مسئله مهاجرت با عقب نشینی موقت دولت پایان یافت. در این میان گروهی از علما و مهاجرین، از جمله حاج آقا نورالله اصفهانی در قم باقی ماندند تا خواسته‌هایشان عملی گردد.^{۳۶} اما رضاخان که بالاچار به خواسته‌های علما و مهاجرین تن داده بود، در صدد برآمد با از بین بردن رهبر قیام، تعهدات خود را زیر پا بگذارد، بنابراین با توجه به کسالت



مرحوم حاج آقا نورالله مجتهد اصفهانی در سالهای قبل از مشروطیت
(عکس از کتاب اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه)

مختصر حاج آقا نور... اعلم الدوله پزشک مخصوص خود را در ظاهر برای معالجه ایشان و در اصل برای به شهادت رساندن حاج آقا نور... به قم فرستاد. اعلم الدوله نیز با تزریق آمیول هوا، ایشان را به شهادت رساند.^{۳۷} بعد از درگذشت حاج آقا نور...، علما و مهاجرینی که هنوز در قم باقی مانده بودند به اوطان خویش بازگشتند و دولت به وعده‌های خود عمل نکرد و پیشنهادهای اصلاحی مهاجرین در مورد مواد قانون نظام اجباری نیز هیچگاه در مجلس مطرح نشد.

پی‌نوشت‌ها

۵. تاریخ ارتش نوین ایران، همان، ص ۱۵۴.
۶. ن.ک: سند شماره ۳.
۷. ن.ک: سند شماره ۱.
۸. عبدالحجة باغی، انساب و خواندانه‌های مردم نائین «مدینه المرقا» (تهران: (بی‌تا)، ۱۳۲۸)، ص ۵۱-۵۳.
۹. ن.ک: سند شماره ۶۸؛ موسی نجفی، اندیشه سیاسی و نهضت بیدارگرانه حاج آقا نور... اصفهانی، ((بی‌جا): کلینی، (بی‌تا))، ص ۴۳۵-۴۳۷.
۱۰. سیف... وحیدنا، مجله وحید، سال ۱۷، شماره ۹ - ۱۰، ص ۴ - ۵.
۱۱. محمد ترکمان، اسنادی دربارهٔ هجوم روس و انگلیس به ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۷۱)، ص ۴۵.
۱۲. باقر کاظمی، «رجال صدر مشروطیت ایران»، یغما، سال پنجم، شماره اول (۱۳۳۱)، ص ۲۱۷.
۱۳. ن.ک: سند شماره ۳.
۱۴. همان.
۱۵. ن.ک: سند شماره ۲.
۱۶. باقر عاقلی، تیمورتاش در صحنه سیاست ایران (تهران: جاویدان، ۱۳۷۱)، ص ۲۴۶.
۱۷. ن.ک: سندهای شماره ۶/۴، ۴/۳، ۴/۲، ۴/۱.
۱۸. ن.ک: سندهای شماره ۶/۴، ۴/۳، ۴/۲.
۱۹. ن.ک: سند شماره ۴۲.
۲۰. ن.ک: سند شماره ۴/۲.
۲۱. ن.ک: سند شماره ۴/۳.
۲۲. ن.ک: سندهای شماره ۱۷، ۱۶، ۳۱، ۳۲.
۲۳. ن.ک: سندهای شماره ۳۷/۱، ۳۷/۲.
۲۴. همان.
۲۵. ن.ک: سند شماره ۷.
۲۶. ن.ک: سند شماره ۲۰.
۲۷. ن.ک: سندهای شماره ۲۱، ۲۲.
۲۸. باقر عاقلی، پیشین، ص ۲۴۶.
۲۹. ن.ک: سندهای شماره ۲۹، ۳۰.
۳۰. باقر عاقلی، پیشین، ص ۲۴۷.
۳۱. ن.ک: سند شماره ۱۹.
۳۲. ن.ک: سند شماره ۲۹.
۳۳. ن.ک: سندهای شماره ۵۳، ۵۴.
۳۴. ن.ک: سندهای شماره ۲۵، ۳۳/۱، ۳۳/۳.
۳۵. ن.ک: سند شماره ۲۸/۲.
۳۶. ن.ک: سند شماره ۲۸/۱.
۳۷. ن.ک: سند شماره ۳۸.
۳۸. ن.ک: سندهای شماره ۴۷/۳، ۴۸.
۳۹. ن.ک: سند شماره ۳۹.
۴۰. ن.ک: سند شماره ۴۰.
۴۱. ن.ک: سندهای شماره ۱۲، ۱۳؛ حسن مرسلوند، پیشین، صفحه ۱۹۸-۲۰۲.
۴۲. ن.ک: سندهای شماره ۱۵، ۱۸.
۴۳. ن.ک: سند شماره ۴۲.
۴۴. ن.ک: سند شماره ۴۳.
۴۵. ن.ک: سندهای شماره ۴۶/۱، ۴۶/۲.
۴۶. ن.ک: سند شماره ۴۷.
۴۷. باقر عاقلی، پیشین، ص ۲۴۸.

راهنمای اسناد

موضوع

شماره سند

۱۴	حرکت وی و رئیس الوزرا به طرف قم تلگراف تیمورتاش به حکومت قم و خلیجستان در خصوص متذکر نمودن آقایان بحرالعلوم و شریعتمدار به لزوم توافق نظر نمایندگان علما در هنگام مذاکره با وی و رئیس الوزرا	۱	مکاتبه مدیر روزنامه ملی سپاهان (محمدعلی مکرّم) با وزیر دربار (تیمورتاش) در خصوص تحریکات حضرت آیت... حاج آقا نورا... اصفهانی علیه قانون نظام اجباری در اصفهان
۱۵	تلگراف دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزیر دربار در قم در خصوص اعلام نظرات دولت درباره قانون نظام اجباری در ملاقات با حضرت آیت... حاج شیخ عبدالکریم حائری	۲	اعلانیه حکومت اصفهان خطاب به اهالی این شهر در خصوص لزوم تبعیت از قانون نظام اجباری و تهدید مخالفین به سرکوب و مجازات
۱۶	مراسله تیمورتاش به آیت... سیدمحمدبهبهانی در پاسخ به تلگراف اهالی شیراز در مورد درخواست تغییر قانون نظام اجباری	۳	گزارش حکومت اصفهان در خصوص تجمع اهالی این شهر در مخالفت با قانون نظام اجباری در مسجد شاه (امام خمینی) و لزوم سرکوب آنها با قشون نظامی
۱۷	مراسله تیمورتاش به میرزا هاشم آشتیانی در پاسخ به تلگراف اهالی شیراز در مورد درخواست تغییر قانون نظام اجباری	۴/۱	گزارش والی کرمان (محمودجم) در خصوص اقدام هیأت علمیه اصفهان و علمای خراسان در ارسال نوشته‌هایی برای علمای کرمان
۱۸	تلگراف حضرات آیات اصفهانی و نائینی به رضاخان در خصوص اعزام معتمدی از طرف خود به تهران جهت اعلام نقطه نظرانشان راجع به قانون نظام اجباری	۴/۲	رونوشت نامه هیأت علمیه اصفهان به علمای کرمان
۱۹	گزارش حکومت قم و خلیجستان به وزارت دربار در خصوص نتایج مذاکراتش با علمای متحصن اصفهان در قم	۴/۳	رونوشت نامه عده‌ای از علمای خراسان به علمای کرمان
۲۰	گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص ملاقاتش با آیت... اصفهانی و نارضایتی ایشان از رواج منهیات دینی در کشور و اهانت حکومت به علما و روحانیون	۴/۴	رونوشت نامه هیأت علمیه اصفهان به آیت... میرزا محمدرضا کرمانی
۲۱	گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص معرفی عده‌ای از روحانیون اشاعه دهنده اخبار مربوط به ایران در نجف	۴/۵	تقدیر و تشکر وزارت دربار از نحوه برخورد والی کرمان با علماء گزارش والی کرمان در خصوص فعالیت مجدد گروهی از متنفذین و مخالفین اقدامات دولت در کرمان
۲۲	اقدامات حاجی آقا مجلسی در نقل و نشر اخبار اغتشاش اصفهان و شیراز در نجف و تلاش وی جهت هم صداکردن علمای نجف با علمای متحصن اصفهان در قم	۵	تلگراف والی آذربایجان (علی منصور) به وزارت داخله در خصوص وصول تلگرافی به علماء تبریز در مورد تحصن علماء اصفهان در قم برای احیاء دین
۲۳	گزارش حکومت قم و خلیجستان در خصوص بازگشت عده‌ای از تجار، اعیان و کسبه متحصن در قم به اصفهان	۶	مراسله مهدی آیت... زاده خراسانی به معاونت ریاست الوزرا در خصوص انعکاس خبر مهاجرت علمای اصفهان به قم و تعطیلی شهرها در بین علمای نجف
۲۴	وصول دستوراتی از طرف متحصنین قم به علمای کاشان مبنی بر مخابره تلگرافی به رضاخان در مخالفت با قانون نظام اجباری	۷	درخواست علمای متحصن اصفهان در قم از رضاخان مبنی بر الغاء قانون نظام اجباری
۲۵	تلگراف عده‌ای از علما و اهالی یزد به مجلس شورای ملی در خصوص اعلام انزجار اهالی این شهر از قانون نظام اجباری و درخواست لغو آن	۸	عدم موافقت رضاخان با درخواست علمای متحصن اصفهان در قم در مورد الغاء قانون نظام اجباری
۲۶	گزارش تلگرافی اداره پست یزد در خصوص حکمفرما بودن نظم و آرامش در شهر یزد و حومه آن	۹	تلگراف حکومت خراسان و سیستان به وزارت دربار در خصوص تصمیم علمای خراسان به فرستادن چهار نفر از علمای خراسان به تهران جهت ارائه عرایض خود به وزارت دربار
۲۷/۱	تلگراف علمای متحصن در قم به علمای تهران و مجلس شورای ملی در خصوص الغاء قانون نظام اجباری	۱۰/۱	کشف رمز تلگراف حکومت خراسان و سیستان و پاسخ وزارت دربار به آن
۲۷/۲	تلگراف رئیس مجلس شورای ملی (حسین پیرنیا) در پاسخ به تلگراف علمای متحصن در قم مبنی بر عدم امکان الغاء قانون نظام اجباری به دلیل منافع کلی آن برای کشور	۱۰/۲	درخواست حضرت آیت... حاج شیخ عبدالکریم حائری از رضاخان مبنی بر اعزام تیمورتاش به قم جهت مذاکره با علمای متحصن در قم درباره قانون نظام اجباری
۲۸/۱	تلگراف علمای متحصن اصفهان در قم به علمای نجف مبنی بر درخواست مخابره تلگرافی در حمایت از آنها به مجلس شورای ملی	۱۱	تلگراف حکومت قم و خلیجستان به تیمورتاش در خصوص اقدامات بعمل آمده برای انتخاب نمایندگانی از طرف علما جهت مذاکره با وی و رئیس الوزرا در هنگام ورود آنها به قم
۲۸/۲	سواد تلگراف علمای متحصن اصفهان در قم به نمایندگان مجلس شورای ملی	۱۲	تلگراف تیمورتاش به حکومت قم و خلیجستان در خصوص
۲۹	مذاکرات حاکم قم و خلیجستان (مصطفی علامیر) با حضرت	۱۳	

- آیت... حاج آقا نور... اصفهانی و سایر علمای متحصن در قم در خصوص اجرای قانون نظام اجباری
- ۳۰ پیشنهاد آقای شریعتمدار (نماینده تیمورتاش در مذاکره با علمای مبنی بر اعزام عده‌ای نظامی به قم جهت ترساندن متحصنین و دادن انعام به اطرافیان علما به منظور پراکنده کردن آنها
- ۳۱ تلگراف عده‌ای از علمای شیراز به حضرت آیت... حاج آقا نور... اصفهانی و علمای متحصن در قم در تشکر از اعمال آنها در ترویج شعائر اسلامی و اعلام تداوم تعطیل عمومی در حمایت از آنها
- ۳۲ تلگراف عده‌ای از علمای شیراز به حضرت آیت... حاج شیخ عبدالکریم حائری در تشکر از توجهات ایشان به ترویج شعائر اسلامی و حمایت از علمای متحصن در قم
- ۳۳/۱ تلگرافهای مبادله شده بین هیأت اتحادیه تجار فارس و مجلس شورای ملی در خصوص اعتصاب مردم فارس در اعتراض به نظام اجباری
- ۳۳/۲ تلگراف مجلس شورای ملی به اتحادیه تجار فارس
- ۳۳/۳ تلگراف اتحادیه تجار فارس به مجلس شورای ملی
- ۳۳/۴ تلگراف مجلس شورای ملی به اتحادیه تجار فارس
- ۳۳/۵ تلگراف اتحادیه تجار فارس به مجلس شورای ملی
- ۳۳/۶ تلگراف مجلس شورای ملی به اتحادیه تجار فارس
- ۳۳/۷ تلگراف اتحادیه تجار فارس به مجلس شورای ملی
- ۳۳/۸ تلگراف مجلس شورای ملی به اتحادیه تجار فارس
- ۳۴ گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص اقدامات طلاب اصفهانی و تهرانی مقیم نجف جهت همراهی علمای نجف با علمای متحصن اصفهان در قم
- ۳۵ گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص تجمع عده‌ای از علما و طلاب نجف در منزل سید محمد خلخالی و تصمیم آنها برای مساعدت به علمای متحصن در قم
- ۳۶/۱ تلگرافهای ارسالی فقیه‌التجار، اسلامیة و حاکم قم و خلیجستان به وزارت دربار در خصوص نتایج مذاکراتشان با علمای متحصن در قم
- ۳۶/۲ تلگراف فقیه‌التجار و اسلامیة به وزارت دربار
- ۳۶/۳ تلگراف حاکم قم و خلیجستان (مصطفی‌علامیر) به وزارت دربار
- ۳۷/۱ مکاتبه وزیر داخله (حسین سمیعی) با وزارت دربار در خصوص گزارش حکومت کاشان مبنی بر مهاجرت عده‌ای از علما و کسبه کاشان به قم
- ۳۷/۲ گزارش حکومت کاشان به وزارت داخله
- ۳۸ گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص ارسال نامه‌ای از طرف آیات عظام اصفهانی، نائینی و میرزا علی شیرازی توسط نمایندگان خود به علمای تهران و مهاجرین قم مبنی بر همراهی علمای نجف با آنها
- ۳۹ درخواست کنسولگری ایران در بغداد از فرمانده قوای سرحدی قصر شیرین مبنی بر توقیف نمایندگان اعزامی علمای نجف و ضبط نوشتجات همراه آنها
- ۴۰ گزارش سرکنسولگری ایران در نجف در خصوص اختلاف نظر علمای نجف در اعزام نمایندگان خود به ایران به دلیل احتمال پذیرفته نشدن درخواست‌های آنها از طرف دولت
- ۴۱ گزارش سرکنسول ایران در بغداد (محمد حسن بدیع) در خصوص اقداماتش در جلوگیری از مسافرت نمایندگان حضرات آیات اصفهانی و نائینی به ایران
- ۴۲ مراسله علمای متحصن در قم به ریاست الوزرا و وزیر دربار در خصوص طرح پیشنهادات شش گانه خود برای خاتمه دادن به تحصنشان در قم
- ۴۳ نامه مشترک مهدیقلی هدایت و عبدالحسین تیمورتاش به علمای متحصن در قم در خصوص موافقت با پیشنهادات شش گانه آنها و درخواست بازگشت ایشان به اوطان خود
- ۴۴ گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص انصراف علمای نجف از اعزام نمایندگان خود به ایران
- ۴۵/۱ مکاتبه حکومت قم و خلیجستان با وزارت دربار در خصوص ارسال اعلانیة رئیس نظام اجباری جنوب در مورد هشدار به متخلفین از قانون نظام اجباری
- ۴۵/۲ اعلانیة رئیس نظام اجباری جنوب (احمد اخگر)
- ۴۶/۱ مکاتبه حکومت اصفهان با وزارت دربار در خصوص گزارش نظمیه اصفهان مبنی بر ورود نه نفر از علمای متحصن در قم به اصفهان و استقبال مردم از آنها
- ۴۶/۲ گزارش نظمیه اصفهان
- ۴۷ گزارش حکومت قم و خلیجستان در خصوص تأخیر علمای متحصن در قم در بازگشت به شهرهایشان به بهانه نداشتن پول و در اصل انتظار جهت عملی شدن وعده‌های حکومت به آنها
- ۴۸/۱ مکاتبه حکومت اصفهان با وزارت دربار در خصوص لزوم تشکر از عبدالجواد خطیب و محمد علی مکرم به خاطر همکاری آنها با حکومت در امر سربازگیری
- ۴۸/۲ پاسخ وزارت دربار به حکومت اصفهان
- ۴۹/۱ درخواست رئیس نظام اجباری جنوب (احمد اخگر) از تیمورتاش مبنی بر تجلیل و قدردانی از عبدالجواد خطیب به دلیل قبول عضویت در مجلس سربازگیری اصفهان
- ۴۹/۲ اشعاری از عبدالجواد خطیب در توصیف مخالفت علمای اصفهان با وی به علت شرکت در مجلس سربازگیری اصفهان
- ۵۰ مقاله روزنامه نجات در خصوص فوت حضرت آیت‌الله حاج آقا نور... اصفهانی

مکاتبه محمد علی مکرم^(۱) (مدیر روزنامه نامه ملی سپاهان) با تیمورتاش (وزیر دربار)
در خصوص تحریکات حضرت آیتا... حاج آقانورا... اصفهانی^(۲)
علیه قانون نظام وظیفه در اصفهان

تاریخ ۷ ماه ع ۱۳۴۶/۲

«نامه ملی سپاهان»

«مدیر میرزا محمد علی مکرم»

تصدقت کردم کثرت مشاغل مهمه آنوجود مبارک اجازه نمیدهد که این عریضه جات مفصل جان نثار را قرائت فرمائید لیکن لازم است اوضاع اصفهان را بدانید همین قدر عرض میکنم مردم حاضر بودند بملایمت نظام اجباری را بدهند لیکن آقای حاج آقانورالله مبلغین عمامه سر فرستاد در مردم گفت دخترها را هم میگیرند میبرند برای اینکه فرش و قالی پهلوی ببافند و بقدری شهرت دروغ داد که در ورقه فوقالعاده مطالعه میفرمائید. این پیر^۲ کبر خدانشناس میدانند که این اوضاع حاضره تماماً زوال آخوند را ایجاب میکند دو نفر در اصفهان مساعدت کردند با دولت و نظریه دولت را بمردم حالی کردند آقای صارم الدوله^(۳) آقای اعتمادالتجار^(۴) و دیگر تمام مردم از بابت عوامفریبی اسباب ملعبه آقانورالله شده اند اگر سانسور مرا آسوده گذاشت اگر حضرت اشرف که امروز بر راس حزب ایران جوان قرار گرفته اید رفع ظلم نظمی را از جهة سانسور از سر مکرم فرمودید قول میدهم مطابق قانون مطبوعات با رعایت جهات مسائل یا خود مرا فدا کنم یا آخوند را با خاک یکسان کنم انصافاً بنده خیلی در سال زحمت میدهم لیکن چرا بهمه کس این جسارتها را نداشته و توقعی ندارم برای اینکه آزادیخواه و ایران دوست و دشمن اوهام و خرافات بودید و هستید از این جهت استمداد میکنم یکنفر مکرم که در راه عقیده اش تیر خورد و آخوندها حکم قتل او را دادند و بسر مبارک قسم محض مخالفت بنده با طایفه آخوندها که در اصفهان معجزه می کردند بنده را ترور کردند که پهلویم جای گلوله ظالمانه حکم یکنفر [از] آخوندها است آیا نباید بوجود حضرت وزیر دربار بیالم و استمداد بکنم که مگر مرا نگاهدارید سانسور آتشم زد مردم تمام شدم منکه نمیخواهم در سیاست داخل شوم یا بمردم بد بنویسم من دشمن آخوند و معجزه و خرافات و بلوا و چاوشی هستم آزادم کنید یاریم کنید محمدعلی مکرم.

۱. مطابق با: ۱۴ مرداد ۱۳۰۶ هجری شمسی.

۲. در اصل: پیره.

اعلانیة حاکم اصفهان (نظام الدین حکمت) (۵) خطاب به اهالی اصفهان در خصوص
لزوم تبعیت از قانون نظام وظیفه و تهدید مخالفین به سرکوب و مجازات

نمره ۴۷۹۵

بتاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۰۶

اعلان

بعموم اهالی اصفهان اعلان میشود

قانون نظام اجباری با اراده سنیه همایونی ارواحنا فداء و رأی مجلس مقدس شورای ملی تدوین و در سرتاسر مملکت بموقع اجرا گذارده شده است در اصفهان هم دولت قانون مزبور را بموقع اجرا خواهد گذاشت تشبثات کودکانه که این دو روزه بتحریک بعضی مدسین و مغرضین مشاهد میشود صریح میگویم موجب پشیمانی و آتیه و خیمی را نشان میدهد در صورت سفک دما و ائتلاف نفوس مسئول این پیش آمدها عقلا و کاملین این شهر خواهند بود و دولت شدیداً آنها را تعقیب و از آنها صرف نظر نخواهد نمود.

از روز نشر اعلان سربازگیری با خاص و عام مذاکره و فصول معافیت را با اطلاع عموم رسانیده و سهولت هائیکه ممکن بوده است گوشزد مردم شده ولی متأسفانه اشخاص ساده لوح ملعبه دست مغرضین شده این وضعیات اسفناک را پیش آورده اند هر چه نصیحت و موعظه لازم بوده است این دو روزه کرده ام. بموجب این ابلاغیه بعموم اهالی اطلاع داده میشود که اگر دست از این قبیل تشبثات و شرارتها و اجتماعات بر ندارند وضعیت اصفهان صورت دیگری بخود خواهد گرفت و ممکن است فجیعترین وضعیات برای اهالی پیش بیاید آنوقت جز ندامت ابدی برای اهالی هیچ نتیجه نخواهد داشت.

حکومت اصفهان نظام الدین حکمت



نمره ۴۷۹۵

بتاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۰۶

نمونه اسناد

(اعلان)

(بعموم اهالی اصفهان اعلان میشود)

قانون نظام اجباری با اراده سنبه همایونی ارواح فداء و رأی مجلس مقدس شورای ملی تدوین و در سر تا سر مملکت بموقع اجرا گذارده شده است در اصفهان هم دولت قانون مزبور را بموقع اجرا خواهد گذاشت تشبثات کودکانه که این دو روزه بتحریرک بعضی مدسیون و مغرضین مشاهده میشود صریح میگرم موجب پشیمانی و آتیه وخیمی را نشان میدهد در صورت سک دماء و اتلاف نفوس مسئول این پیش آمدها عقلا و کلین این شهر خواهند بود و دولت شدیداً آنها را تعقیب واز آنها صرف نظر نخواهد نمود

از روز نشر اعلان سربازگیری با خاص و عام مذاکره و فصول معافیت را با اطلاع عموم رسانیده و سهولتها لیکنه ممکن بوده است گوشزد مردم شده ولی متأسفانه اشخاص ساده لوح ملعبه دست مغرضین شده این وضعیات اسفناک را پیش آورده اند هر چه نصیحت و موعظه لازم بوده است این دو روزه کرده ام. بموجب این ابلاغیه بعموم اهالی اطلاع داده میشود که اگر دست از این قبیل تشبثات و شرارتها و اجتماعات بر ندارند وضعیت اصفهان صورت دیگری بخود خواهد گرفت و ممکن است فجیعترین وضعیات برای اهالی پیش بیاید آنوقت جز ندامت ابدی برای اهالی هیچ نتیجه نخواهد داشت -

(حکومت اصفهان نظام الدین حکمت)

(اصفهان - مطبعه شرکت امامی)

**مکاتبه نظام الدین حکمت (حاکم اصفهان) با تیمورتاش (وزیر دربار)
در خصوص تجمع اهالی اصفهان در مخالفت با قانون نظام وظیفه در مسجد شاه
و لزوم سرکوب مخالفین با قشون نظامی**

۱۱ [مهر ۱۳۰۶]

وزارت داخله

شخصی است

قربانت گردم این مدت چون طهران تشریف نداشتید تصدیق ندادم جواب عریضجات بنده هم که معمولاً زیارت نمیشود در هر حال سلامت و مزید عزت و شوکت حضرت اشرف عالی را از خدا خواهانم از طرفی هم می دانم وجود مبارک هم فوق العاده مشغله دارید امیدوارم موفق و منصور و مقضی المرام^۱ باشید.

بنده ارادتمند که از روز ورود باصفهان ساعتی راحتی ندارم شب و روز را در واقع مشغول سروکله زدن با این مردم مغرض بدذات بی همه چیز هستم دو سه روز است باز گرفتار ضدیت و ممانعت با اجرای قانون نظام اجباری هستم یقین است خاطر مبارک کاملاً مسبوق شده است امروز جمعیت زیادی بمسجد شاه رفته علماء را ظاهراً جبراً بمسجد آورده اند بنده کاملاً با قوه پلیس و قشونی حتی القوه مواظب انتظامات هستم امروز صبح آقای امیر لشکر جنوب بطرف اصفهان حرکت کرده اند تا امشب وارد خواهند شد ان شاء الله بعد از ورود ایشان تکلیف معین میشود راه علاج منحصر بسرکوبی محرکین است اگر چه این مسئله را باید عرض کرد که در این قضیه عموم اهالی مخالف هستند برای اینکه ابدأ عادت باین قانون ندارند بعلاوه بقدری تبلیغات مخالف شده است که مسلمان و یهودی و ارمنی با هم در این کار متفق هستند با ملاحظه و بر دباری هیچ ممکن نیست پیشرفت^۲ کرد بدون استعمال اسلحه و قوه جبریه این قانون در اصفهان ممکن نیست اجرا شود این دو سه روزه بدون اینکه فساد کلی بشود گذشته بنده وضعیت را نگذاشته ام صورت و قیافه بدی بخود بگیرد این چند روزه از طرف پلیس و نظامی هیچ استعمال اسلحه نشده است فقط با قنடاق تفنگ در بعضی مواقع دفاع و جلوگیری از بی نظمی نموده اند.

صدرالمحدثین (۶) که یکی از وعاظ این شهر است پریشب روی منبر ختم برای بهم خوردن این قانون گرفته بود و خیلی فصولی کرده فوری دستگیر و فعلاً توقیف است انتظار بنده تمام به ورود آقای امیر لشکر است حتی الامکان مایلم در این موقع سفک دماء نشود راپرتهای مرسله وزارت جلیله داخله رمزاً بخاکپای مبارک عرض شده است چون فعلاً مطلبی نیست دیگر جسارت نمیکند.

بنده حقیقی [امضاء]: نظام الدین حکمت

[حاشیه بالا]:

جواب بدهید

۱. مقضی المرام = کسی که آرزویش برآورده شده باشد.

۲. در اصل: پیش رفت.

گزارش محمود جم (والی کرمان) در خصوص اقدام هیئت علمی اصفهان و علمای خراسان در ارسال نوشته‌هایی به علمای کرمان جهت تحریک آنها علیه اقدامات دولت

وزارت داخله

بتاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۰۶
نمره ۴۶۳۹

وزارت جلیله دربار

چندی است هیئت علمی اصفهان و علمای خراسان اقداماتی در کرمان میکنند که زمینه اتحادی بین علما فراهم سازند - اخیراً نوشتجاتی هم به علمای درجه اول کرمان در اینخصوص نوشته و آنها را دعوت بدخول این اتحاد کرده اند - آنچه استنباط^۱ میشود این اقدامات علما در ظاهر برای حفظ دیانت اسلامی ولی در باطن برای حفظ نفوذ شخصی و برضد اقداماتی است که در ترقی اجتماعی مملکت از طرف دربار و دولت اعلیحضرت پهلوی میشود اشتها تشکیلی حزب ایران نو کلیه آخوندها و مرتجعین ایرانی را بوحشت انداخته که مبادا تریبانی پیش بیاید که نفوذ آنها از بین برود - متأسفانه بعضی از عناصر دیگر مملکت هم که ذاتاً جزء مرتجعین نیستند ولی موجودیت خودشان را با این پیش آمدها از نقطه نظر سیاسی در خطر می بینند این آتش ارتجاع را دامن میزنند - بوسائلی در کرمان اقدام نمودم که آقای آیه الله کرمانی و دیگران در این زمینه ها داخل نشده جواب رد بدهند و یا اینکه اقدامی نکرده موضوع را مسکوة عنه بگذارند - همینطور هم وعده دادند - ضمناً گوشزد آقایان هم نمودم که دولت در هیچ مورد اجازه نخواهد داد بکارهایی دست زده شود که امنیت عمومی که حفظ آن از وظایف اولیه دولت است متزلزل و اسباب زحمت^۲ رعایای صدیق و ساکت اعلیحضرت فراهم گردد چند فقره نوشتجاتی که از علمای خراسان و اصفهان بعنوان آیه الله کرمانی و دیگران رسیده بود بدست آورده سواد آنها برای اطلاع خاطر محترم تقدیم می گردد - مستدعی است از نظریات دربار بنده را مستحضر فرمائید.

[امضاء]: محمود جم

[حاشیه پائین، به خط تیمورتاش:]

جواب بدهید که اقدامات ایشان خیلی خوب بوده است و مراتب بعرض رسید البته آقایان علما کرمان را متذکر بکنند که آلت اغفال دسایس اجانب و انتریک‌های داخلی که بی ثمر است نشوند.

۱. در اصل: استباط

۲. در اصل: زحمت.

رونوشت نامه هیئت علمی اصفهان به علمای کرمان

نمره ۲۱۸ مورخه ربیع [۱] المولود ۱۳۴۶

متحدالمآل

حضور مقدس عموم حصون اسلام و آیات الله علی الانام دامت برکاتهم جسارت می نمایم که ای امناء الله علی حلاله و حرامه و ای متکلفین ایتم آل محمد (ص) ای حافظین ثغور اسلام ای کسانی که خود را مسئول حفظ دیانت اسلام و حراست احکام سیدالانام علیه الاف التحیه و السلام میدانید آیا میدانید که امروزه اسلام بچه غربت فجیعی دچار است و تهاجم طبقات ملاحده و زناده و فسقه بلائی دین مبین گردیده یا نه گمان نداریم که از شدت فجایع اسلامی بر احدی مخفی بوده باشد در اینصورت چگونه میشود راضی شد که این لگه های تاریخی بنام ما

در صحنه روزگار باقی ماند و روز قیامت جواب حضرت خاتم النبیین (ص) [را] چه خواهیم داد البته میدانید که چنانچه آنها اتفاق بر باطل خود نموده‌اند ما هم اتفاق بر حق خود نمائیم و با تمام قواء جانی و مالی قلمی و قدمی در مقابل آنها عرض اندام نموده و بر حسب وعده: فی قرآن الکریم ان تنصروا الله ينصركم و ظفر خواهیم یافت و گوی نیک نامی دنیا و آخرت را خواهیم ربود البته باید عموم روحانیون^۱ بلاد مرابطات خود را با یکدیگر کامل نموده و همه هفته از اقدامات و عملیات دیگران را مسبوق فرمایند چنانچه از مشهد مقدس مراسله حجج الاسلام رسیده که در مقام انجام وظیفه خود همه گونه اقدامی دارند و بنابر آنست که از هر بلدی یکی از حجج اسلام حرکت بپهران نمایند و حضور اعلیحضرت عرایض خود را عرضه دارند چنانچه از اصفهان هم حرکت خواهند فرمود اعلیحضرت بخوبی میدانند که حفظ استقلال مملکت متوقف بحفظ دیانت است و عرائض صادقانه داعیان را بموقع اجراء خواهند گذاشت والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

هیئت علمیه اصفهان

سند شماره ۴/۳

رونوشت نامه عده‌ای از علمای خراسان به علمای کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت عموم آقایان عظام و علماء اعلام دامت برکاتهم
 بعرض میرساند پیوسته از درگاه حضرت احدیت جلت عظمته استقامت مزاج آنجنابان^۲ و موفقیت آنوجدان محترم را در حمایت از دین مبین و تشیید شرع خاتم النبیین صلی الله علیه و اله الطاهرین مسئلت می نماییم البته ملتفت هستید و مشاهده میفرمائید که از تهاجم اعداء دین داخلی و خارجی بمقام روحانیت و دیانت میلشان در ترویج پاره [ای] از مسالک قدیمه و جدیده منافیه با دیانت حقه و مضره بمملکت اسلامیة چه مفاصد [ی] روی داده و بچه اندازه مقام روحانیت و دیانت روی بانحطاط وضعف آورده است و اگر خدای نخواستہ امروز حماة دین اندک مسامحه و تعللی ورزند و چند صباحی دیگر بدین منوال بگذرد مظنه آن است بلکه قطعی است برسد کار بجائی که بکلی عنان آنرا از کف حماة دین خارج و قوانین اسلام و حدود الهیة از بین رفته بلکه اساس اسلام منهدم گردد و مسئولیت بر ائمه شرع مقدس و کسانی که در لسان اسلام [و] شرع موسومند [به] حصون اسلام متوجه و مستقر آید (اعاذن الله تعالی من ذالک^۳) و فعلاً علاجی که از برای این پیش آمد موحش و حوادث مزمنه تصور میشود نیست مگر آنکه علماء بلاد - تشریم ذیل فرموده برای حمایت نوامیس الهیة و تشیید اسلام و حفظ ایام آل محمد (ص) طریق اتفاق گیرند و ارتباطشان را باهم کامل و محکم فرموده از اقدامات و حوادث یکدیگر را بدون مسامحه و تعلل مطلع ساخته در هر حال معاضد و معاون هم باشند و اولین وظیفه خود را حفظ اساس اسلام قرار داده بر جمیع وظائف خود حتی وظیفه تعلیم و تعلم بر فرض مزاحمت مقدم دارند رجاء واثق آنکه چون بحمد الله تعالی هنوز مسلمین در عقیدت اسلامیة راسخند بتوجهات ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا له الفداه همگی باین مقصد عالی و موهبت عظمی فائز و مفتخر آیند بلکه ضمناً حائز مقامات خویش نیز گردند اینک این جنابان بعون الله تعالی و حسن توفیقه خود را برای آنچه عرض شده بنحوی مهیا نموده که در مقابل هر نوع صدمه [ای] که خدای نخواستہ متوجه شود متحمل و بلکه سعادت خودمان را در آن میدانیم و همین معانی را بنوع علماء نوع بلاد تذکر داده ایم امید که انشاء الله تعالی بزرگان هر یک از بلاد، بلاد دیگر را بشارت مهیا از برای اجراء این امر مقدس و حضور برای اتفاق و مساعدت مستبشر داشته تافرصت است مشغول اقدامات لازمه گردیم و مقدمه این جانبان خاطر مقدس ملوکانه را بتوسط عریضه مسبوق باین معنی نموده ایم که بهترین وسیله از برای استقلال و استقرار سلطنت و حفظ مملکت اسلامی همانا تقویت از دیانت و مانوس داشتن مسلمین است بقوانین مقدسه اسلامیة و نظر بحسن عقیدت و اهتمام ذات مقدس ملوکانه بحفظ استقلال مملکت که توأم است با قوت دیانت انتظار داریم که پیش از پیش مساعدت فرموده اوامر ملوکانه در اجراء این مقصد مقدس شرفصدور یابد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الطباطبائی القمی (۷) - مرتضی ابن محمد حسن (۸)

احمد بن محمد کاظم (۹) - محمد بن محمد کاظم (۱۰)

۱. در اصل: روحانیین

۲. در اصل: انجانبان

۳. در اصل: ذلک

رونوشت نامه هیئت علمیه اصفهان به آیتا... کرمانی

بعرض عالی میرساند امیدواریم در پناه حضرت احدیت عز اسمه مشغول ترویج و تشیید دین مبین و شریعت حضرت سید المرسلین همان شریعتی را که اعدای با کمال جدیت مشغول تخریب آن بالمره هستند و میترسیم مسئولیت بزرگی را بر ما حمل نموده باشند که در موقف حساب از عهده جواب بر نمی آئیم فی الجمله علمای مشهد مخابراتی نموده اند با مرکز که سوادش فرستاده شد دایان هم مخابره و مکاتبه انفاذ داشتیم که سوادش لفاً فرستاده شد دیگر علمای اعلام سائر بلدان انشاء الله بتکلیف ابصرند و همان را معمول خواهند فرمود
هیئت علمیه

تقدیر و تشکر وزارت دربار از نحوه برخورد والی کرمان (محمود جم) با علما

تاریخ اصل مطلب ۸ آبان ماه ۱۳۰۶

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت ۳۰۴۳

تاریخ خروج فوق ۱۳۴۶

ایالت جلیله کرمان

مدلول مراسله نمره (۴۶۳۹) بعرض خاکپای مبارک همایونی رسید و اقدامات جنابعالی در موضوع اشعاریه قابل تقدیر و در پیشگاه مقدس ملوکانه مستحسن و مورد بذل توجه گردید البته در متمیم اقدامات مزبوره آقایان علماء اعلام را متذکر خواهید فرمود که آلت اغفال دسایس اجانب و آنتریک های داخلی که بکلی بی ثمر است نشوند.

وزیر دربار پهلوی

گزارش والی کرمان (محمود جم) به وزارت دربار در خصوص فعالیت مجدد گروهی از متنفذین و مخالفین اقدامات دولت در کرمان

بتاریخ ۱۷ آبان ماه ۱۳۰۶

نمره ۴۹۶۴

وزارت داخله

محرمانه

مقام محترم وزارت دربار پهلوی دامت شوکت

در تعقیب راپورت نمره ۴۶۳۹ معروض میدارد بعد از آنکه آقایان علما را از مشارکت در نهضت آخوندی منصرف داشتیم عمال اجنبی به تکاپو^۱ افتاده بعنوان اینکه اگر علمای کرمان در این امر دخالت نکنند به حیثیت آنها بر میخورد بهر وسیله بود مجدداً فرونتی^۲ تشکیل دادند که مرکز آن هیئت علمیه کرمان و کارچاق کن های آن در زیر پرده حاج میرزا علیمحمد برادر حاجی میرزا مرتضی وکیل کرمان و امام جمعه که خویش آنها است و چند نفر از پیر مرد های خانواده وکیل از قبیل امیر شوکت رئیس سابق بلدیة^۳ و جمعی از هوجب های مبتذل کرمان در این کار دخالت داشتند کسانی که بیشتر این قضیه را دامن میزدند معزوف به ایادی قونسولخانه انگلیس میباشند آقایان علما را حاضر کرده بودند نمایندگان از طرف خود به قم بفرستند عناصر آزادیخواه کرمان را بر ضد این فکر برانگیختم به آقایان تذکر داده شد اگر کسی حرکت نماید

تعطیل عمومی کرده به تمام مقامات اظهار خواهد شد که این اشخاص بهیچوجه سمت نمایندگی از طرف کرمانها ندارند و مفتضح خواهند شد در نتیجه این حرفها برای آقایان تردید رای حاصل شد در این بین با وسائلی که داشتم به آقایان اثناء شد برای اینکه دفع این محظور شود خوبست نمایندگانی که میخواهند به قم بفرستند طبقاتی باشد تا کسی نتواند تعرضی نماید خوشبختانه این تدبیر پسندیده خاطر آقایان واقع شد فوراً داخل عمل شدند چون مطمئن بودم اکثر طبقات با من هستند تشتت^۴ آراء بین آقایان سر انتخاب اشخاص حاصل شده تقریباً اصل موضوع از بین رفت دیروز تصمیم گرفته بودند که هیچ کاری نکنند و برای اینکه از قافله علما عقب نمانده باشند تلگرافی فقط آیت الله (حاجی میرزا محمد رضا) به حضور اعلیحضرت مخابره نموده استدعا نماید در قبول عرایض متحصنین قم بذل مرحمتی فرمایند شخصی مسوده تلگراف را نزد بنده آورد به آقای آیت الله پیغام دادم که شما موقعیت محترم و خوبی در انظار عموم کرمانیان دارید و طرف مراحم ملوکانه هم هستید این مقام را بواسطه دولت خواهی و عدم مداخله در این قبیل امور بدست آورده اید دشمنان شما میخواهند بدست خودتان شما را لکه دار و ضایع کنند و موقعیت شما را متزلزل کنند البته ملتفت این نکات خواهید بود از طرف دیگر حاج میرزا علی محمد و وکیلی ها را که اغلب در ادارات دولتی مستخدم هستند تهدید^۵ کردم معلوم شد از مخابره تلگراف هم صرف نظر کرده اند. باین اقدامات باز دشمنان مملکت ناامید نشده نیرنگ تازه فکر کرده اند و آن این است که بانک شاهنشاهی غفلتاً پول قران را از رواج انداخته موضوع، موضوع قرانهای معیوب و شکسته نیست هر دو هزاری که زنجیره اطرافش رفته سکه و خط آن کاملاً صحیح است قبول نمیکند یک نفر کاسب که صد تومان پول قران بیانک داده بود چهل تومان آنرا بانک وازده بود پیش مخلص شکایت کرد توسط نوکر شخصی بانک فرستادم و معلوم شد صحیح است بانک قبول نکرده از دیروز عصری سر این موضوع قریب به بیست هزار نفر عمه و کارگر کرمان را که این پول از رواج افتاده متوحش کرده اند تجار و کسبه را خواسته اطمینان دادم و قبول کردند که پول را بین خود رواج دهند تا دولت ترتیبی در اینکار بدهد عجب این جا است که بانک در کرمان اسکناس ندارد مختصر معامله امروزه با ترتیب قرانهای کهنه یک مشقتی است مستدعی است اولاً مقرر شود ترتیب صحیح و سریعی دولت در این امر بدهد ثانیاً بانک را وادار نمایند باندازه یکصد هزار تومان از قرانهای جدیدالضرب پهلوی به کرمان فرستاده این مختصر قرانهای کهنه را جمع و بطهران حمل نمایند ثالثاً تقاضا شود بانک شاهنشاهی مقداری اسکناس به کرمان بفرستد فعلاً اسکناس یک تومانی یا دو تومانی بهیچوجه در کرمان پیدا نمی شود اگر اتفاق تازه رخ داد بعرض میرسد

ارادتمند [امضاء]: محمود جم

[حاشیه راست، به خط تیمورتاش:]

جواب بدهید که اقدامات ایشان را بعرض خاکپای مبارک رساندم و موجب رضایت خاطر مبارک شاهانه گردید البته از مأموری مثل ایشان انتظار دیگری نمی رود در باب قران شکسته با وزارت مالیه مذاکره شد عنقریب قراری که باعث رفع این حرفها باشد داده خواهد شد

۱. در اصل: نک دو

۲. فرونت = جبهه

۳. در اصل: بلد

۴. در اصل: تشدد

۵. در اصل: تهدید

سند شماره ۶

تلگراف علی منصور (والی آذربایجان) به وزارت داخله در خصوص وصول تلگرافی به علماء تبریز در مورد تحصن علماء اصفهان در قم برای احیاء دین

مورخه ۱۳۰۶/۷/۲۷ [۱۳۰]

وزارت داخله

سواد استخراج تلگراف تبریز

وزارت جلیله داخله

الان راپورت رسید که تلگرافی خطاب به آقای میرزا صادق آقا (۱۱) و سایر علماء اینجا با سیم کمپانی مخابره شده مبنی بر اینکه علماء

اصفهان برای تائید اسلام به قم رفته‌اند در اینصورت تا حال مراقبت لازم شده و از پاره [ای] انتشارات و دسایس جلوگیری بعمل آمده چنانکه چندی قبل از مشهد مقدس هم اشاراتی میرسید و نگذاشتم اثر ببخشد ولی استدعا دارم از مرکز هم توجه و مراقبت شود که راه تحریکات باین جا اینطور باز نباشد بنده را نیز از جریان اقدام و نظریات مسبوق بفرمائید

[حاشیه پایین:]

ضبط شود

۲۶ / مهر نمره ۲۳۸ منصور

سند شماره ۷

مراسله مهدی آیت... زاده خراسانی (۱۲) به زین العابدین رهنما (معاون ریاست الوزراء) درخصوص انعکاس خبر مهاجرت علمای اصفهان به قم و تعطیلی شهرها در بین علمای نجف

۲۹ ربیع الثانی^۱

۱۳۴۶

یا هو

محرمانه

خدمت جناب اجل آقای رهنما معاون ریاست وزراء عظام دام اجلاله

فدایت شوم ان شاء... وجود محترم قرین صحت و رهین عزت و سعادت خواهد بود - تلگراف شریف واصل - البته مسبوقید که چندیست که مغرضین و مفسدین مشغول تحریکات در مقابل مقاصد دولت حاضره در همه جامی باشند - خصوصاً در نجف اشرف که مرکز علماء اعلام و حجج اسلام و هیئت محترم علمیه است با یکجذبت و افری مدتی بود بوسائل مختلفه و عناوین متفاوته ذهن حضرتین آیتین^۲ دام ظلهم و عموم علماء و هیئت علمیه را بانتشار دادن اخبار موحش از وضعیت فعلی مرکز و رجال حاضره دولت مشوش و بکلی پریشان نموده بودند - و هر روز بیک اسم و عنوانی هتک نوامیس شریعت اسلامی را نسبت بهیئت دولت حاضره میدادند و از تهییج افکار عموم روحانیون^۳ برضد حکومت فعلی و مشوش و پریشان داشتن ذهن حضرتین آیتین از هیچگونه امری کوتاهی نمیداشتند و اشاعه اخبارات موحشه در اطراف میدادند - پس از زحمات زیاد بهر نحوی بود جلوگیری کامل از نیات سوء آنها داشته و حرکات آنها را عقیم گذارده و ذهن حضرتین آیتین دام ظلهم و علماء عظام را از این تشویشات خالی داشته - هنوز از عقبات امر اولی تمام نشده که مکاتیب متعدده^۴ از ایران رسید که علماء اصفهان بقم آمده و اغلب شهرها تعطیل نموده این پیش آمدزمینه خوبی بجهت مفسدین مهیا داشت بنای دوندگی و آنتریکات را گذارده و تمام مقاصد آنها این بود که درسها و نمازهای آقایان را تعطیل نمایند معلوم است درهمچه موقعی که سیاست خارجه مشغول آنتریکات در ایران بجذبت تمام میباشد تعطیل دروس و نماز علماء در نجف اشرف فوق العاده موجب تهییج افکار در ایران میگشت و وسیله [ای] از برای اغراض مغرضین بود هر چند مفسدین تا یک اندازه موفقیت حاصل نموده بودند و نزدیک بود که آقایانهم درسها را ترک کنند - چون در این دفعه بیش از پیش ذهن آقایان مشوش از وضعیت حاضره گشته و اقدامات مفسدین هم در این دفعه بغیر از دفعه اولی بود هر روز یک خبر مخوفی انتشار داده که بکلی سلب اعتماد حضرتین آیتین را از وضعیت فعلی نموده - نزدیک بود بواسطه ایجاد این سوء تفاهم یک انقلاب فکری مهیا سازند - که بحمدالله تعالی بعد از یک رشته اقدامات مهمه بکلی آمال مفسدین را از بین برده فوری کاری که مهم بود جلوگیری از تعطیلی درسها را داشته و آنها را که در اطراف مشغول تحریکات بودند سر جای خود نشانده فعلاً با یک زحمت و افری حضرتین آیتین دام ظلهم را متقاعد نموده که در این خصوص اقدامات مقتضیه خواهد شد و در این موقع که هیئت دولت در تحت ریاست حضرت اشرف آقای حاج مخبرالسلطنه (۱۳) میباشد امورات بر وفق مقصود انجام داده خواهد شد - در نظر گرفته شد که حضرت حجة الاسلام آقای حاج آقا حسین بروجرودی (۱۴) دامت برکاته را که یکی از علمای محترم و چند ماهی است از ایران تشریف آورده‌اند و از

۱. مطابق با: ۳ آبان ۱۳۰۶ هجری شمسی

۲. در کل سند به شکل «آیتن» آمده که تصحیح شده‌اند.

۳. در اصل: روحانیین

۴. در اصل: متعدده ده

اشخاص موثق و محل اطمینان کامل می‌باشند و شخصاً علاقه صمیمانه بدولت حاضره دارند از نجف اشرف از طرف حضرتین آیتین دام ظلهمابطهران فرستاده شوند که بعضی مطالب را حضوراً بسمع مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه برسانند حضرتین آیتین در این خصوص تلگرافی حضور اعلیحضرت مخابره داشتند و جوابیهم از اعلیحضرت همایونی خلدالله ملکه بجهة حضرتین آیتین دام ظلهماباین مضمون رسید کسی را که در نظر دارید اعزام تا حضوراً مطالب را بیان نماید - بعد تلگراف جنابعالی رسید - که در این موقع که حرکت بایران مناسبتی پیدا کرده - خوب است حرکت کنید - چون قبلاً با حجة الاسلام بروجردی مذاکره شده بود و بحضرتین آیتین دام ظلهماهم اطلاع داده بودم و حضرتین آیتین تصمیم بر حرکت حجة الاسلام بروجردی گرفته و با معظم له در این خصوص مذاکرات کرده بودند و بنا شده بود که حرکت بمركز نمایند معظم له را ...^۱ و تلگراف جنابعالی هم مجمل بود لهذا در جواب تلگراف شما چنین مخابره شد (تلگراف مجمل مناسبت را تلگرافاً توضیح فرمائید) غرض این بود که هر آینه اعلیحضرت شاهنشاهی ایدالله نصره تصمیم بر حرکت شخص داعی گرفته‌اند که صدور تلگراف از ناحیه مقدس ملوکانه هر وقت بجهت حرکت داعی صادر شود حاضر^۲ خواهم بود زیاد ایام اجلال مستدام باد

[حاشیه بالا، راست:]

[امضاء:] مهدی آیت... زاده خراسانی

تقدیم سلام و سعادت قلبی را میدارد محمد رضاالخراسانی (۱۵)

۱. یک کلمه خوانده نشد

۲. در اصل: حاضره

سند شماره ۸

درخواست علمای متحصن اصفهان در قم از رضاشاه مبنی بر الغاء قانون نظام اجباری

نمره کتاب ۸۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به ط [هران] نمره قبض ۱۷۸۶ - نمره تلگراف ۱۱ - تاریخ اصل صبح ۴ - عدد کلمات ۲۵۸ - تاریخ وصول روز ۴ ماه ۸ اسم گیرنده فیضی

توسط آقای وزیر دربار پهلوی دام اقباله ساحت مقدس اعلیحضرت اسلام پناه شهریار پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه مهاجرت داعیان علماء اصفهان و بالتبع جمعی کثیر از سایر طبقات [یده] بقعه مقدسه فاطمیه سلام الله علیها فقط و فقط برای دعاگوئی و ابلاغ عرایض ملت است بمقام منبع ملوکانه و رساندن عرایض رعایا است به پیشگاه پادشاه رفوف خود که در نظام اجباری دچار محذورات شدید و گرفتاریهای سخت که قابل تحمل نیست شده ایم از مراحم شاهانه استدعا و استرحام مینمائیم امر به تعطیل در اجراء و تجدید نظری در شورای آن قانون بفرمائید که رعایت رفاهیت رعیت هم منظور شده باشد این است فلسفه مهاجرت داعیان بقم و عرایض صادقانه ملت اصفهان و غیر از این مطلبی نیست اگر عواطف ملوکانه متوجه باجابت عرایض ما و آنها بشود جای صد هزار تشکر و دعاگوئی است والا صلاح مملکت خویش خسروان دانند هیئت علمیه اصفهان [،] مهاجرین قم شیخ نوراله نجفی [،] سید ابوالقاسم دهکردی [،] (۱۶) [،] محمد صادق الحسینی [،] (۱۷) [،] عبدالحمید مدرس [،] صدرالعلما هاشمی [،] داعی ابوالحسن بروجردی [،] (۱۸) [،] داعی حاجی آقا محمد [،] داعی رضا کلباسی [،] داعی محمد الموسوی [،] داعی فشارکی [،] الاحقر جانی ابومحمد الرضا [،] داعی صدر اسلام ناصری [،] داعی الجانی حاجی میرزا علی اصفهانی [،] داعی محمد علی نجفی [،] علم الهدی [،] محمود الحسینی خاتون آبادی [،] محمد هاشم کلباسی [،] ابوالقاسم الموسوی عاملی [،] داعی حسین نجفی نجف آبادی [،] الاحقر محمود الفقیه [،] جمال کلباسی [،] محمود کلباسی [،] ملک محقق [،] محمد علی خلاق [،] الداعی ابوالفضل نجفی [،] الاحقر عبداله الحسینی [،] الاحقر مجد العلماء [،] الاحقر ابوالفضل ریزی [،] داعی محمد باقر قزوینی [،] الاحقر جانی شیخ اسداله [،] الاحقر میرسید حسن مدرس

[حاشیه بالا:]

[مهر:] تلگرافخانه مبارکه

ضبط شود

عدم موافقت رضا شاه با تقاضای علمای متحصن اصفهان در قم
در خصوص الغاء قانون نظام اجباری

تهران - قم بتاريخ ۴ آبان ماه ۱۳۰۶
صادره تلگراف

دفتر مخصوص شاهنشاهی
نمره صادره / ۹۰۸۲
کارتن ۹ دوسیه ۳

جنابان مستطابان حجج اسلام و علماء اعلام دامت تائیداتهم

از مدلول تلگراف آن ذوات شریفه استحضار حاصل گردید از تذکار این کلمه متأسف هستم که آقایان هنوز متذکر نیستند که هیچ مورد و مقامی در مملکت ایران حق ندارد که در مواد قوانین مصوبه مجلس شورای ملی، عموماً اعمال نظر و یا تجدید نظر نموده و یا در الغاء و اصلاح آن ابراز عملی نمایند البته آقایان متذکر باین موضوع مهم نبوده‌اند و الا در صدد تذکار آن بر نمی‌آمدند زیرا خود میدانستند که قبول آن برای ما غیر مقدور است ثانیاً تصور می‌رود که با وجود صدور امر لازمه بمتصدیان در رعایت تسهیلات جریان قانون نظام اجباری و رفاهیتی که طبعاً از طریق قانون حاصل خواهد شد فقط عدم اطلاع از صدور اوامر مزبوره بوده است که آقایان رهسپار قم شده‌اند در حالتی که با اتخاذ وسایل تسهیلات قانونی احتیاج باین عزیمت و تبلیغ عرایض نمیکرد زیرا انعطاف ما به تمهید وسائل آسایش ملت خود همیشه محرز بوده و وظیفه دقت خود میدانیم که در ترفیه حال عموم بذل مساعی نمائیم منتها از راه قانون و از طریق جریان قانونی و نظر باینکه هجرت به قم بالاخره مستلزم خسارت طبقات اهالی اصفهان خواهد بود و این موضوع کاملاً برخلاف انتظار ماست مخصوصاً توصیه مینمائیم که آن ذوات شریفه باتفاق عموم اشخاص که بقم آمده‌اند معاونت با اصفهان نمائید که مردم از امورات معیشتی خود باز نمانند و مطمئن باشید که با صدور اوامر لازمه به هیئت دولت تسهیلات لازمه در ضمن اجراء قانون رعایت خواهد شد و اسباب استظهار عموم فراهم خواهد گردید ۴ آبان

سند شماره ۱۰/۱

تلگراف والی خراسان و سیستان (حسن رئیس) به وزارت دربار
در خصوص تصمیم علمای خراسان مبنی بر فرستادن چهار نفر از علمای خراسان به تهران
جهت ارائه عرایض خود به وزارت دربار

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۴۳۴

از مشهد به ط [هران] - نمره قبض ۲۷۳۳۱ - نمره تلگراف ۱۳۱ - عدد کلمات ۸۲ تاریخ اصل ۳ - تاریخ وصول روز ۴ ماه ۸

مقام وزارت جلیله دربار پهلوی موع س ه ث ب ی ط ع ب ط ح و ت ص ک ت ز ط س ط ک ص س ه ث و غ ر ز ت س ط ه ق ج
ص ر ی ذ ط خ ه ی ت س ه ث ی س ه ج ض ز ج ح ط ظ ه ض ی ذ ط م ث و ش ج ش ق ب م ت ق ا ش ط عرض میکند اگر
صلاح باشد ه خ ب ج ک ح ط م ث ح ط ه س ک ب ط ه ق ص غ ف ض ت ز ق ی غ خیلی بموقع است که هر طور صلاح باشد ط
ش ق م ط ت س ه ث ق ط و ض ص ک ج ب ذ ا خ ع ا غ تکلیف فوری را منتظر ز ه ط ج ب ذ ح ز ت م خ ت ق و ت ی م ف ط
ص ر خ ض م ۳ آبان نمره ۱۶

حسن رئیس
[مهر:] تلگرافخانه مبارکه

[حاشیه بالا:]
کابینه کشف کند

کشف رمز تلگراف والی خراسان و سیستان و پاسخ وزارت دربار به آن

مقام منیع وزارت جلیله دربار پهلوی از طرف علماء می خواهند چهار نفر از طبقه دویم علماء بجهة عرایض خود و مساعدت با علماء مرکز و غیره همین دو روزه حرکت بدهند شاهزاده افسر (۱۹) عرض میکند اگر صلاح باشد این هیئت حرکت نکند فقط خود آقا زاده بیایند خیلی بموقع است که هر طور صلاح باشد در اسکات علماء بلاد دیگر هم سعی نمایند تکلیف فوری را منتظر صلاح هم نمیدانند اعلام فرمایند محرمانه خواهد ماند

[حاشیه پائین، به خط تیمورتاش:]

جواب بدهید قصد از آمدن آقایان چیست اگر مسئله نظام اجباری است زحمت بیخود نکشند اگر مطلب دیگری دارند قبلاً اطلاع بدهید که خود آقای آقا زاده بیایند والا آمدن حضرات بی نتیجه است

سند شماره ۱۱

درخواست حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (۲۰) از رضاشاه مبنی بر اعزام تیمورتاش به قم جهت مذاکره در مورد نظام وظیفه

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به قصر همایونی^۱ - نمره قبض ۱۷۴۷ - نمره تلگراف ۴ - عدد کلمات ۴۵ - تاریخ اصل ۱ - تاریخ وصول روز ۱ ماه ۸

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی^۲ خلد الله ملکه بعد از تشکر از مراجع ملوکانه مثنی است آقای وزیر دربار تیمورتاش را باین آستانه مقدسه اعزام فرمائید بعضی عرایض لازمه را از قبل داعی بعرض رسانده دعا گو هستم الاحقر عبدالکریم حائری

[حاشیه بالا:]

ضبط شود

۱. در اصل: همیونی

۲. در اصل: همیونی

**تلگراف حاکم قم و خلجستان (مصطفی علامیر) به تیمورتاش
در خصوص اقدامات بعمل آمده برای انتخاب نمایندگان از طرف علما جهت مذاکره با وی
و رئیس‌الوزراء (مهدیقلی هدایت) در هنگام ورود آنها به قم**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم

از دیروز تمام علماء منفرداً ملاقات شده و آنچه باید از طرف آقای شریعتمدار (۲۱) و بنده اقدامات بشود کاملاً شده دیشب در منزل حضرت حاج شیخ تمام علماء [را] جمع کرده تماماً در این صدد بودیم که از بین آنها چند نفری منتخب نمایند که آنها طرف مذاکره باشند در این مدت که خاطر مبارک مستحضر است حاضر نمیشدند برای انتخاب چند نفری با کمال زحمت و جدیت عاقبت دیشب در حضور آقای حاج شیخ کلیه متفقاً حاج آقا نورالله و سید عبدالله شیرازی را منتخب نمودند که هر چه قرار بگذارند قاطع و تمام قبول نمایند مشروط بر اینکه دو نفر از طرف دولت تشریف بیاورند و با آن دو نفر مذاکره و عمل را خاتمه دهند که فوراً آقایان حرکت نمایند آقایان میخواستند از آقای شریعتمدار قول آمدن دو نفر را بگیرند که باین ترتیب تمام بشود ولی بملاحظاتی قول ندادم گفته شد که ما این پیشنهاد را بدولت مینمائیم و امیدواریم که فوراً دو نفر را بفرستند و عمل خاتمه یابد ولی باید این نکته را متذکر باشید که آمدن آقایان برای نقض یا الغاء قانونی نیست زیرا میدانیم غیر ممکن است آمدن دو نفر آقایان برای مذاکره به ترتیبی که صلاح باشد است آقای حاج شیخ عبدالکریم خیلی همراهی و جدیت فرموده‌اند حاج آقا نورالله بد نیست و احتمال کلی به همراهی او میشود داد ولی سید عبدالله شخصی است جوان قرار بر این شد که قبل از تشریف فرمائی آقایان بنده سید عبدالله را ملاقات نموده که کاملاً مساعدش نمایم به همه نوع به تطمیع آتیه و غیره هر نوع که پیشرفت کرد او را حاضر و مساعدش نمایم چون او قدری حرارت دارد و ممکن نشد غیر از او کس دیگری انتخاب شود امیدوارم که او را حاضر و مساعد نمایم موقع تشریف آوردن قبلاً ملاقاتی هم با حضرت اشرف نمایم و حالا هم از طرف حضرت اشرف پیغام مودت آمیزی برای او میبرم به ترتیبی که صلاح است آقایان شریعتمدار عرض مینمایند بنابراین میتوانیم احتمال کلی بکنه یقین حاصل کنیم که [با] آمدن آقایان فوراً کار تمام میشود و فوراً میروند پس حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء و خود حضرت اشرف با تمام لوازم و ترتیبی که میبایست همراه داشته باشید تشریف بیاورید و انشاءالله کار تمام میشود چون زمینه حاضر و تمام منفرداً و اجماعاً ملاقات شده و حاضر هستند و بغیر از این ترتیب نوع دیگری نشد و خود حضرت اشرف هم تحقیقات بفرمائید از اشخاصیکه باید برای ترتیب اصلاح فوق که عرض شد چون ما اطمینان حاصل نموده‌ایم ولی البته باید تحقیق نمود با آقای قائم مقام الملک (۲۲) هم با تلفن دو بظهر سر بسته صحبت مینمایند و بحضرت اشرف اطلاع میدهند ولی اگر رای و صلاح به تشریف آوردن شد منتظر تلگراف بنده باشید بدون اطلاع حرکت نفرمائید تا مجدداً عرض برای حرکت بنمائیم فقط حالیه جواب مرحمت فرمایند که منتظر اطلاع چاکر هستم یا این ترتیب صلاح نیست

تلگراف تیمورتاش به حاکم قم و خلجستان در خصوص حرکت وی و رئیس‌الوزراء به طرف قم

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تصدیق میکند که آمدن آقای رئیس‌الوزراء و اینجانب بقم بدون تحصیل اطمینان قبلی و قطعی که آقایان واردین آنجا بدون درخواست تغییری و یا مهلتی در قانون نظام اجباری متفرق خواهند شد غیر ممکن است و اگر این اجازه آمدن ماها از خاکپای مبارک صادر شود فقط برای حفظ احترام و حیثیت آقایان است در اینصورت مادام که این اطمینان حاصل نشود و حضرت حاج شیخ این مطلب را تعهد نفرمایند حتی جرأت نمیکنم مراتب را بعرض برسانم بنابراین منتظر خبر شما خواهم شد که اگر تأمین قطعی حاصل گردید اطلاع بدهید تا اقدام لازم

سند شماره ۱۴

تلگراف تیمورتاش به حاکم قم و خلجستان در خصوص متذکر نمودن آقایان بحرالعلوم و شریعتمدار راجع به لزوم توافق نظر نمایندگان علما در هنگام مذاکره با وی و رئیس الوزراء

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

خدمت حضرات آقایان شریعتمدار و بحرالعلوم (۲۳) هم پس از اهداء سلام مراتب را اطلاع بدهید و متذکر نمائید که آمدن رئیس دولت و وزیر دربار اعلیحضرت شاهنشاهی بدون اطمینان قطعی و در صورت عدم توافق نظرکاری است که توهین آن قابل جبران نیست فعلاً از تلگرافخانه میروم و منتظر خبر قطعی شما خواهم بود

سند شماره ۱۵

تلگراف دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزیر دربار در قم درخصوص اعلام نظرات دولت نسبت به قانون نظام اجباری در ملاقات با حضرت آیت... حاج شیخ عبدالکریم حائری

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قصر همايوني به قم - تاريخ وصول ۳ آبان - سنه ۱۳۰۶

حضرت اشرف آقای وزیر دربار تلگراف حضرت تعالی بشرف عرض خاکپای مبارک همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء رسید مخصوصاً بحضرت آقای آیت الله از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی خاطر نشان فرمائید که اگر نماینده بقم فرستاده شده فقط و فقط برای رعایت احترام و تقاضای شخص ایشان بوده نه برای ورود مذاکره با سایرین و هیچ تصور نمیرفت که ایشان ورود شما را وسیله مذاکره و تبادل نظر با سایرین قرار بدهند ایشان باید مواظب باشند که سوء اثر این مذاکرات و انعکاس آن تمام مملکت را فراگیرد و به اضافه نباید از صحبت های بی موضوع چند نفر صورت تاثیر بخود بدهند ایشان باید وقتی متاثر بشوند که قشون اجنبی سرتاسر مملکت را نور دیده و شرافت ملی و تمام خصایص مملکتی را لگدمال نمایند و حالاً که از اظهار تاثیر های ساختگی و مصنوعی چند نفر بی علاقه بمملکت متاثر شوند خود حضرت تعالی هم باید بدانید که در اصل قانون ابداً تسهیلی رعایت نخواهد شد فقط اگر چند نفر تنبل محدود معین مذکور نظر باشند البته نسبت باشخاص معین میشود قائل به تسهیل شد به اضافه دکاکین اصفهان غالباً باز و این آقایان جمعی فراری هستند که نمی توانند در اصفهان زیست کنند بهترین دلیل کثرت عده داوطلبان آنجا است پارسال از طهران فقط یک نفر داوطلب بود و امروز در اصفهان قریب بدویست نفر داوطلبانه قبول خدمت کرده اند درست مطالب را به آقای حاجی شیخ خاطر نشان فرمائید که ایشان بنوبه خود اشتباه نفرمایند و حضرت تعالی هم حق مذاکره با سایرین را ندارید و مطلقاً هم جز همان که نوشته شد نباید هیچ گونه قولی بدهید

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی فرج الله بهرامی

مراسله تیمورتاش (وزیر دربار) به سید محمد بهبهانی (۲۴)
در جواب به تلگراف اهالی شیراز در مورد درخواست تغییر قانون نظام اجباری

تاریخ اصل مطلب ۸ آبان ماه ۱۳۰۶

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ثبت ۳۰۴۵

تاریخ خروج فوق ۱۳۴۶

آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی

بعرض عالی میرساند مدلول تلگراف واصل از شیراز بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه رسیده خاطر محترم را مستحضر میدارد از اینکه ضمیمه وصول این تلگراف بوسیله حضر تعالی بوده است مقتضی است که از طرف با شرف عالی جواب صادر و به نصایح مشفقانه که مخصوص ذات محترم عالی است آنها را آگاه و ملزم فرمائید که تقاضای تغییر قانون نظام اجباری که وقایه^۱ نفوس بلکه حافظ ناموس مملکت است غیر مقتضی است و ممکن است به تسهیلات عملی که در طی اجراء قانون ملحوظ میشود موجبات ترفیه عمومی فراهم گردد و باین اندازه مساعدت دولتی اکتفاء نمایند ایام جلالت مستدام باد

[حاشیه پایین:]

تلگراف ضمیمه پیوست نبود

[امضاء: ناخوانا]

تیمورتاش

۱. وقایه = محافظت - نگهداری



سند شماره ۱۷

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی

مراسله تیمورتاش (وزیر دربار) به میرزا هاشم آشتیانی (۲۵)
در جواب به تلگراف اهالی شیراز در مورد درخواست الغاء قانون نظام وظیفه

تاریخ اصل مطلب ۹ آبان ماه ۱۳۰۶

وزارت دربار پهلوی

نمره کتاب ۳۰۶۱

آقا میرزا هاشم آشتیانی

تاریخ خروج ۹ آبان ۱۳۰۶

عرض میشود تلگراف آقایان علماء شیراز که توسط حضرت عالی به پیشگاه مبارک عرض شده بود از نظر مبارک شاهانه گذشت البته خود جناب مستطاب عالی کاملاً مسبوق هستید که تمام مقامات مملکتی مکلف با اجرای قوانین بوده و مادام که از طرف مجلس شورای ملی قانونی نسخ نشده است البته واجب الاجری است و بالنتیجه تقاضاهای مربوط باقیاء^۱ قانون نظام اجباری و یا مسکوت عنه گذاردن آنها غیر ممکن است و بستن دکاکین جز ضرر و خسارت مردم نتیجه دیگری را نمیتواند حاصل کند و البته خود آقایان محترم راضی به خسارت مردم نخواهند شد و ادامه تعطیل بی نتیجه را بیمورد خواهند دانست البته نظر باینکه نظر مبارک همایونی معطوف آسایش عامه مردم است در ضمن^۲ اجراء قانون تسهیلات ممکنه بعمل خواهد آمد

متمنی است مراتب را در جواب تلگراف آقایان خود حضر تعالی خاطر نشان و ابلاغ فرمائید ایام افادت مستدام

وزیر دربار پهلوی

۱- در اصل: بايقاد (در پيش نوبس سند فوق به خط تیمورتاش کلمه مذکور «بالقا» آمده است)

۲- در اصل: ضمن



وزارت داخله

• ادارہ

المجلس

[illegible]

این عقل و ادب را که در این کتاب
نویسیده اند به هر کس که می خواهد
از آن استفاده کند بفرستد



وزارت داخلہ

سواد عمره وزارت که اصل آن بنسره ثبت شد

[illegible]



مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی

۴۱۱۴



مورخه ۸/۴ ماه ۱۳۰۶

نمره ۱۰۴۶ ضمیمه

وزارت داخله

(حکومت قم و خلیجستان)

تمام بخ وزارت میرود به علم

عذر درم

انبار

طعمه

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

معدود

**گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص تلگراف
حضرات آیات نائینی (۲۶) و اصفهانی (۲۷) به رضاشاه مبنی بر اعزام معتمدی از طرف خود
برای بیان نیت و مقاصدشان درباره قانون نظام وظیفه**

ویس کنسولگری ایران
«نجف اشرف»

تاریخ ۱۲ ماه آبان سنة ۱۳۰۶
نمره ۴۴۵/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمة

تلگرافی در هفته قبل که از طرف حاجتین آیتین^۱ آقای اصفهانی و آقای نائینی دامت برکاتهم باستان مبارک اعلیحضرت^۲ همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء مخایره و تقاضا نموده اند اجازه مرحمت فرمایند برای اعزام معتمد خودشان که نیت و مقاصد آقایان را باستان مبارک ملوکانه عرضه دارند متعاقب آن تلگرافی از طهران به آقای آیه الله زاده خراسانی رسیده اشعار میدارد که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء شما را انتخاب فرموده عن قریباً امر صادر خواهد شد و این چند روز آقایان منتظر امر مبارک می باشند مخایره تلگراف آقایان و وصول تلگراف طهران را چاکر سرأ اطلاع حاصل نمود استحضاراً معروض گردید

[امضاء: محمودارفع]

۱- در اصل: آیتین

۲- در اصل: اعلیحضرت



سند شماره ۱۹

**گزارش حاکم قم و خلجستان (مصطفی علامیر) به وزارت دربار
در خصوص نتایج مذاکراتش با علمای متحصن اصفهان در قم**

«وزارت داخله»

حکومت قم و خلجستان

مورخه ۸/۱۴ ماه ۱۳۰۶
نمره ۱۰۲۶

مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم دامت شوکته

پس از تحصیل مرخصی از حضور مبارک حسب الامر بقم آمده و [در] جلسات عدیده آقایان اصفهانرا ملاقات در حدود وظیفه آقایانرا بعواطف و مراحم دولت امیدوار و به نصایح مشفقانه متذکر و ضمناً قرار شد که خودشان در یک جلسه مجتمع شده پس از مذاکرات و تبادل افکار نتیجه و تصمیم متخذ مجلس را به بنده اطلاع دهند بالاخره نتیجه جلسه اخیر این است و همچنین^۱ اظهار میدارند رفتن ماها باصفهان در موقع اجرای قانون نظام اجباری صورت خوشی ندارد زیرا که باز مردم دور ماها جمع شده و تقاضاها و توقعاتی خواهند داشت و حتماً بودن ماها در همچو موقعی در اصفهان دچار مشکلات شده و دور نیست نتایج سوئی رخ دهد باین جهت در صورت اجازه دولت تا موقع ختم سربازگیری در قم متوقف شده فعلاً از حرکت خودداری خواهیم نمود تا اینکه دولت بهر نوع صلاح بدانند عمل سربازگیری اصفهانرا تمام نمایند پس از آن مراجعت خواهیم کرد که دیگر با بودن ماها اجتماعاتی نشود راپورتاً عرض شد هر نوع امر فرمائید اطاعت می شود.

[امضاء: مصطفی علامیر]

[مهر: حکومت قم و خلجستان]

۱. در اصل: هیچ

گزارش ویس کنسول ایران در نجف در خصوص ملاقاتش با حضرت آیت ا... اصفهانی و نارضایتی ایشان از رواج منهیات دینی و اهانت به علما و روحانیون توسط حکومت

ویس کنسولگری ایران

«نجف اشرف»

تاریخ ۱۴ ماه آبان سنة ۱۳۰۶

نمره ۴۵۰/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

چند روز قبل منزل حضرت حجة الاسلام آية الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی دامت برکاته بودم چاکر را به خلوت خواسته فرمودند که من علاقه مفراط و مخصوصی بایران و دولت دارم و همیشه ترقیات مملکت ایران و عظمت و قدرت دولت آن را خواستارم ولی چند ماه است بواسطه خطوط زیادی که از تمام ایران بمن رسیده فوق العاده مرا افسرده و متأثر نموده و برای تأیید خطوط اشخاص مخصوص به نجف آمده که مضامین خطوط وارده را تأیید نموده اند و من قطع دارم از این اوضاع و جریانات جدید ذات اعلی حضرت^۱ همایون شاهنشاهی ارواحنا فدا و وزارت جلیله دربار دامت عظمته اطلاع ندارند یا اخبار بوزارت جلیله دربار همایونی نمی رسد یا اینکه نمی گذارند برسند و مضامین خطوط وارده اینست که در تمام مملکت ایران منهیات دینی و اسلامی علنی اجرا میشود و نسبت به علماء و روحانیون^۲ هرگونه اهانت چه بتوسط جرائد و چه غیر جرائد میشود^۳ و علماء و وعاظ را منع مینمایند امر بمعروف و نهی از منکر در بالای منابر نشود و مأمورین کشوری و لشکری باندازه [ای] در خوزستان باهالی تعدی و اجحاف می نمایند که دوره خزع را آرزو مینمایند و می ترسم عاقبت این اوضاع منجر باغتشاش ایران بشود خوب است وزارت جلیله امور خارجه این مسائل را بمقام منبع وزارت جلیله دربار همایونی اطلاع فرمایند هر چه زودتر از این قضایا جلوگیری بشود و چاکر عرض نمودم فرمایشات عالی را بمقام منبع وزارت جلیله عرضه میدارد ولی برای استحضار خاطر^۴ محترم عرض می کنم محقق بدانید خطوط وارده خالی از غرض نیست مفسدین و اشخاص با غرض میخواهند خاطر مبارک آقایان را مشوش نمایند و جهات را خودتان بهتر میدانید اگر یک شخص بخواهد در نجف بی دین بشود و بی دینی اختیار نماید آیا حضرت عالی یا حکومت محلی می توانید او را منع بفرمائید حالا اگر بر فرض یک نفر در ایران بی دین بشود بدولت چه مربوط است کدام منهیات دینی و شرعی در ایران علنی اجراء شده و حکومت مساعدت نموده و یا جلوگیری نفرموده اند قطعاً چنین چیزی نبوده^۵ غیر از اینکه حرف است میزنند اگر سؤال فرمائید کدام منهیات دینی اجراء شده نمی توانند نشان بدهند دویم راجع به احترام آقایان علماء و روحانیون^۶ از خودتان قیاس فرمائید که دولت و اولیاء امور محترم آن چقدر به آقایان احترامات را دارند و هم چنین حال آقایان و علماء ایران است اگر یک نفر خود را عالم^۷ قلم داده مداخله در امور سیاسی یا مملکتی نموده و اختلال مملکت را بخواهد فراهم بیاورد البته باید دولت جلوگیری نماید اما راجع بوعاظ از خودتان تصدیق میخواهم اگر یک نفر واعظ بالای منبر رفته حدیثی نقل و از مسائل شرعیه صحبت نموده و روضه خوانده پائین بیاید آیا حکومت او را منع می کند قطعاً چنین چیزی نخواهد بود اگر واعظی منع شده میخواسته به تحریک اشخاص معلوم الحالان بامور سیاسی مملکت مداخله نماید و افکار مردم را مشوش بدارد یقین چنین اشخاصی را منع مینمایند و شاید خودتان هم امر بدهید منع شود و راجع به اوضاع خوزستان صاحبان خطوط وارده و جعل کنندگان^۸ این اخبار هم بدون شبهه از طرفداران آقای شیخ خزعل خان است باین لباس پیش می آیند

آنوقت فرمودند اخبارهاییکه بما رسیده و میرسد ایداً باولیاء امور نمیرسد اینست ما بیشتر اطلاعات صحیحه داریم و همین طور است که نوشته اند و در اینجا مذاکرات خود را ختم فرمودند این دفعه فرمایشات حضرت آية اللهی غیر از آن فرمایشات سابق بود که در معروضه نمره ۳۳۴ و مورخه ۳۰ شهریورماه ۱۳۰۶ بعرض رسانیده و این دفعه گویا مقصودشان این بوده باشد که اولیاء امور عظام بدانند که از تمام نقاط ایران بایشان مراجعه و مکاتبه شده و می شود استحضاراً معروض گردید

[امضاء:] محمود ارفع

۱- در اصل: اعلحضرت

۲- در اصل: روحانین

۳- در اصل: میشوند

۴- در اصل: خواطر

۵- در اصل: نه بوده

۶- در اصل: روحانین

۷- در اصل: علماء

۸- در اصل: جعل کنندگان

گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص معرفی عده‌ای از روحانیون اشاعه‌دهنده اخبار مربوط به ایران در نجف

تاریخ ۱۴ ماه آبان سنة ۱۳۰۶

نمره ۴۵۱/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

ویس قونسولگری ایران

«نجف اشرف»

محرمانه است

مرقومه مبارک نمره ۱۵۳۸۳ در مورخه ۲۳ مهرماه ۱۳۰۶ اداره محترم کابینه آن وزارت جلیله شرف وصول زیارت گردید راجع به اسامی اشخاصی که راجع بایران اخبار کذب جعل و اذهان را مشوش میدارند آقایان ذیل می‌باشند
حاجی آقا مجلسی مشهور باصفهانی [۱] میرزا محمدعلی تبریزی مشهور باردوبادی که از خواص آقای آیت اله شیرازی می‌باشند [۲] آقای سید حسن لواسانی [۳] آقای شیخ وحیدالدین کرمانشاهی [۴] میرزا عنی اکبر مرزوقی گیلانی [۵] میرزا عبدالحسین پسر آیت الله آقای شیخ شعبان رشتی [۶] آقا سید صدرالدین پسر میرزا ابوطالب شیرازی که برادرش را در چندی قبل دولت به بوشهر تبعید نموده بودند اینها اشخاصی هستند [که] در خارج صحبت و یا اقدامات مینمایند و اشخاصی هم هستند که می‌خواهند در ظاهر خود را بی طرف و بی مداخله قرار بدهند^۱ و [در] باطن با همدیگر متفق هستند و سایر آقایان حجج الاسلام هم که مذاکرات خود را با آنها در عرایض خود مفصلاً معروض داشته معلوم است با وضع حالی ایران و بر اولیاء امور عظام خوش بین نیستند و در حقیقت موافقت با علما و معارضینی که در ایران هستند مینمایند

و ضمناً بعضی از علماء محترمین هستند که ابداً در این کارها داخل نشده بلکه از وضع حرکات بعضی‌ها متأثر هستند و از اولاد حاجی علی آقا برادر مرحوم آقای حاجی اسدخان که در معروضه نمره ۳۷۲ عرضه داشته تابعیت عراقی را قبول نموده اند آقا عباس و آقا شجاع هم با اشخاص معروضه فوق در انتشار اخبار جعلی و بدگوئی ایران مشارکت دارند و بدگوئی ایشان از زمان تغییر^۲ سلطنت بوده بواسطه قرابت بقاجاریه «در چهار سال قبل در حق این اشخاص لقب و فرمان از طرف دولت علیه مرحمت گردیده»^۳ و از توجهات خداوندی اخبار کذب و جعلی این اشخاص بلافاصله خودبخود آشکار میشود و نیات بد آنها نیز نزد هر کسی معلوم گردیده و همه می‌شناسند

جسارتاً بعرض میرساند هرگاه در معروضه‌های محرمانه چاکر محتاج به تحقیق و توضیحات و یا تعلیمات بشود ممکن است از خود چاکر توضیحات بخواهند و اگر لازم بشود از بغداد یا جاهای دیگر اطلاعات و تحقیقات تحصیل فرمائید و دهنده راپرت را مبهم قرار فرمائید و «مثل نظر برابورتی که از نجف رسیده»^۴ آنوقت اخبار محفوظ^۵ و قونسولگری نجف مورد ظن بعضی نمی‌شود که بعدها نتواند کسب اخبار نماید و یا بعضی کسان فهمیده سکنه در امورات قونسولگری بزنند استحضاراً معروض گردید

[امضاء: محمودارفع]

۱- در اصل: بدهد

۲- در اصل: تغیر

۳- در اصل: مفوظ

اقدامات حاجی آقا مجلسی در نقل و نشر اخبار اغتشاش اصفهان و شیراز در نجف و تلاش ایشان جهت هم صدا کردن علمای نجف با علمای متحصن اصفهان در قم

ویس قونسولگری ایران

«نجف اشرف»

محرمانه است

تاریخ ۱۴ ماه آبان سنة ۱۳۰۶

نمره ۴۵۲/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

در تعقیب معروضه نمره ۴۲۰ راجع به انتشار اخبار اغتشاش اصفهان معروض میدارد حاجی آقا مجلسی که مشهور باصفهانی است و در اصفهان مقیم بوده و حالا دو سال است در نجف اقامت اختیار نموده و خانه [ای] در چندی قبل خریده خود را عراقی قید نموده و همه جا میگوید من اصلاً از اهل مدینه هستم و فعلاً اختیار تابعیت عراقی را نموده در این چند هفته عمده اخبار و خطوط وارده را ایشان نقل و نشر مینماید جدیت و اقدامات می نمود آقایان حجج الاسلام نجف را هم با علماء اصفهان هم صدا نماید و تلگرافاتی گرفته و مخابره نمایند اولاً علما طراز اول نجف بطور قطع یقین نموده‌اند در این موارد هر اقدامی را بکنند بلااثر خواهد بود و در میانه خود را ضایع نموده توهین خواهند شد از این جهت برای ایشان و امثال ایشان موافقت نمی‌کنند در دو روز قبل در بازار در حجره یکی از تجار ایرانی با ایشان ملاقات نمود [م] سؤال نمودند از اوضاع ایران چه اطلاعی دارید جواب دادم بحمدالله از هر حیث خوب و منظم است گفتند این طور نیست اصفهان و شیراز بهم خورده یک هفته بیشتر بازار و دکان‌ها بسته و چندین نفر از نظامی‌ها کشته شده جواب دادم این اخبار وجعلیات دشمنان ایران است گفتند به خود من نوشته‌اند جواب دادم اولاً شما ایرانی نیستید و علاقه به ایران و ایرانی ندارید چرا باید بشما نوشته باشند و شما چرا این اخبار جعلی را در نجف منتشر و نقل مجالس کرده و در صدد بعضی خیالات باشید خوب است امور ایرانیان را بخود ایرانیان بگذارید و امثال جنابعالی خود را زحمت ندهید گفتند وظیفه دیانت و اسلامیت مرا و اادار مینماید چنین اقدامات را بنمایم جواب دادم فعلاً برای دیانت و اسلامیت شما نجف اشرف کافی است و در ایران خیلی‌ها هستند که وظیفه دیانت و اسلامیت خودشان را بهتر میدانند جواب دادند که بعدها من با شما ملاقات نموده شما را حالی مینمایم و از جمله اشخاصی که بر ضد ایران صحبت میدارند ایشان هستند از قراریکه قونسولگری فهمیده بعضی‌ها هستند میخواهند اخبار راجعه بایران که به نجف می‌رسد در انظار اولیاء امور عظام دولت ابد مدت اهمیت و یا بد جلوه بدهند که چنین و چنان جلوگیری شده [و] میشود ولی بطوریکه اولیاء امور عظام خودشان میدانند که جعل و انتشار این اخبار هیچگونه اهمیتی را نخواهد داشت مگر اینکه تحریکات سری خارجی در کار بوده باشد استحضاراً معروض گردید

[امضاء:] محمود ارفع

گزارش حاکم قم و خلیجستان (مصطفی علامیر)
در خصوص مراجعت عده‌ای از تجار، اعیان و کسبه متحصن در قم به اصفهان

مورخه ۸/۱۵ ماه ۱۳۰۶

نمره ۱۰۲۷

وزارت داخله
«حکومت قم و خلیجستان»

مقام منبع وزارت جلیله دربار اعظم دامت شوکته

البته بعرض رسیده که در اینچند روزه عده^۱ زیادی از تجار و اعیان و کسبه اصفهان مراجعت کرده و رفتند فقط یکعده از علماء و چند نفری از اشخاص غیر معروف فعلاً در قم متوقفند و علت توقف هم طی نمره (۱۰۲۶) بعرض رسانیده است.

[امضاء: مصطفی علامیر]

[مهر: حکومت قم و خلیجستان]

۱- در اصل: عده‌ئی

گزارش اداره پست کاشان در خصوص وصول دستوراتی از طرف متحصنین قم به علمای کاشان
مبنی بر مخابره تلگرافی به رضاخان در مخالفت با قانون نظام وظیفه

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

۴۱۰۷
۶/۱۱/۱۴

از کاشان به طهران

بمقام منبع وزارت جلیله پست و تلگراف دامت شوکته از قرار معلوم از قم دستوراتی بکاشان رسیده که از طرف علماء و غیره تلگرافات تنفرآمیزی راجع بقشون اجباری توسط ریاست مجلس بحضور اعلیحضرت همایونی مخابره شود و مجامعی در این خصوص در کاشان تشکیل شده ضمناً وجوهی که برای مخارج چند نفر از علماء کاشان که بقم رفته‌اند مجدداً بین اشخاص سرشمار کرده‌اند که جمع آوری نموده بقم بفرستند شهر منظم و [خبر] دیگر تازه [ای] قابل عرض نیست

۴ آذر الله‌یاری

**تلگراف عده‌ای از علما و اهالی یزد به مجلس شورای ملی
در خصوص اعلام انزجار اهالی یزد از قانون نظام وظیفه و درخواست لغو آن**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از یزد به طهران - نمره قبض ۸۱۶۰ - نمره تلگراف ۳۰۶ - عدد کلمات ۲۸۵ - تاریخ اصل ۲۵

توسط حضرت آقای فیروزآبادی طهران و نمایندگان محترم یزد ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیداله ارکانه البته از خاطر محو نشده که سال گذشته نظر بانزجاری که مردم از سلطنت قاجاریه اظهار داشتند هیئت محترم نمایندگان متفقاً انقراض آن خاندان را اعلان و بنام سعادت ملت و احترام عواطف آنها سلطنت فعلی را بر قرار ساخته اکنون هم عموم مردم از نظام اجباری نهایت انزجار دارند و اجرای آن را بر خلاف مصالح ملک و ملت می‌شمارند چنانچه تعطیلی کمرشکن شیراز و اصفهان و سایر نقاط بر صدق عرایض داعیان شاهدهی متین است عموماً استدعا داریم که وکلای عظام توجه مخصوص مبذول فرموده و بیش از این باحساسات مردم بی اعتنائی نفرمایند و هرچه زودتر قانون نظام اجباری را لغو و مردم را به اختیار خود واگذارند

سند شماره ۲۶

**گزارش تلگرافی اداره پست یزد در خصوص حکم فرما بودن نظم و آرامش
در شهر یزد و نواحی اطراف آن**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از یزد به طهران

مقام منبع وزارت جنبله پست و تلگراف دامت شوکته در تعقیب نمره ۳۴۴ خود راپرتاً عرض مینماید شهر و اطراف یزد تاکنون از هر جهت منظم بوده اینک هم در نهایت نظم و تا الساعه خلاف انتظامی روی نداده یک هفته قبل یک نفر بعنوان مأموریت سجل احوال به یزد آمده است بعضی بخیال واهی دو فقره تلگراف نوشته‌اند یکی همان نمره ۳۰۶ بوده که مخایره شده و یکی را امروز به تلگرافخانه آورده‌اند بطوریکه امر فرموده‌اند معمول داشت ۲۸ آبان نمره ۳۴۵

عبدالجواد

تلگراف علمای متحصن در قم به علمای تهران و مجلس شورای ملی در خصوص الغاء قانون نظام وظیفه

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به طهران - نمره قبض ۲۰۷۶ - نمره تلگراف ۶۴ - عدد کلمات ۱۷۰ - تاریخ اصل ۳۰

توسط حضرت آیت الله اصفهانی کپیه حضرتین آیتین آقای بهبهانی و کپیه آقای خوئی کپیه حجة الاسلام آقای فیروزآبادی کپیه آقای شکوه [ال] ملک کپیه آقای دکتر مصدق کپیه آقای دست غیب مجلس محترم دارالشورای ملی چنانچه تنفر عمومی باعث شد بر نسخ ماده در قانون اساسی و همین نسخ موجب تشکر عموم گردید که به منتهی امال خود رسیدند و شخص شخیص اعلیحضرت همایونی پدرتاجدار ملت ایران قبول زمام داری اهالی را فرمودند بهمین جهت قانون نظام اجباری که تولید نفاق و بغضاء^۱ در ملت ایران نموده و عموم ملت از این قانون متنفر هستند که باید الغاء شود که بواسطه الغاء آن موجبات اتحاد دولت و ملت فراهم خواهد شد مهاجرین اصفهان احقر عبدالله موسوی [۱] احقر عبدالباقی موسوی [۲] مهاجرین فارس [۳] مهاجرین همدان حسن الحسینی [۴] حاج شیخ الاسلام صدوقی [۵] ابوالحسن بروجرودی [۶] محمد صدوقی و مهاجرین خراسان احقر محمد نهاوندی [۷] مهاجرین عراق احقر ابوالحسن [۸] احقر محمد سلطان از طرف علمای قم احقر محمد بن عبدالله رضوی [۹] حسن ابن عبدالله رضوی قمی [۱۰] مهاجرین کاشان ابوتراب نراقی [۱۱] احقر شهاب الدین نراقی

۱- بغضاء = کینه شدید ، دشمنی سخت



سند شماره ۲۷/۲

تلگراف رئیس مجلس شورای ملی (حسین پیرنیا) در پاسخ به تلگراف علمای متحصن در قم مبنی بر عدم امکان الغاء قانون نظام وظیفه بدلیل منافع کلی آن برای کشور

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مجلس به قم - نمره قبض ۱ - عدد کلمات ۱۵۳

مقام محترم آقایان علمای اعلام و هیئت محترم علمیه و سایر آقایان محترم دامت ابقائهم تلگراف شریف راجع بنظام اجباری شرف وصول بخشید جواباً تصدیق افزا میگردد واضح است مجلس شورای ملی اصولاً منویات خیرخواهان را همیشه با تقدیس کامل استقبال و به اجرای آنها نهایت علاقه مندی را دارد فرمایشات آقایان محترم را هم از روی کمال حسن نیت دانسته و با حسن ظن کامل تلقی مینماید معذالک چون از وضع قانون نظام اجباری منافع اساسی آتی در نظر بوده است هرگاه طرف توجه واقع شود منافع کلی آن را بر مضار جزئی ترجیح خواهد شد مع هذا اگر راجع بپاره [ای] مساعی از قبیل تسهیلات نسبت به ضعف نظری داشته باشند ممکن است بمقامات صالحه مراجعه فرمایند و مجلس هم که جز خیر عامه و رعایت ضعفا منظور دیگری ندارد بنوبه خود کمال توجه را خواهد داشت رئیس مجلس شورای ملی

حسین پیرنیا

**تلگراف علمای متحصن اصفهان در قم به علمای نجف
مبنی بر درخواست مخابره تلگرافی در حمایت از آنها به مجلس شورای ملی**

ویس فونسلگری ایران

«نجف اشرف»

تاریخ ۲۶ ماه آبان سنة ۱۳۰۶

نمره ۴۷۷/۱۴

ضمیمه یک نسخه سواد تلگراف . مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

صورت تلگراف علماء اصفهان را که از قم به مجلس شورای ملی مخابره نموده‌اند از قم به آقایان علماء و هیئت علمیه نجف ارسال داشته‌اند و تقاضا نموده‌اند حجج الاسلام نجف هم تلگرافی باین مضمون به مجلس مقدس شورای ملی بنمایند طلاب و علماء اصفهانی خیلی سعی می‌کنند بلکه از حجج الاسلام نجف تلگرافی گرفته مخابره نمایند و حجج الاسلام هم رد کرده و جواب داده‌اند تلگراف مذکور بی موقع و بی ربط بوده است از آقا زاده حضرت آیه الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی استفسار نمودم که حضرت آقا در این خصوص چه تصمیم اتخاذ فرموده‌اند جواب دادند حضرت آیه اللهی قطعاً مداخله نخواهد کرد و حرکت علماء اصفهان را به قم هم تصویب نداشتند و میفرمایند آقایان علماء قم به رشته سیاسیات مملکت داخل شده‌اند و این بکلی منافی و خارج از وظیفه روحانیت است و مسئله نظام اجباری چیز است عاید بدولت و گرفتن عسکر اجباری منافاتی با شرع مقدس ندارد بلکه ممدوح هم هست و از این جهت آقایان حجج الاسلام نجف گویا مداخله و همراهی بایشان نخواهند نمود و صورت تلگراف معروضه را برای استحضار آن مقام منیع تلواً تقدیم میدارد

[امضا:] محمود ارفع



سواد تلگراف علمای متحصن اصفهان در قم به نمایندگان مجلس شورای ملی

ویس فونسلگری ایران

«نجف اشرف»

توسط حضرت حجة الاسلام آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی دامت برکاته

سواد تلگراف

مجلس شورای ملی [۱] کپیه آقای مصدق السلطنه [۲] کپیه آقای بهبهانی و کپیه آقای مدرس داعیان غرض از حرکت نداشتیم که اداء وظیفه اسلامی که در عهده داشته و داریم و آنچه مقتضای تکلیف است اظهار کنیم علاوه بر مقاصد سابقه دیر زمانی است که مطالبی در مجلس طرح و تصویب شده و میشود که مخالف موازین الهیه و نصوص قرآن است و از حدود و کلاء خارج و مخالف صریح قانون اساسی است البته خوب واضح است که ملت ایران کسی را وکیل نکرده‌اند که در ضروریات دین مداخله کنند احکام دین مبین قابل اینکه داخل دستور برای جماعتی که به قیام [و] قعود تعیین نمایند نیست اجمالاً بصدای بلند که با سماع تمام مسلمانان برسد اظهار می‌کنیم مسلمانان و عموماً [و] روحانیون خصوصاً این قسم مداخلات را مزاحم و مخالف با شریعت مقدسه میدانند اگر ترک نشود و آنچه مقتضای تکلیف الهیه است اقدام و اخیراً آنچه مقتضای تکلیف است خواهیم گفت هیئت علمیه اصفهان [۳] مهاجرین قم شیخ نورالله [۴] فشارکی [۵] عبدالحسین مدرس [۶] ابوالحسن بروجرودی [۷] الاحقر الجانی عبدالله الحسینی النجفی [۸] احقر صدرالعلماء [۹] رضا کلباسی

[امضا:] محمود ارفع

[حاشیه پایین:]

سواد مطابق اصل است

مذاکرات حاکم قم و خلجستان (مصطفی علامیر) با حاج آقا نور... اصفهانی و سایر علمای متحصن در قم در خصوص اجرای قانون نظام وظیفه

نمره کتاب ۳۴۵۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

[۱۳۰۶/۸/۲۸]

از قم

در جواب تلگرافی که راجع بحاج آقا نورالله فرموده بودید شخصاً تحقیق نموده نتیجه را عرض نمایم پس از مذاکرات زیاد چون خودش تنها نمی آمد که در این موقع اگر بیایم و قراری بگذاریم تمام مردم به من بد میگویند و قبول نمینمایند بنابراین قرار گذاشت با چند نفر دیگر از آقایان شرفیاب شوند ولی هیچ کدام از آقایان حاضر نشدند بیایند نتیجه مذاکرات با آقایان و مشاورات آنها در مجالس خودشان این شده که امروزه از دولت استدعا مینمائیم چند ماهی مهلت بدهند و نگیرند تا اینکه هر نوع دولت صلاح میدانند ترمیمی در این قانون بنمایند یا اینکه چندی مهلت بدهند و حکم فرمایند عجله نگیرند که ما بتوانیم برویم پس از اتمام آن مهلت البته دولت هر نوع صلاح بدانند همه مطیع خواهند بود در این موقع چون شاید مفسدین موقع را غنیمت بشمارند و اقدامی بنمایند و یا اینکه در اطراف ما تصوّراتی بشود که محرکی باشد باین جهت نوعی مرحمتی بشود که ماها بتوانیم به محل خودمان برویم اگر بدون مرحمتی و کاری برویم مفسدین مردم را محرک شده دور ما جمع میشوند و ترتیباتی شاید بشود که باعث خجالت ما بشود علاوه بر اینکه کاری هم پیش نمیرود بدتر خواهد شد اغلب علماء از آمدن نمازی تاجر شیرازی (۲۸) باصفهان و تشویق بستن دکاکین باعث خیالشان شده و حتی الامکان میخواهند دست آویزی پیدا کرده طوری که ممکن بشود بروند تا بحال همه نوع مذاکرات و اقدامات بنده نموده ام شب و روز مشغول مذاکره و تدابیر هستم بغیر از ترتیب فوق میسر نشده در واقع چون مدت وعده زیادتیر شده استدعای آنها هم بیشتر بوده در تعقیب راپورت قبل که عرض کردم دیروز آقای شیخ عبدالکریم تلگرافی نموده بودند و استدعای الغاء را از دولت کرده بودند بهر نوع بود تلگراف مهر گرفته شد و عجله منصرف شده و متقاعد شده اند که توسط آقای شریعتمدار عرایضی عرض نمایند حالیه عین تلگراف که پس گرفته شد نزد آقای شریعتمدار است آقای شریعتمدار وارد شدند با اخویشان بنده اینطور نظرم رسید که آقایان را وادار نمائیم که از آقای شریعتمدار دیدن و خواهش دخالت و اقدام باین کار را بنمایند بنابراین آقایان را ملاقات کرده و براه هائی بآنها گفته شد که موقع را غنیمت بشمارید چون آقای شریعتمدار فردا میخواهند بروند نذارید بروند و آنها را راضی کنید شاید باین کار خاتمه بدهند همینطور شد از طرف آنان استدعای ماندن ایشان شده مقداری هم مذاکرات شده است هنوز جز ترتیب فوق که استمهال باشد نوع دیگری موفق نشده اند تا بعد چه پیش آید عرض مینمایم

[حاشیه بالا:]

حضورى ۲۸ آبان ضبط شود

تلگراف حاکم قم و خلجستان (مصطفی علامیر) به وزارت دربار در خصوص پیشنهاد آقای شریعتمدار مبنی بر اعزام چند نفر نظامی به قم جهت ترساندن متحصنین و دادن انعام به اطرافیان علما جهت پراکنده کردن آنها

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم

آقای شریعتمدار عقیده داشتند که شهرتی در قم داده شود که چند نفری نظامی بقم خواهد آمد چون تا حال تمام را بدوستی و زبانهای خوش مذاکره شده شاید این انتشار اثری داشته باشد بدون اجازه بنده باین امر اقدامی نکردام وقتی بدون هیچ مأموریتی اگر چند نفری بیایند در قم فقط باسم اینکه بیایند پیش حکومت باشند تا دستور داده شود ولی بدون هیچ اقدامی اگر منفعت نداشته باشد شاید بد هم نباشد باز هم آقایان

شریعتمدار عقیده دارند که باید اطرافی های آقایان اصفهان را بانعام خلعت و این قبیل کارها خالی کرد عجله با بعضی^۱ از آنان^۲ مذاکراتی شده باز هم منوط باجازه است که داخل اقدام شویم

مصطفی علامیر

۱- در اصل: بعضی ها

۲- در اصل: آنانان

سند شماره ۳۱

**تلگراف عده‌ای از علما و روحانیون شیراز به آیت ا... حاج آقا نور... نجفی
و سایر علمای متحصن در قم در تشکر از اعمال آنها در ترویج شعائر اسلامی
و اعلام تداوم تعطیل عمومی در حمایت از آنها**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به قم - نمره قبض ۱۳۵۳۱ - نمره تلگراف ۱۲ - عدد کلمات ۱۳۷ - تاریخ اصل ۲۸

توسط حجة الاسلام آقای حاج میرزا عبدالباقی و آقای آقا سید عبدالله دامت افاضاتهم خدمت حضرات حجج اسلام و المسلمین آقای حاج آقا نورالله و سایر آقایان عظام و علماء اعلام و طلاب فخام و سایر طبقات مهاجرین اصفهان و مقیمین قم دامت برکاتهم و تاییداتهم از اهتمامات آن ذوات شریفه در ترویج شعائر و تجلیل سیدین سندین عموماً متشکر تعطیل عمومی بحال خود باقی و در تعقیب مقاصد آقایان از هیچگونه اقدام مقتضی فروگذار نشده و نخواهد شد مترصد اطلاع از حالات و اوضاع کنونی میباشیم احقر محمد جعفر (۲۹) مرتضی محلاتی [۱] احقر نورالدین الحسینی (۳۰) [۲] محمد رضوی [۳] رئیس العلماء [۴] احقر هاشم طباطبائی [۵] شیخ علی ابو وردی [۶] احقر محمدبن جعفر موسوی [۷] عبدالحسین حائری [۸] احقر محمد صادق [۹] میرزا آقا [۱۰] احقر سید جواد [۱۱] ابوالفضل محلاتی [۱۲] احقر حاج شیخ محمود [۱۳] حاج ملا احمد [۱۴] احقر محسن

سند شماره ۳۲

**تلگراف عده‌ای از علما و روحانیون شیراز به حضرت آیت ا... حاج شیخ عبدالکریم حائری
در تشکر از توجهات ایشان به ترویج شعائر اسلامی و حمایت از علمای متحصن در قم**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به قم - نمره قبض ۱۳۵۳۱ - نمره تلگراف ۱۱ - عدد کلمات ۷۰ - تاریخ اصل ۲۸

توسط حجة الاسلام آقای حاج میرزا عبدالباقی و آقای آقا سید عبدالله دامت افاضاتهم خدمت حضرت آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم دامت برکاته از بذل مرحمت در تجلیل سیدین سندین و مساعدتهای صوری و معنوی در انجام مقصد عموماً متشکریم مرتضی محلاتی [۱] الحاج جمال الدین [۲] محمد رضوی [۳] احقر محمد صادق [۴] عبدالحسین حائری [۵] رئیس العلماء [۶] حاج ملا احمد [۷] احقر محمد محسن [۸] احقر محمدبن جعفر موسوی



یس فٹسولکری ایران

(نجف اشرف)

تاریخ: _____ ماه: _____

مکتبہ اسلامیہ

سوار کھڑا

[illegible]

سازمان اسناد و کتابخانه ملی



V. 2/2

M. 16

میں نے

نمبر کتاب اداره تلگرافی دولت علیہ ایران سنہ ۱۳۰

نمبر قبضہ ۱۲۵۴۱	تاریخ وصول	نوضیحات
نمبر تلکراف ۱۲	روز	
۱۳۷	اسم گیرندہ	

[illegible]

**تلگرافهای مبادله شده بین هیئت اتحادیه تجار فارس و مجلس شورای ملی
در خصوص اعتصاب مردم فارس در اعتراض به قانون نظام وظیفه**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به مجلس - توضیحات : حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان - اسم گیرنده رفیعی

مقام محترم ریاست وزرا عظام دامت شوکت و نمایندگان محترم فارس دام اجلالهم متجاوز از چهل روز است ملت فارس بانتظار انجام استدعای الغای نظام اجباری اعتصاب نموده و در نتیجه جز جوابهای مرحمت آمیز و وعدههای^۱ امیدبخش نتیجه قطعی حاصل نشده دوام اعتصاب ایجاد مشکلات و عدم امنیت خارج و داخل را فراهم نموده استدعای جواب و علاج قطعی داریم

هیئت اتحادیه تجار فارس احمد ملک
[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

۱. در اصل: وعدهای

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مجلس به شیراز - توضیحات : سواد مطابق اصل است ، حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان - اسم گیرنده رفیعی

خدمت اتحادیه محترم تجار [،] دولت پس از مطالعه کامل باتفاق عقلای عالم چاره‌ای^۱ برای انتظام مملکت و آسایش اهالی و رونق تجارت جز تعمیم وظیفه نظامی که بر هر فرد از اهالی مملکت از وضع و شریف و طبقات دیگر حتم است ندیده است و جای بسی تأسف است که آقایان تقاضائی می‌کنند که به عبارت دیگر ما تعالی و ترقی و موجبات اساس ملیت را نمی‌خواهیم.

مهدیقلمی و حاضرین
[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

۱. در اصل: چارهی

سند شماره ۳۳/۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به مجلس - توضیحات : حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان - اسم گیرنده رفیعی

نصایح و فرمایشات مکرر بضمیمه بیانات لازمه به اهالی ابلاغ شده متأسفانه قانع نشده و نمیشوند مستدعی است راه حل قاطعی که جلب محبویت عامه نماید بفرومائید.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

سند شماره ۳۳/۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مجلس به شیراز - توضیحات : سواد مطابق اصل است ، حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان - اسم گیرنده رفیعی

نصایحی که مکرر شده است از روی شناسائی به حقایق مصالح بوده است با اطلاع به روحیات آن آقایان و بصیرت تامه که دارند تصور نمیشود که راه حل را مثل مانداند راه حل تمکین بقوانین مملکتی است که با نهایت تأمل وضع شده است چنانکه مکرر گفته شده است در اجراء همه قسم تسهیلات در نظر است که معمول خواهد شد.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

سند شماره ۳۳/۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به مجلس - توضیحات : حضوری - اسم گیرنده رفیعی

مستدعی است تسهیلاتی که در نظر گرفته شده توضیح فرمائید شاید در نتیجه ابلاغ مذاکرات فردا نتیجه حاصل شود.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

سند شماره ۳۳/۶

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مجلس به شیراز - توضیحات : حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان

تسهیلات که در نظر گرفته شده است ارجای عنان در اجرای معافیت ها است مخصوصاً از شهرها.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

سند شماره ۳۳/۷

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به مجلس - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان

(شیراز) صورت حضوری را به ملت ابلاغ و نتیجه را عرض می نمایم اجازه مرخصی می خواهیم.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

سند شماره ۳۳/۸

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مجلس به شیراز - توضیحات : حضوری - تاریخ وصول روز ۲۹ ماه آبان - اسم گیرنده رفیعی

از حسن نیت آقایان محترم و قدمی که در صلاح بینی گذارده اند امتنان حاصل است لازم است توجهات مخصوص بندگان اعلیحضرت^۱ اقدس شهرباری روحنا فداء را خاطر نشان ذوات محترمه نموده خدا حافظی کنیم.

[مهر:] تلگرافخانه مجلس شورای ملی

۱. در اصل : اعلحضرت.

گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص اقدامات طلاب اصفهانی و تهرانی مقیم نجف جهت همراهی علمای نجف با علمای متحصن اصفهان در قم

تاریخ ۳۰ ماه آبان سنه ۱۳۰۶
نمره ۴۹۲/۱۴

ویس قونسولگری ایران
«نجف اشرف»
محرمانه است

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمه

در تعقیب معروضه نمره ۴۷۷ و مورخه ۲۶ آبانماه ۱۳۰۶ راجع به علماء اصفهان که در قم هستند. بعرض میرساند طلاب اصفهان و طهران مقیمین^۱ نجف اشرف مکرر نزد حجتین آیتین^۲ آقای ابوالحسن اصفهانی و آقای نائینی دامت برکاتهم رفته داد و فریاد نمودند که شماها مساعدت به علماء قم و شرع نمی‌کنید بعد از اصرار زیاد تلگرافی از حجتین گرفتند به عنوان علماء اصفهان مهاجرین در قم احوال پرسی نمودند و کپی تلگراف را هم فرستاده‌اند از قصر مخبره نمایند و دو روز است طلاب معروضه فوق در مجالس صحبت می‌کنند [که] چرا آقایان حجج الاسلام و سایر علماء معاونت به علماء اصفهان که در قم هستند نمی‌کنند مگر درخواستهای آن‌ها خلاف مشروع است یا اینکه از صنف علماء و روحانیون^۳ نیستند وجهه چیست سکوت اختیار نموده‌اند و آقایان حجج الاسلام هم در ظاهر سکوت اختیار مینمایند و از هو و تعرض و تنقید طلاب در خارج می‌ترسند ولی از قراریکه سرأ اطلاع یافته و قبلاً عرضه داشته حجتین از حرکات علماء اصفهان در قم و تشبثات طلاب در نجف تا امروز خوشوقت نیستند.

ولی در عقیده چاکر آقایان حجج الاسلام نجف نظر به حفظ نوع و روحانیت و سایر جهات دیگر گویا از اقدامات طلاب نجف راجع به‌های و هوکردن باطناً خوشوقت و راضی باشند و از آن طرف در نزد دولت بدبین واقع نشوند در ظاهر خود را بی‌طرف نگاه میدارند تا ببینند^۴ نتیجه و کار به کجا منتهی میشود و الا ممکن بود در این مدت سرأ به علماء قم می‌نوشتند کاریکه کرده‌اید خطا و بی‌موقع بوده و نصیحت می‌کردند و از خیالات بی‌رویه منصرف مینمودند و یا به طلاب نجف راه نمیدادند البته اولیاء امور عظام نکات معروضه‌های چاکر را که در مذاکرات با آقایان حجج بود و بعرض رسانیده بهتر مستحضر می‌باشند.

چاکر در تمام مجالس به آقایان عرضه میدارد که امروزه هرکس با دولت ایران معارضه و بوضعیات فعلی ایران اعتراض و یا بخواهد کارشکنی نماید غیر از اینکه آن اشخاص را دشمن مملکت و ملت ایران و اسلام بشناسیم چیز دیگر نیست و البته عاقلان و متفکرین ملت ایران میدانند که این قیام بی‌ماخذ برای چیست استحضاراً معروض گردید.

امضاء : محمود ارفع

۱. در اصل : مقیمین

۲. در اصل : آیتین

۳. در اصل : روحانین

۴. در اصل : به بینند

گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص تجمع عده‌ای از علما و طلاب نجف در منزل سید محمد خلخالی و تصمیم آنها جهت مساعدت به علمای متحصن در قم

ویس کنسولگری ایران
«نجف اشرف»

تاریخ ۵ ماه آذر سنه ۱۳۰۶
نمره ۵۱۳/۱۴

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

روز دوم آذرماه عده‌ای از طلاب و علما در منزل آقای سید محمد خلخالی که از اجله نجف است جمع شده راجع به علماء اصفهان در قم و درخواستهای آنها مذاکره نموده‌اند اولاً قرار داده‌اند علماء و هیئت علمیه نجف که تا انجام مقاصد ایشان همراهی و مساعدت نموده و تجمع خودشان را ادامه بدهند و ضمناً به حجج الاسلام تبریز و سایر ولایات بنویسند که آنها هم چند نفر از طرف خودشان نماینده به قم بفرستند. روز دوم جمادی الثانی که وفات حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بود در روضه منزل آقای آیت الله زاده خراسانی بودم بعد از ختام روضه حضرت آیت اله آقای نائینی و آقای جواهری و آقای سید محمد خلخالی و جمعی دیگر از آقایان بودند راجع به حبس سه نفر از علماء که در کرکوک حبس شده‌اند و مسئله جدید سامرا و وحشت طلاب آنجا شرحی صحبت نمودند و آقایان از حضرت آیت الله نائینی استمداد می نمودند اقداماتی در این خصوص به حجج الاسلام بفرمایند و ایشانهم اظهار یاس می فرمودند و چاکر موقع را مناسب دیده عرض نمودم آقایان اهل علم این اوضاع را مشاهده میفرمایند که حکومت عراق چقدر فشار و اهانت بر آنها وارد می آورد و رجال حکومت هم هیچگونه اعتناء باوامر آقایان حجج الاسلام نمی نمایند و هر روز بیک نحو مورد اهانت و بی اعتنائی واقع می شوند در این حال متأسفانه یا بدبختانه هر روز آقایان اهل علم و بزرگان مجالس کرده طلاب را دور خود جمع نموده و بر علیه دولت مذاکرات و تصمیماتی اتخاذ می نمایند با این وضع و حال نمیدانم به کجا اتکا دارند امروز یگانه ملجاء برای آقایان ایرانیان دولت ایران است نمیدانم این پیش آمدها را فراموش می نمایند یا اینکه عمدی یا مقصد مخصوص دارند مکرر به آقایان عرض نمودم اگر مطالبی دارند و می خواهند از دولت درخواست نمایند و مشکلاتی پیش آمده رفع آن مشکلات نمایند چهار نفر از آقایان حجج الاسلام داخل شده رأساً با اولیاء دولت مخابره و جواب می گیرند و رفع سوء تفاهم یا محذورات واقعه را می نمایند نه اینکه جمعیت نموده هر روز و یا هر شب در یک خانه جمع شده و بعد از بیرون آمدن هزار گونه حرف های نامناسب بر دولت یا ملت و مملکت ایران بگویند ابداً ملت ایران این اهانتها را قبول نمی کنند و امروز ملت ایران جان و مال خود را فدای این دوره مشعشع و با افتخار ایرانی می نماید خوب است آقایان اهل علم توجه جزئی بامورات در شهری که هستند ملتفت باشند و حقوق حقه خودشان را حفظ نمایند نه اینکه در مسائل موهومی ایران که خودشان هم نمی دانند چه می خواهند و چه مسلکی را تعقیب می نمایند.

و اینها نیست مگر بدبختی ما ایرانیان امروز به فردا فرد ایرانی خصوص آقایان اهل علم که مورد توجهات خاص دولت هستند فرض است در احترام دولت و ملت ایران و مملکت آن متحداً بکوشند بدبختانه تمام مذاکرات مجالس شما را به مراکز اجنبیه راپرت میدهند چقدر زشت است بگویند روحانیون^۱ ایرانی برضد قوانین مملکت و ترقیات و امنیت و آسایش آن قیام می نمایند و همه عرایض چاکر را استماع کرده جوابی ندادند استحضاراً معروض گردید.

{امضاء:} محمود ارفع

سند شماره ۳۶/۱

**تلگرافهای ارسالی فقیهالتجار، اسلامیة و مصطفی علامیر (حاکم قم و خلجستان)
به وزیر دربار (تیمور تاش) در خصوص نتایج مذاکراتشان با علمای متحصن در قم**

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به قصر همایونی

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف آقای وزیر دربار دامت شوکته امیداست هیچ وقت عارضه در وجود مبارک راه نداشته باشد پس از تقدیم عرض بندگی دیشب سه از شب وارد منزل حاجی سید شکرالله تاجر شدیم امروز صبح از آقایان حاجی آقا نورالله و فشارکی و چند نفر دیگر از علماء تا ظهر ملاقاتهای مفصل و با هریک مذاکراتی که مقتضی بود نمودیم بالاخره قرار شد امروز عصر در منزل حاجی سید شکرالله تاجر که منزل بندگان است حاجی آقا نورالله و فشارکی با دوازده نفر دیگر از علماء حاضر شوند که نتیجه مذاکرات معلوم شود الساعة را هم تدریجاً چند نفر آقایان آمده بودند که بندگان احضار شدیم الساعة را با آقایان مذاکره نموده نتیجه را دو ساعت از شب گذشته بعرض میرسانیم.

فقیهالتجار - اسلامیة

سند شماره ۳۶/۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به تهران

قزوینی سه ساعت از شب پنجشنبه گذشته وارد دو ساعت از شب گذشته امشب لیل جمعه در تلگرافخانه برای عرض مطالب حاضریم امید موفقیت است.

فقیه - اسلامیة

سند شماره ۳۶/۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از قم به قصر همایونی^۱

بنده عرضی ندارم مطالب را آقایان شریعتمدار بعرض میرسانند فقط منتظر جواب ترتیب اخیر که آقای شریعتمدار عرض مینمایند هستم که اگر صلاح است با یک نفر که قرار بود داخل مذاکره شوم.

مصطفی علامیر

۱. در اصل: همیونی

مکاتبه وزیر داخله (حسین سمیعی) با وزارت دربار در خصوص گزارش حکومت کاشان
مبنی بر مهاجرت عده‌ای از علما و کسبه کاشان به قم

بتاریخ ۹ ماه ۹ سنه ۱۳۰۶
نمره ۸۸۴۰ ضمیمه ۱

وزارت داخله
اداره جنوب

وزارت جلیله دربار پهلوی

راجع بحرکت چند نفر از علمای درجه دوم کاشان به قم و اوضاع آنجا راپرتی از حکومت محل بوزارت داخله رسیده است اینک سواد آن
برای استحضار خاطر محترم لفاً ایفاد میشود

[امضاء: حسین سمیعی]
[مهر: وزارت داخله]

[حاشیه پایین:]
ضبط شود

گزارش حکومت کاشان به وزارت داخله

مورخه ۳۰۶/۸/۲۷ [۱]
اصل آن به نمره ۱۹۱۶

وزارت داخله
سواد مراسله حکومت کاشان

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکت

چند روز قبل چند نفر از علماء و عده قلیلی از کسبه با آنها بطرف قم حرکت کرده بملاحظه اینکه با جریان مجلس سربازگیری اهالی رامستعد
برای اغتشاش دیده با بی اعتنائی قضیه را بدون اهمیت در انتظار جلوه داده و این چند نفر هم از فامیل نراقی ها میباشند بعد از حرکت آنها نیز
سایرین مشاهده کردند که برفتن آن عده اهمیت داده نشد عجله سایرین تا اندازه [ای] امساک در این مذاکرات نموده اینکه تلگرافاً بعرض
راپورت جسارت نکرده از دو نقطه نظر بوده اولاً اعتبارات تلگرافی را کافی ندیده ثانیاً اگر تلگراف میشد احتمال میرفت در اطراف تلگراف
حداسی ها شده و مطلب را مهم دانند بعلت فوق کتباً بعرض راپورت جسارت ورزید محمد صدر حکومت کاشان
سواد مطابق اصل است

[امضاء: ناخوانا]

گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص ارسال نامه‌ای از طرف آیات عظام اصفهانی، نائینی و میرزا علی شیرازی (۳۲) توسط نمایندگان خود به علمای تهران و مهاجرین قم مبنی بر همراهی علمای نجف با آنها

ویس کنسولگری ایران

«نجف اشرف»

تاریخ ۱۲ ماه آذر سنه ۱۳۰۶

نمره ۵۳۰/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

در تعقیب معروضه نمره ۵۲۶ مورخه ۱۰ آذر ماه ۱۳۰۶ معروض میدارد آقایان حجج الاسلام آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقای نائینی و آقای میرزا علی آقا شیرازی خطوطی بتوسط آقایان معتمد خودشان که به طهران اعزام میدارند به علماء طهران و مهاجرین قم نوشته اند که با مقاصد آنها همراه و مخصوصاً در لغو نظام اجباری موافقت نموده اند و گویا نوشته اند و در اینجا در مجالس مذاکره مینمایند قوانینکه در این مدت از تصویب مجلس مقدس شورای ملی گذشته رسمیت ندارد زیرا بموجب قانون اساسی باید پنج نفر نظار از درجه اول فقهاء در مجلس عضویت داشته باشد و قوانین موضوعه بعد از تصدیق و اجازه آنها رسمیت پیدا خواهد نمود و قرار بود این دو روزه معتمد خودشان را اعزام بدارند نظر باختلافی که در اعزام آقای حاجی آقا حسین و تجدید نظر به پیش نهادت خودشان که به دولت نوشته اند پیدا شده در آن خصوص مذاکره می نمایند و آقایان اصرار و میل دارند حاجی آقا حسین از جزو اعزامین بشود و گویا قرار داده اند حضرات اعزامین اول به قم بروند با علماء آنجا ملاقات نموده بعد به طهران بیایند و چاکر به آقای آیه الله زاده خراسانی (۳۱) و آقا زاده آقای سید ابوالحسن اصفهانی عرض نمودم خوب است آقایان ملتفت باشند چه می نویسند و چه درخواستی می نمایند - طوری نشود که درخواستهای ایشان مورد قبول واقع نباشد دو سال است قانون اجباری در ایران اجرا شده و ملت ایران با کمال افتخار حاضر شده اند در حفظ و خدمت مملکت خودشان جان نثاری نمایند امروز حجج الاسلام میفرمایند عسکرا اجباری نباید بشود و کسان دیگر از اعظم نیز آقایان را متنبه مینمایند نتیجه را بعد بعرض میرساند استحضاراً معروض گردید

[امضاء: محمود ارفع]

درخواست سرکنسولگری ایران در بغداد از فرمانده قوای سرحدی قصر شیرین مبنی بر توقیف نمایندگان اعزامی علمای نجف و ضبط نوشتجات همراه آنها

جنرال قونسولگری دولتیله ایران

بین النهرین - بغداد

خیلی محرمانه است

مورخه ۱۲ آذر سنه ۱۳۰۶

نمره ۲۴۴۲

جناب اجل آقای یاور هدایت الله خان فرمانده قوای سرحدی قصر شیرین

بطوریکه محرمانه اطلاع حاصل کرده است آقا شیخ احمد شاهرودی و حاجی آقا حسین بروجردی که دو نفر از طلاب اهل علم هستند با بعضی از نوشتجات که از طرفین آیتین^۱ آقای میرزا حسین نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی بر ضد دولت و سیاست اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداء بعضی از علماء ایران نوشته شده است از طریق قصر شیرین قصد مسافرت بایران دارند از برای منع مسافرت آنها از

طرف جنرال قونسولگری اقداماتی شده است ولی هرگاه احیاناً با مساعدت مامورین عراقی عازم ایران شدند بمجرد ورود مشارالیهما بسرحد آنها را توقیف و جمیع نوشتجات ایشان را ضبط و آنها را مجدداً به بین‌النهرین اعاده بدهید و نوشتجات ایشان را بمقامات لازمه تقدیم و نتیجه را بجنرال قونسولگری اشعار فرمائید

[حاشیه پایین:]

[امضاء:] محمد حسن بدیع

یکسواد از این مراسله برای اطلاع به مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم میشود

۱. در اصل: آیتن

سند شماره ۴۰

گزارش سر کنسولگری ایران در نجف در خصوص اختلاف نظر علمای نجف در اعزام نمایندگان خود به ایران بدلیل احتمال پذیرفته نشدن تقاضاهای آنها از طرف دولت

ویس قونسولگری ایران

تاریخ ۱۵ ماه آذر سنه ۱۳۰۶

«نجف اشرف»

نمره ۵۳۷/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

در تعقیب معروضه نمره ۵۳۰ مورخه ۱۲ آذرماه ۱۳۰۶ معروض میدارد قرار بود روز دهم آذرماه آقای حاجی آقا حسین و حاجی میرزا احمد شاهرودی از نجف حرکت نمایند شبانه به حاجی آقا حسین رسانیدند که دولت از رفتن شما بایران ناراضی است و ایشانهم به حجتین جواب دادند من حاضر نیستم بروم از این جهت حرکت اعزامین مذکور به تأخیر افتاد و چند روز است حجج الاسلام با سایر علماء و حواشی خود مجلس سری مینمایند و در آنجا مذاکره کرده‌اند اولاً درخواست هائیکه حجج الاسلام از دولت نموده و از جمله آنها لغو نظام اجباری است اگر دولت جواب بدهد ممکن نیست نظام اجباری لغو شود آنوقت حجج الاسلام چه می‌توانند بکنند دویم اعزامین را امر کرده‌اید بروند در قم با علماء اصفهان ملاقات نموده و خطوط حجج را بآنها بدهند اگر در ورود اعزامین بخاک ایران دولت آنها را منع نماید به قم نروند و به طهران وارد نمایند چقدر به حجج الاسلام اهانت خواهد بود پس در این صورت اولاً حجج الاسلام باید تقاضائی از دولت بنمایند که مورد قبول بشود دویم حضرات اعزامین رأساً به طهران وارد شوند چند روز است در این موضوع صحبت مینمایند و جمعی از محترمین علماء و حواشی اعتقاد دارند ابداً آقایان حجج الاسلام نجف کسی را نفرستند^۱ و خودشان را بکلی بی‌طرف نگاه داشته مداخله و همراهی با علماء قم ننمایند^۲ و اعتقاد این اشخاص بر اینست درخواست هائیکه مسوده نموده و از دولت درخواست مینمایند هیچ یک آنها مورد قبول نیفتاده و توهین بزرگی به حجج الاسلام وارد میشود که دیگر جبران نخواهد شد

کم کم به محترمین و علماء ثابت می‌شود که در قیام علماء اصفهان تحریکات خارجی دست دارد و این را بعرض حجج الاسلام رسانیده‌اند حضرتین آیتین^۳ آقای اصفهانی و آقای شیرازی رد کرده فرموده‌اند ابداً تحریک خارجی در کار نیست و این را دولتیان در می‌آورند که مقاصد خودشان را پیش ببرند^۴ و اصرار دارند باید نظام اجباری موقوف شود و نیز گفته‌اند نظر به حفظ نوع روحانیت بهر نحو است باید به علماء اصفهان مساعدت و همراهی نمود لذا از این جهات آقایان قدری متنبه و نمیدانند چه کنند و خطوطی را که به آقای حاجی آقا حسین داده بودند ایشان بحضرت آیه‌الله آقای سیدابوالحسن اصفهانی پس داده و خیلی احتمال دارد از اعزام معتمد صرف نظر نمایند در این مدت اغلب علماء نمیدانستند که آقایان حجج می‌خواهند معتمد به طهران بفرستند در این چند روز بعد از تعیین^۵ اشخاص که همه فهمیدند لذا جمعی از علماء محترم که در این قضایا همیشه بی‌طرف و مداخله نمی‌کنند عقیده آنها بر اینست که حجج الاسلام نجف حالیه نباید همراهی با درخواست‌های علماء اصفهان بنمایند و نباید معتمد بفرستند و باین واسطه حفظ احترامات و شئونات خودشان را بنمایند حتی در مجلسی که جمعی از علماء بودند راجع بدرخواست حجتین آقای اصفهانی و آقای شیرازی در موضوع نظام اجباری گفته‌اند آقایانیکه می‌فرمایند نظام اجباری نباید بشود آیا می‌توانند حکمی صادر نمایند که نظام اجباری حرام و خلاف شرع است و قطعاً نمی‌توانند در این صورت می‌خواهند خودشان را توهین نمایند

عریاضی را که چاکر در دو ماه قبل به حجج الاسلام عرض کرده بود امروز حواشی ایشان بآنها جواب میدهند استحضاراً معروض گردید و نتیجه را بعد بعرض میرساند

[امضاء:] محمود ارفع

۱. در کل سند به شکل «نفرسند» آمده که تصحیح شده‌اند.

۲. در اصل: نه نمایند

۳. در اصل: آیتن

۴. در اصل: به برند

۵. در اصل: تعین

سند شماره ۴۱

گزارش سر کنسول ایران در بغداد (محمد حسن بدیع) در خصوص اقداماتش در جلوگیری از مسافرت نمایندگان حضرات آیات اصفهانی و نائینی به ایران

جنرال قونسولگری دولتملیه ایران

مورخه ۱۹ آذر ماه سنه ۱۳۰۶

بین‌النهرین - بغداد

نمره ۲۵۴۵ ضمیمه ندارد

مقام متیع وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب تلگراف نمره ۲۴۴۴ و راپرت مورخ ۱۲ ماه جاری ۱۳۰۶ نمره ۲۴۴۲ برای مزید اطلاع انمقام متیع معروض میدارد که آقا شیخ احمد شاهرودی و حاجی آقا حسین بروجردی که گویا از بروجرد تبعید شده است با بعضی نوشتجات و احکام مضره از طرف آیتین^۱ آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقای میرزا حسین نائینی قصد مسافرت بایران دارند چاکر برای جلوگیری از مسافرت ایشان اولاً بقونسولگریهای کاظمین و کربلا و خائقین ابلاغ نمود که از دادن تذکره مرور و ویزای تذکره آنها خودداری نمایند ثانیاً در تحت نمره ۲۴۴۲ که سواد آن بوزارت جلیله تقدیم گردیده بیاور هدایت الله خان فرمانده ساخلوی قصر اطلاع داد که هرگاه با مساعدت مأمورین عراقی از سرحد ایران گذشتند فوراً آنها را توقیف و جمیع احکام و نوشتجات مضره آنها را ضبط و شخص آنها را مجدداً به بین‌النهرین برگردانند و هفته قبل یک نفر از آن طلاب باتفاق سید باقر بلاطی که از اجزای دربار ملک فیصل است برای گرفتن تذکره به ویس قونسولگری کاظمین مراجعه ولی باو تذکره داده نشده است و بر طبق اطلاعی که اخیراً از نجف رسیده است آقایان آیتین^۲ گویا مواد مضره بعضی از نوشتجات خود را تغییر داده و سوء تفاهم ایشان تا اندازه [ای] رفع شده است بهرحال فدوی حتی الامکان از مسافرت این دو شخص فوق‌الذکر جلوگیری خواهم نمود

[حاشیه پایین:]

[امضاء:] محمد حسن بدیع

یکسواد از این راپورت بوزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم میشود

۱. در اصل: آیتن

۲. در اصل: آیتن



وزارت داخله

سازمان مأموریت گشت گشت

مورخه ۲۷ شهریور ۱۳۰۶

اصل آن باغچه - ۱۳۰۶

تعام فیض وزارت مأموریت گشت

خداوند در قبر خدای عز و جل، و عده قیلا از کسبه آنها بطرف قم حرکت که به کلمه یک چنان که در کتب
الایه راسته برایشان شریعتی با به ایشان فیه را بدون اهمیت در نظر عبودیت و علم عالمین
پند فرمودند و نامیده بر آنجا باشند بعد از حرکت ایشان نیز با بر نیز مشاهده کردند و بر روی
عده اهمیت و علم شده بانه سایرین تا امانه اسکان در این نزد اکران خیم که تکوا
بعضی را پورست جبارت که از بر و علم نظر به اودا قیاسات عکراغ را امانه
نایا اگر عکراف میند اتمان میرفت در اکران عکراف اسی دانه و طبع را
دانه طبعت فوق کتب بعضی را پورست جبارت در زیر مأموریت گشت گشت

مأموریت گشت



حرفال فونسلکری دولتیله ایران

مودخه ۱۲ لکرت ۱۳۰۹

بین النهرین - بغداد

نج محرم

نوم ۲۴۲۲ ضمیمه

۴۹۰۹
۹/۱۰/۷

عزیز جناب، در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان

مطریه محرمه و طبع مهر کرده است. این سرود را در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
بعضی از قریبات و در ظرف آیینی که می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان
نقدی می باشد و در پیست لافان فی قریبی سرودی قهرمان

دشمن

کسواد از لافان فی قریبی سرودی قهرمان

لا



جنرال فونسولکری دولتعلیہ ایران

بين النهرين - بغداد

8.93

مورخہ ۱۹۱۹ء سنہ ۱۳۰۶ھ

غزوہ ۲۵۴۵ ضمیمہ

تم منع دولت جدید از مساجد

[illegible]

کمیاد از این راه و دولت نور از حقیقت و در هر صورت تمام شود

مراسله علمای متحصن در قم به رئیس‌الوزراء (مهدیقلی هدایت) و وزیر دربار (تیمورتاش) در خصوص طرح پیشنهادات شش‌گانه خود برای خاتمه دادن به تحصنشان در قم

وزارت دربار پهلوی
سواد مراسله آقایان علماء

بسم الله الرحمن الرحيم مقام محترم حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء و حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی دامت شوکتها با عرض تشکر از مراجع اعلی حضرت همایون شاهنشاهی در اعزام حضراتعالی برای مذاکره با مهاجرین قم که نیتی جز رساندن عرایض مظلومانه اهالی بسمع مبارک شاهانه ندارند مطالب و مستدعیات خود را ذیلاً بعرض میرسانیم که بلکه با مساعدت آن ذوات محترمه انجام پذیرفته و آقایانیکه در قم مجتمع هستند بتوانند باو طان خود حرکت نمایند ضمناً بطور مقدمه باید عرض شود اولاً که زبان همه ماها قاصر از ادای تشکر نعمت وجود مبارک اعلی حضرت همایونی که مملکت اسلامی ایران را بعظمت و اقتدار از دست رفته نایل فرموده اند میباشد و امیدوار هستیم که در پرتو لای همایونی روز بروز بر عظمت اسلام و مملکت افزوده گردد ثانیاً اگر مفسدین و بدخواهان دین و دولت بخواهند از اجتماعات قم سوء استفاده نمایند و مجعولاتی در اطراف مقاصد آنها منتشر نمایند ولی طبقه علماء نظر بحسن نیت و دولتخواهی خود آلت هیچ کس و هیچ مرکز فسادى نشده و از طریق صلاح و صواب انحراف نخواهد ورزید و برای کوتاه شدن دست مفسدین و خاتمه یافتن سوء تعبیرات آنها است که آرزومند هستیم هرچه زودتر مهاجرین قم متفرق شده و باو طان خود مراجعت نمایند مطالبی که برای عرض آنها بقم آمده ایم بشرح ذیل است اولاً راجع به نظام اجباری در اصل مطلب که لزوم قشون برای مملکت باشد هیچ عاقلی نمیتواند اظهارى بکند منتهی بواسطه مانوس نبودن اهالی با اصول جدید قشون‌گیری و سوء اجراء آن از طرف مأمورین و غیره در اهالی و غیر هم اضطراب و نگرانی ایجاد شده است که باعث حرکت داعیان گردید و از هیئت دولت تقاضا میکنند که الغاء نظام اجباری شود و در صورت عدم امکان درخواست میکنیم که امر به تعطیل و فک^۱ مسمولین و مأخوذین نمایند و تجدیدنظر در دوره هفتم مطابق قانون اساسی که در قانون مزبور تجدیدنظر بعمل آید که نواقص آن مرتفع شده و بیشتر برون احتیاجات و اخلاق مملکت باشد مطلب ثانی راجع است به بودن پنج نفر از علماء بعنوان طراز اول در مجلس که مطابق قانون اساسی باید معمول گردد در این باب هم استدعا میکنیم که از طرف دولت کمک و مساعدت لازمه بشود که این ماده قانون اساسی مجری گردد مطلب سوم راجع به مطبوعات است که اغلب مندرجاتی برخلاف دیانت و روحانیت منتشر میکنند که اسباب انزجار قلوب و نگرانی طبقه روحانی میشود و مستدعی هستیم بر طبق قانون مطبوعات ناظر شرعیات چنانچه در مرکز هست در همه ایالات و ولایات هم معین شود که جداً بر حسب قانون جلوگیری سخت نموده و مجازات بعمل آید مطلب چهارم راجع بجلوگیری از منهیات شرعیه و فحشا است که خود دولت نیز در این باب بذل مساعی میفرمایند منتهی باید مقرر فرمایند مراقبت کامل بعمل آید که جداً جلوگیری تامه بشود مطلب پنجم راجع به تنظیم محاضر شرعیه مطابق مواد هشت‌گانه اصول محاکمات مطلب ششم پروگرام مدارس خارج باید مطابق پروگرام وزارت معارف و مدارس داخله باشد امیدواریم در مسائل معروضه بذل توجه فرمایند که با دعاگوئی بذات مقدس شاهانه باو طان خود مراجعت نمائیم

محل مهر و امضاء آقا شیخ نورالله نجفی محل مهر و امضاء آقا شیخ حسین محل مهر و امضاء آقا شیخ عبدالحسین مدرس محل مهر و امضاء حاج شیخ کمال‌الدین نجفی

سواد مطابق با اصل است [امضاء: ناخوانا]

نامه مشترک مهدیقلی هدایت و عبدالحسین تیمورتاش به علمای مهاجر قم در خصوص موافقت با پیشنهادات شش‌گانه ایشان و درخواست بازگشت آنها به اوطان خود

وزارت دربار پهلوی

۲۱ آذر توشقان نیل^۱

مقام محترم آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم

همانطوریکه در ضمن مذاکرات شفاهی اینچند روزه خاطر نشان شده است ذات مقدس اعلیحضرت^۲ همایون شاهنشاهی ارواحنا فداءه نظر بعلاقه‌مندی کاملی که بعظمت اسلام و مملکت دارند اطمینان کامل دارند که حضرات علماء اعلام نیز از طرف خود بوظیفه دینی و مملکتی خود عمل نموده و بنوبه خود در طریق مقصود شاهانه که عظمت اسلام و ایران باشد بذل مساعی فرموده و مردم راهدایت خواهند نمود تا در ظل توجهات کامله اهالی مملکت در طریق سعادت و ترقی و تعالی بیش از پیش جلو بروند و نظر باینکه توجه همایونی معطوف باسایش عامه است با وجود اینکه مسلم است که مملکت محتاج بقشون بوده و افراد مملکت خود باید برای جان و مال مستعد و مهیای دفاع از وطن خود باشند و اینوظیفه مقدسه متوجه طبقه معین نبوده تمام طبقات و افراد مملکت ذمه‌دار آن میباشند معذالک نظر باینکه قانون نظام اجباری قانونی است که اهالی شاید هنوز کاملاً بآن مأنوس نشده‌اند از بدو اجراء آن نظر باو امر و نیات مقدسه شاهانه از طرف دولت مراعات تسهیلات لازمه در ضمن اجراء قانون مزبور در نظر گرفته شده بود و حالیه نیز خاطر محترم آقایان میتواند کاملاً مطمئن باشد که از نقطه نظر آسایش حال مردم مراعات رفاهیت‌های عملی در اجراء قانون نظام اجباری خواهد شد و چون هر قانونی ممکن است معایبی داشته باشد که پس از عمل و تجربه باید درصدد رفع آن برآید لهذا خود دولت و وزارت جنگ پس از تجارب حاصله در نظر دارد که در قانون مزبور مطالعاتی نماید پس از اتمام و تکمیل مطالعات دولت قانون مزبور در دوره آتی برای تجدیدنظر بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد که بموجب قانون اساسی مدارج مقررہ را طی بکنند و اما در باب حضور پنج نفر از علماء اعلام طراز اول در مجلس شورای ملی چنانچه خاطر محترم آقایان مسبوق است قانون اساسی طریقی برای آن معین کرده است یعنی باید حضرات حجج اسلام مرجع تقلید بیست نفر از مجتهدین درجه اول و مطلع در مقتضیات زمانرا در هر دوره مجلس شورای ملی معرفی فرمایند تا بترتیب مقررہ پنج نفر انتخاب شوند حالیه هم لازم است که بترتیبی که در قانون اساسی معین و مقرر شده است رفتار شود مسلم است که از طرف دولت هیچ نوع معارضه با بودن طراز اول در مجلس نبوده و در موقع خود مساعدت لازمه نیز بعمل خواهد آمد در باب سایر مسائل مرقومه آقایان محترم میتواند اطمینان کامل داشته باشند که دولت دستور خواهد داد که مأمورین دولت مراقبت کامل نمایند که بر ضد دیانت و روحانیت مندرجاتی بعمل نیاید و نیز از طرف دولت که خود نیز نهایت علاقه را بجلوگیری از منتهیات شرعیه دارد اوامر مؤکد بمأمورین خود صادر خواهد کرد که جلوگیری لازم بعمل آورند اما در باب محاضر شرعیه نظر بآنکه مربوط بمقامات مقننه است مراجعه میشود و انجام تقاضای آقایان خواهد شد همچنین در باب ناظر شرعیات و جلوگیری از جرایم و مدارس خارجه در حدود قانون دولت در اجرائیات مضایقه و خودداری نمیکند در خاتمه امیدواری کامل می‌رود که با حسن استقبال دولت از مقاصد آقایان محترم آقایان نیز باوطن خود مراجعت فرمایند و با دولت در اجراء مطالب مرقومه خود کمک عملی فرمایند

[امضاء:] مهدیقلی هدایت [و] تیمورتاش

۱. منظور سال خرگوش است

۲. در اصل: اعلیحضرت

گزارش ویس کنسولگری ایران در نجف در خصوص انصراف علمای نجف از اعزام نمایندگان خود به ایران

ویس قونسولگری ایران
«نجف اشرف»

تاریخ ۲۶ ماه آذر سة ۱۳۰۶
نمره ۵۷۳/۱۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمته

در تعقیب معروضه نمره ۵۳۷ و مورخه ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۶ راجع به تصمیمات آقایان حجج الاسلام در اعزام معتمدین به طهران بعرض میرساند
بعد از مذاکرات و مجالس سری که جمعی از آقایان علماء تصویب نکردند که حجج الاسلام نجف معتمدی بفرستند^۱ و درخواستی در این موقع از دولت نکنند و بی طرفی را اختیار نمایند حجتین آیتین^۲ گفته بودند که ما باعلیحضرت^۳ همایون شاهنشاهی تلگراف نمودیم که میخواهیم معتمدی بفرستیم^۴ و استیدان نمودیم و از اعلیحضرت همایونی هم اجازه فرمودند بفرستید و حالا اگر نفرستیم برای ما توهینی است آقایان حاضرین جواب داده بودند جبران آن را فعلاً تلگراف جدیدی بآستان مبارک اعلیحضرت همایونی مخابره نمائید از اعزام معتمد بواسطه بعضی پیش آمدها صرف نظر کرده تا موقع دیگر و ضمناً توصیه علماء مهاجرین در قم را هم عرضه بدارید این بود در چند روز قبل تلگراف مذکور از طرف حجتین بآستان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء مخابره و جواب آنهم در دو روز قبل به حجتین شرف وصول داد و بعد از این تلگراف بیک اندازه هرکس تکلیف خود را فهمیدند استحضاراً معروض گردید

[امضاء:] محمود ارفع

۱. در کل سند به شکل «بفرستد» آمده که تصحیح شده اند.
۲. در اصل: آیتین
۳. در کل سند به شکل «اعلیحضرت» آمده که تصحیح شده اند.
۴. در کل سند به شکل «بفرسیم» آمده که تصحیح شده اند.

مکاتبه حکومت قم و خلجستان با وزارت دربار در خصوص ارسال اعلانیة رئیس نظام وظیفه جنوب (احمد اخگر) (۳۳) در مورد هشدار به متخلفین از قانون نظام وظیفه

«وزارت داخله»
حکومت قم و خلجستان

مورخه ۹/۳۰ ماه ۱۳۰۶
نمره ۱۲۶۵ ضمیمه اعلان

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

حسب الامر تلگرافی حضوری یک نسخه اعلان رئیس نظام اجباری جنوب را برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم نمود

[امضاء:] مصطفی علامیر
[مهر:] حکومت قم و خلجستان

سند شماره ۴۵/۲

اعلانیة رئیس نظام وظیفه جنوب (احمد اخگر)

نمره ۱۱۸۶

شنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۶

(اعلان)

کلیه تشبثات بر علیه قانون نظام اجباری بلااثر بوده و خواهد بود و خاطر^۱ عموم را مستحضر میدارد متخلفین از اطاعت قانون مذکور مسئول کلیه پیش آمدهای ناگواری که بر اثر عدم رعایت قانون تولید شود خواهند بود-

رئیس نظام اجباری جنوب
اخگر

۱. در اصل: خواطر

سند شماره ۴۶/۱

مکاتبه نظام الدین حکمت (حاکم اصفهان) با وزارت دربار در خصوص گزارش نظمیه اصفهان مبنی بر ورود نه نفر از علمای متحصن در قم به اصفهان و استقبال مردم از ایشان و دعوت ملکالمحققین از مردم برای حضور در مسجد جهت اعلام مواد پیشنهادی علما به دولت

بتاریخ ۲ ماه ۱۰ سنه ۱۳۰۶
نمره ۵۸۵۵

وزارت داخله
اداره حکومت اصفهان
دایره کابینه

مقام محترم وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت عظمته

سواد راپرت وقایع چند روزه اخیر اصفهان راجع به ورود آقایان از قم که اداره نظمیه بحکومت داده لفاً تقدیم میشود روز پنجشنبه ۳۰ آذر آقایان فشارکی و سیدالعراقین (۳۲) وارد از طرف اهالی قبلاً مراسم استقبال بعمل آمده و چندین طاق نصرت هم در راه عبور آنها نصب نموده بودند در این دو روزه هم که وارد شده مشغول دعاگوئی ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداء میباشند و اهالی را هم بالطف و مراحم ملوکانه امیدوار ساخته موجبات دعاگوئی عمومی فراهم شده است و مخصوصاً آقایان فشارکی و سیدالعراقین در ضمن مذاکرات فوق العاده از مراحمی که نسبت بآنها مبدول شده اظهار تشکر مینمودند

[امضاء:] نظام الدین حکمت
[مهر:] حکومت اصفهان

[حاشیه پایین:]
جواب بدهید

۱. در اصل: ورود

گزارش نظمیه اصفهان

وزارت داخله

حکومت اصفهان

سواد راپرت نظمیه نمرة ۱۸۴۸ مورخه ۱۳۰۶/۹/۳۰
۴۴۴۸

مقام محترم حکومت جلیله دامت شوکته در تاریخ ۲۳ ماه جاری ۹ نفر از آقایان علماء درجه ۳ متدرجاً باصفهان ورود و در تاریخ ۲۶ تلگرافی از قم به بعضی مخابره شد که آقای آقا سید ابوالقاسم دهکردی حرکت نموده و مراسم استقبال را فراهم نمائید روز ۲۶ عده [ای] از تجار باستقبال رفته حاجی ابوالقاسم صراف مبلغی از کسبه چهارسوق شیرازیها که محل عبور آقای دهکردی بوده اخذ و...^۱ چهل و یک قران نسیه و کسبه را باستقبال دعوت نمود آقایان هرکدام سه روز در منازل خود نشستند شرحی از موفقیّت خود و مراجع ملوکانه جهة حضار مجلس اظهار میداشتند و پس از ورود آقای دهکردی ملک‌المحققین روضه‌خوان که آنهم از مسافرین قم بوده در منزل ایشان از مردم دعوت نمود که در مسجد حکیم منبر رفته مواد پیشنهادی آقایان علما را گوشزد نمایند در شب ۲۷ ماه جاری به منبر رفته ولی چون جمعیت کافی نبود مجدداً برای شب بعد دعوت مینماید که مراتب را باستحضار عامه برسانند چون اقدام اخیر مشارالیه بی‌رویه و ممکن بود باز فتح بابی شده و منابری تشکیل و مغرضین مطالب‌گذاشته را تجدید نمایند در ساعت ۳½ ظهر فدوی برای ملاقات ملک‌المحققین رفته و مفاسد این رویه را بمشارالیه گوش‌زد نمود که چنانچه شما باین امر مبادرت نمائید و شب‌ها در مسجد منبر روید بهانه بدست سایرین افتاده رفته‌رفته زحماتی تولید خواهد شد مشارالیه اظهار داشت چون از مردم دعوت کرده‌ام امشب را مجبورم بمنبر روم ولی بهمین یک شب خاتمه خواهم داد در ساعت ۶ ظهر مشارالیه در مسجد حکیم منبر رفته بعنوان اینکه دو چیز رکن اسلام است یکی قرآن و دیگری علماء مذاکراتی کرده و از آقای فشارکی فوق‌العاده اظهار تشکر نموده و اظهار داشته که من ۲۵ روز در طهران بودم و در مقام تحقیق برآمده شخص اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحنا فداء و هیئت محترم دولت بهیچوجه تقصیری ندارند و فوق‌العاده از مقام اعلیحضرت قدر قدرت شهرباری ارواحنا فداء اظهار قدردانی و اظهار داشته تمام مفاسد و معایب از وکلای خائن است یک مرتبه جمعی از حضار از پای منبر گفته‌اند خدا ریشه وکلا را بکند در خاتمه بیانات خود الغای نظام اجباری و موکول شدن آن بدوره هفتم مجلس را به اهالی گوش‌زد و آنها را برای شب بعد دعوت نموده البته خاطر محترم مستحضر است که قسمت عمده [ای] از پیش آمد و قضایای اخیر اصفهان که از ناحیه آقایان علماء مسجد شاه و شیخ الاسلام شروع شده بواسطه القاءات^۲ و مذاکرات منبری یک ساله صدرالمحدثین بوده که مخصوصاً راجع به حرکت آقایان بقم همیشه جدیت داشته و نظر باینکه انتخابات دوره هفتم در ماه رمضان در پیش است چنانچه صدرالمحدثین و ملک‌المحققین و امثال آنها منبر رفته و مانند سابق مذاکراتی نمایند مجدداً هیجانی در مردم ایجاد خواهند نمود ضمناً خاطر مبارک را مستحضر میدارد شخصاً با این قبیل آقایان مذاکراتی نموده مفتشین مخصوص در تعقیب و تشخیص عملیات اینگونه اشخاص هستند مراتب را استحضاراً بعرض میرسانند - محل امضاء رئیس نظمیه و مهر اداره نظمیه اصفهان

سواد مطابق اصل است فاندی

[امضاء:] فاطمی

۱. یک کلمه خوانده نشد

۲. در اصل: القاءات

گزارش حکومت قم و خلیجستان در خصوص تأخیر علمای متحصن در قم در مراجعت به شهرهایشان به بهانه نداشتن پول و در اصل انتظار جهت عملی شدن وعده‌های حکومت به ایشان

«وزارت داخله»

حکومت قم و خلیجستان

مورخه ۱۰/۲ ماه ۱۳۰۶

نمره ۱۲۷۷

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته

پس از تلگرافات حضوری و روانه کردن آقای فشارکی و سیدالعراقین که راپورتش عرض شد آقایان کاشانرا ملاقات نموده و راجع به تأخیر حرکت آنها مذاکره شده اظهار مینمودند که در اینمدت توقف در قم مبلغی مقروض شده‌ایم و حالیه که چهار پنج اتومبیل برای رفتن می‌خواهیم دیناری نداریم منتظر هستیم مبلغی پول قرض بنمائیم فوراً خواهیم رفت و در ضمن از بنده سیصد تومان قرض می‌خواستند که حرکت نمایند و بعد متدرجاً بفرستند جهة بنده چون برای بنده وسایلیش ممکن نبوده نتوانستم تهیه نمایم از مذاکرات آنها معلوم می‌شد که توقع مخارجی دارند شاید باین سان وجهی گرفته باشند و بروند دیروز آقای صدرالعلماء اصفهانی و شیخ مهدی برادرزاده آقای حاجی آقا نورالله رفتند عجلتاً آقای حاجی آقا نورالله و چند نفر اتباعشان و سید عبدالله همدانی که اخیراً آمده بود و همراه آن دو نفر علماء همدان رفتند و آقایان شیراز و دو نفر از عراق و شریعتمدار مانده و هنوز نرفته‌اند

در مجلس پریشب شب جمعه از علماء کاشان قول گرفته‌اند که حالیه نروند ولی مقصود آنها همان است آنچه معلوم میشود مقصود حاجی آقا نورالله گویا نگاه داشتن اینعهده در قم است تا موقعی که حال خودش بکلی خوب شود و کارش تمام بشود بروند زیرا که بودن آنها را برای خودش شاید اهمیتی فرض نمایند ولی حرفهای ظاهری همگی اینست که منتظر عملی شدن وعده هستیم و بعقیده بنده دیگر اهمیت ندارد این چند نفر که مانده‌اند گویا همان مقصود کاشانیها را داشته باشند ولی بمثل آقایان کاشان علنی اظهار نمینمایند آقای ناظم الاسلام اخ‌الزوجه آقای حاجی آقا نورالله عرض مینماید مطابق وعده‌ای^۱ که فرموده بودید که دراستیناف اصفهان خدمتی بایشان رجوع شود منتظر مرحمت هشتم بسته به رأی^۲ مبارک است

[امضاء:] مصطفی علامیر

[مهر:] حکومت قم و خلیجستان

۱. در اصل: وعده‌ئی

۲. در اصل: برای

مکاتبه حکومت اصفهان با وزارت دربار در خصوص لزوم قدردانی و تشکر از عبدالجواد خطیب و محمدعلی مکرم (مدیر روزنامه صدای اصفهان) بدلیل همکاری آنها با حکومت در امر سربازگیری و مورد تحقیر قرار گرفتنشان توسط علما در هنگام بازگشت از قم

وزارت داخله
اداره حکومت اصفهان

بتاریخ ۲۸ ماه دی سنه ۱۳۰۶
نمره ۶۱۶۸

مقام محترم وزارت جلیله دربار اعظم پهلوی دامت شوکته

آقای میرزا عبدالجواد خطیب یکی از اشخاصی است که در قسمت سربازگیری فوق العاده خدمت بدولت نموده و همه روزه در مجالس سربازگیری حاضر و تا حدود امکان از خدمت و مساعدتهای لازمه در اینموضوع خودداری نکرده و اخیراً هم که آقایان از قم باصفهان وارد شدند طرف اعتراض و بغض آقایان واقع شده بعلاوه چون شخصاً آدم ادیب فاضل محترمی است از طرف دولت هر نوع کمک و مساعدتی که مقتضی باشد درباره مشارالیه بفرمایند که خدمات و زحمات او جبران شده باشد بعلاوه از اشخاصی که هر موقع صمیمانه خدمتگذار دولت بوده اند آقای مکرم شاعر اصفهانی مدیر روزنامه صدای اصفهان است که در مراجعت طرف بغض اهالی واقع شده از طرف حکومت با دو نفر فوق الذکر باندازه مقدور مساعدتهای مادی شده است ولی مقتضی است از طرف اولیاء معظم دولت هم اظهار مکرمتی بآنها بشود

[امضاء: نظام الدین حکمت]

[مهر: حکومت اصفهان]

[حاشیه راست:]

جواب بدهید که نسبت با آقایان مکرم همیشه مساعدت شده و خواهد شد نسبت با قوامیرزا عبدالجواد خطیب هم در موقع خود مساعدت خواهد شد

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پاسخ وزارت دربار به حکومت اصفهان

وزارت دربار پهلوی
نمره کتاب ثبت ۴۶۳۱
تاریخ خروج فوق ۱۳۴۶

تاریخ اصل مطلب ۴ بهمن ۱۳۰۶
اسم پاکتویس کننده سیدحسن

حکومت جلیله اصفهان

با حصول استحضار از مدلول مراسله نمره (۶۱۶۸) که شرح خدمت آقایان میرزا عبدالجواد خطیب و مکرم رامحتوی بود زحمت میدهد که نسبت با آقای مکرم همیشه مساعدت شده و خواهد شد راجع با آقای میرزا عبدالجواد هم در موقع خود همراهی و مساعدت مقتضی بعمل خواهد آمد

وزیر دربار پهلوی

[امضاء: میرزا لطفعلی قویم]

درخواست اخگر (رئیس نظام وظیفه جنوب) از تیمورتاش مبنی بر تجلیل و قدردانی از عبدالجواد خطیب بدلیل قبول عضویت در مجلس سربازگیری اصفهان علی‌رغم مخالفت علمای اصفهان با وی

قربان حضور مبارکت‌گرم

پس از تقدیم مراسم ارادت و مسئلت بقای سعادت و سلامت ذات مقدس از درگاه احدیت که یگانه آمال است بعرض انور عالی می‌رساند در اوایل شروع به تشکیل مجلس سربازگیری اصفهان و پیدایش آن انقلابات شهری هیچ یک از علماء یا روحانیون برای قبول عضویت مجلس حاضر نشده و چند روزی در نتیجه فقدان نماینده مذکور امور مجلس در حال وقفه بود تا اینکه آقای آقا شیخ عبدالجواد خطیب شخصاً بدون آنکه از روحانیون و مخالفین ملاحظه نموده یا محافظه‌کاری ظاهری را رعایت نمایند عضویت مجلس را قبول و در واقع با این اقدام امورات ساکن شده را بصورت جاری اعاده نمود:

پس از اینکه علماء از قم مراجعت نمودند آقای خطیب را با یک اقدامات جدی منفور و محدود نموده و به قسمتی از امورات شهری ایشان لطمه‌های سنگین وارد ساخته و بالاخره در شهر بکلی بر علیه احترامات و مقامات ایشان عملیات جدی نموده خساراتی وارد ساخته‌اند؛^[۱] اینست که مراتب را بدین وسیله معروض و مستدعیست در حدود امکان قدردانی و جبران شود: در خاتمه موقع رامغتنم و تجدید عرض ارادت و مسئلت صحت و موفقیت حضرت اجل را مینماید - ارادتمند حقیقی اخگر

[حاشیه پایین:]

محاسبات صد تومان حواله شود

محاسبات ۱۲۱۰ نمره
[۱۳۰] ۶/۱۲/۲۴



سند شماره ۴۹/۲

اشعاری از عبدالجواد خطیب در توصیف مخالفت عده‌ای از علمای اصفهان با وی بعلت شرکت در مجلس سربازگیری اصفهان و تقاضای کمک از تیمورتاش

مقام منبع بندگان عظمت ارکان حضرت اشرف آقای وزیر دربار اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران خلدالله دولته

که کردم امتثال امر والی
شدم حاضر بحسب امر عالی
گروهی هوچیان لایالی
چو بوتیماری از بشکسته بالی
نمایم عرض در دربار عالی
چه باشد بعد عرض حسب عالی
مدام از پیشگاه لایزالی

مرا کردند هو هم‌شهریانم
که اندر مجلس سربازگیری
بهو هو از مقام پست کردند
گرفتارم کنون در کلیه غم
لزوماً مقتضی شد حال خود را
دگر تا اقتضای همت ملک
دوام دولتش را خواستارم

کمترین دعاگوی صمیمی عمر و دولت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی ارواحنا فداه خطیب اصفهان عبدالجواد
فقط امیدها در وعد لطفی است

دام اقباله السامی^۲ در جواب حضرت حکمران اصفهان دام مجد،

چاکر خطیب است

۲. سامی = بلند مرتبه

۱. بیهمالی = بی‌همتایی، بی‌شریکی

مقاله روزنامه نجات در خصوص فوت حضرت آیت... حاج آقا نور... نجفی

(فقدان عظیم)

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ نورالله نجفی نورالله مرقدہ بواسطه کسالت ذات الجنب روز دوشنبه غره رجب دو ساعت قبل از ظهر در شهر قم برحمت ایزدی پیوست فقید معظمه گذشته از اینکه یکی از روحانیون درجه اول مملکت محسوب میشد زهد و تقوایش بر عموم افراد ملت محسوس و مبرهن است یکی از رجال بزرگ آزادی خواه و قاندين احرار و پیش قدمهای مهم مشروطیت ایران نیز بشمار میرود و بایستی تصدیق نمود فداکاریهای مهم و زحمات شایان تحسینی در زمان حیات او برای تحصیل آزادی مکرر بمنصه ظهور رسیده است به طوریکه اگر ما بخواهیم یکایک را شرح دهیم نامه محقر راه نجات گنجایش درج تمام آنها را نخواهد داشت ولی بی مورد نمی دانیم^۱ به بعضی از اقدامات و خدمات مشتمل آن مرحوم بطور خلاصه اشاره نمایم - در زمان حکمرانی بعضی از عناصر ظالمانه قبل از دوره مشروطیت که مظالم طاقت فرسای آنها اهالی اصفهان را بسته آورده بود مقاومت جدی آن مرحوم بالاخره موجب انفصال آنها گردید و اهالی از چنگال ظالمانه مستخلص شدند در تعقیب آن با عده [ای] دیگر بفکر مشروطیت و آزادی ایران افتاده و از آن تاریخ به بعد در مواقع لازمه برای نیل باین مقصد مقدس بذل مساعدت فرموده و از هیچ گونه فداکاری خودداری نکرد تا به آمل دیرینه خود رسیدند - موقعی که توپ بمجلس شورای ملی بستند و آزادی خواهان را گرفتار کردند بعضی را مقتول و برخی را حبس و تبعید نمودند یک نفر از مرتجعین که در اصفهان حکومت داشت در همان موقع مرحوم آیه الله مبادرت به تشکیل انجمن سری و ضدیت با اساس استبداد نمود بالاخره خوانین بختیاری را باصفهان دعوت کرده و پس از مبارزه شدید اساس استبداد را واژگون و حاکم مرتجع را منهزم نمودند بعد باتفاق آزادی خواهان در صدد خلع حکومت مستبد برآمده و بوسیله مراسلات مخفیانه با مرحوم سپهدار تنکابنی و ستارخان و باقرخان و سایر مجاهدین در موضوع مشروطیت روابط مستقیم برقرار و منویات خود را تعقیب کرد تا بالتیجه بنیان استبداد را مجاهدین سرنگون و آزادی ایران را بمعیت سایر آزادی خواهان حقیقی بدست آوردند در موقع جنگ بین الملل نیز با مهاجرین و آزادی خواهان شرکت نموده و بفرونت غرب رهسپار و در این مهاجرت احساسات وطن پرستانه خود را کاملاً بر صحنه ظهور رسانیدند خلاصه آنکه مزایای اخلاقی و خدمات آزادی خواهی آن فقید معظم بقدری زیاد است که به آسانی شرحش غیرممکن است - متانت - بردباری - حلم و صبوری ایشان در هر مورد فوق العاده قابل تمجید بوده است - با مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی نیز ملاقاتهای مفصل کرده و با سایر علماء بزرگ مصر و سوریه و سایر نقاط اسلامی سابقاً روابط و مکاتبه داشته اند

بعد از فوت آن مرحوم نیز پیاس مقام شامخ روحانیت و آزادی خواهی آن مرد بزرگ در طهران و قم و اصفهان اغلب ولایات مراسم عزاداری برپا گردید و مخصوصاً در اصفهان تا یک هفته دکانین بازار تعطیل و دسته جات سینه زن و قمه زن از خارج و داخل شهر به مسجد شاه رفته و احساسات اسلام پرستانه خود را ابراز میداشتند در موقع حرکت جنازه آن مرحوم بعثتات...^۲ درجات آقای رئیس الوزراء و چند نفر از حجج اسلام طهران برای احترامات لازمه بقم مشرف شده اند در واقع در این مصیبت عموم آزادی خواهان خود را شریک و سهیم میدانند ما نیز بنوبه خود از این ضیاع عظیم فوق العاده متأثر و متأسف هستیم

۱. در اصل: نه میدانیم

۲. یک کلمه خوانده نشد.

۴. سید حسن اعتمادالتجار برادر امین‌التجار اصفهانی و از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان اصفهان بود.
۵. نظام‌الدین حکمت فرزند میرزا حسام‌الدین مشارالدوله، در ۱۲۶۲ خورشیدی متولد شد. پس از تحصیلات متوسطه و عالیّه وارد عالم سیاست شد و وزیر معارف و اوقاف‌کابینه مهاجرین در کرمانشاه شد. از طرف حزب دموکرات شیراز به نمایندگی دوره سوم مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در ۲۵ فروردین ۱۳۰۳ در کابینه سردار سپه کفیل فواید عامه و تجارت بود و در ۷ شهریور همان سال به کفالت وزارت معارف منصوب شد. پس از آن در مجلس مؤسسان که در سال ۱۳۰۴ به منظور انتقال سلطنت از خاندان قاجاریه به پهلوی تشکیل شده بود شرکت کرد. در ۱۳۰۵ حکمران کرمان، از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ حکمران اصفهان، در ۱۳۰۹ حکمران خرم‌آباد، بروجرد و لرستان و در ۱۳۱۰ حکمران کردستان بود. پس از چندی به استانداری اصفهان انتخاب شد. وی از ۱۳۱۳ تا دوم بهمن ماه ۱۳۱۵ خورشیدی که به علت سکنه درگذشت، وزیر پست و تلگراف بود. حسن مرسلوند، ج ۳، ص ۱۱۸؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری (تهران: زوار، ۱۳۷۱) ج ۵، ص ۳۱۸.
۶. میرزا عبدالحسین معروف به صدرالمحدثین فرزند میرزا محمود خوانساری و نوه آخوند ملاعبداله خوانساری (متوفی محرم ۱۲۹۳ قمری) بود. وی از خطباء و ناطقین معروف اصفهان بود که این هنر را از پدر به ارث برد و سرانجام در بوشهر انتحار کرد. برادرش حسن صدر مدیر روزنامه قیام ایران از وکلای مبرز دادگستری بود. نورالله دانشور علوی، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری (تهران: سینا، ۱۳۳۵)، ص ۱۸۷-۱۸۸.
۷. حاج آقا حسین قمی در سال ۱۲۸۲ قمری در قم متولد شد. چندی در حوزه درس علمای تهران همچون حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. سپس به عراق رفت و در آنجا از حوزه درس حاج میرزا حسن شیرازی و آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و سیدمحمد کاظم یزدی استفاده نمود. در سال ۱۳۳۱ قمری به مشهد آمد و در آنجا به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۱۴ خورشیدی که برای مذاکره با رضاشاه جهت لغو قانون رفع حجاب عازم تهران شده بود، در حضرت عبدالعظیم متوقف و ممنوع‌الملاقات شد و چون موفق به ملاقات رضاشاه نشد به عراق مراجعت کرد. در ۱۳۲۱ خورشیدی به مشهد آمد و پس از چندی دوباره به عراق بازگشت. بعد از فوت آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی (۱۳۲۵ خ) مدتی مرجع تقلید گردید و سرانجام در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در سن ۸۴ سالگی در نجف درگذشت. مهدی بامداد، ج ۶، ص ۹۱.
۸. حاج شیخ مرتضی آشتیانی فرزند ارشد حاج میرزا حسن آشتیانی در سال ۱۲۸۰ قمری در تهران متولد شد و در محضر پدر و سایر علمای تحصیل پرداخت. وی از متحصنین حرم حضرت عبدالعظیم در جریان نهضت مشروطه بود و مدتی تولیت مدرسه خان مروی و امامت مسجد خازن‌الملک را بعهده داشت. پس از مراجعت از حضرت عبدالعظیم به همراه عده‌ای از روحانیون

۱. محمدعلی مکرم حبیب‌آبادی، مدیر روزنامه‌های صدای اصفهان، نامه ملی سپاهان و بلدیّه اصفهان و از دشمنان قسم‌خورده روحانیت بود که بابت درج مقالاتی برضد روحانیت در روزنامه‌های خود، از وزارت دربار مواجب دریافت می‌کرد. وی در فروردین ۱۳۴۴ هـ ش درگذشت.
۲. حاج آقا نورالله نجفی فرزند چهارم حاج شیخ محمدباقر و نوه حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهان بود. مادرش زمزم بیگم دختر سید صدرالدین عاملی بود. چند سالی در کربلا و نجف زیست و به درجه اجتهاد رسید. ایشان از مشروطه‌خواهان معروف بود که در زمان استبداد صغیر با کمک سیدحسن مدرس با تشکیل انجمن سری به فعالیت خود ادامه داد. همچنین با همکاری بختیارها اصفهان را از لوٹ عوامل استبداد آزاد کرد. بعد از کشته شدن سیدعبداله بهبهانی توسط دموکراتها به عراق رفت و بعد از وفات برادرش و هنگامی که بختیارها و حزب اعتدال بر اصفهان مسلط شدند دوباره به اصفهان بازگشت. در جنگ جهانی اول که ایران در اشغال بیگانگان بود با کمک مجاهدین بر علیه انگلیس‌ها قیام نمود و با اشغال اصفهان توسط روسها برای بار دوم به کربلا رفت. بعد از پایان جنگ مجدداً به اصفهان آمد و ریاست امور شرعیّه مردم را برعهده گرفت.
- در سال ۱۳۰۶ برای اعتراض علیه نظام اجباری و درخواست اجرای ماده دوم متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت پنج تن از مجتهدین طراز اوّل بر مصوبات مجلس شورای ملی به همراه یکصد نفر از روحانیون، طلاب و اقشار مردم اصفهان به قم مهاجرت کرد و از آنجا دعوت‌نامه‌ای برای مجتهدان و روحانیون ایران فرستاد و همه را به قم دعوت نمود. در طی ملاقاتی که بین مهاجرین و ریاست وزراء و تیمورتاش صورت گرفت، پیشنهادات روحانیون مورد موافقت قرار گرفت و قرار شد لایحه مقتضی در این زمینه به مجلس تقدیم شود. لایحه به مجلس تقدیم شد، اما قبل از تصویب آن حاج آقا نورالله در شب چهارم دی ماه ۱۳۰۶، در قم درگذشت و مهاجرین متفرق شدند و لایحه مزبور اصلاً مطرح نشد. درگذشت ایشان را جمعی معلول عوارض کسالت دیرین می‌دانستند، ولی شهرت بیشتر این بود که پلیس قم ایشان را به وسیله آشپز مخصوصش مسموم کرده است. حسن مرسلوند، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (تهران: الهام، ۱۳۶۹) ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۲.
۳. اکبر میرزا صارم‌الدوله فرزند ظل‌السلطان، مدتی حکمران اصفهان بود. در ۱۲۹۴ هـ ق در کابینه عبدالحسین میرزا فرمانفرما به وزارت فواید عامه و تجارت انتخاب شد و در ۱۴ اسفند همان سال در کابینه محمد ولی خان تنکابنی به وزارت امور خارجه منصوب شد. در کابینه دوم وثوق‌الدوله به وزارت مالیه رسید و در مسند این وزارت از عاملین انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس به‌شمار می‌رفت. وی در زمانی که والی کرمانشاه بود بدستور رئیس‌الوزرا، سید ضیاءالدین طباطبایی دستگیر شد. صارم‌الدوله از مالکین و متنفذین بزرگ اصفهان در اواخر دوره قاجاریه و دوره پهلوی بود که در انتخابات مجلس شورای ملی

مجمعی تشکیل دادند تا جریان نهضت مشروطه را به راه اصلی هدایت نمایند. بعد از فتح تهران توسط مجاهدین به مشهد رفت و از مراجع مذهبی آنجا شد.

در جریان واقعه مسجد گوهرشاد رهبری مردم مشهد علیه اقدام ضد مذهبی رضاخان در کشف حجاب را بر عهده گرفت و طی تلگرافی به همراه هفت تن از روحانیون مشهد به رضاشاه خواستار توقف حجاب زدایی و تغییر لباس مردان شد، که پاسخ رضاشاه کشتار مردم در مسجد گوهرشاد بود. بعد از جریان مسجد گوهرشاد، رضاشاه اغلب روحانیون و رهبران نهضت را دستگیر کرد ولی به خاطر نفوذ و مقام روحانی حاج شیخ مرتضی آشتیانی، از دستگیریش چشم پوشید. وی سرانجام در ۲۸ آبان ۱۳۲۵ در سن ۸۵ سالگی در مشهد درگذشت. حسن مرسلوند، ج ۱، ص ۳۵-۳۷.

۹. میرزا احمد آیت الله زاده خراسانی فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بود. وی به همراه برادرش آیت الله آقازاده، از روحانیون طراز اول خراسان در دوره مشروطیت و دیکتاتوری پهلوی بود.

۱۰. میرزا محمد آقازاده ملقب به آقازاده نجفی فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در ۱۲۹۴ قمری در شهر نجف بدنیا آمد.

وی علوم دینی را نزد پدرش تحصیل کرد و از محضر ایشان درجه اجتهاد گرفت. در سال ۱۳۲۵ قمری به مشهد آمده و در آنجا مقیم شد و مجلس درسی در مسجد گوهرشاد برای تدریس علوم دینی دایر کرد. آیت الله آقازاده در سال ۱۳۰۴ خورشیدی از سبزواری به عنوان نماینده مجلس مؤسسان برگزیده شد. در این دوره وی از حامیان مشروطیت بود و از سال ۱۳۱۰ خورشیدی به صف مخالفین رضاشاه پیوست. در جریان کشف حجاب و تجمع اعتراض آمیز مردم در مسجد گوهرشاد که منجر به گلوله باران اجتماع مردم توسط عمال نظامی رضاشاه گردید، دستگیر و به یزد تبعید شد. پس از مراجعت به مشهد، چهار ماه در آنجا محبوس شد و سپس به تهران منتقل گردید. در ابتدا به اعدام محکوم شد ولی با تلاش علمای نجف به خصوص برادرش مهدی آیت الله زاده خراسانی، محکومیت وی تا اقامت اجباری در تهران تقلیل یافت.

وی سرانجام در سال ۱۳۱۶ در تهران به شدت بیمار شد و با تزریق آمپولی مشکوک که به عقیده بعضی ها از جمله همسرش، توسط پزشک احمدی تزریق شده بود، چشم از جهان فرو بست. حسن مرسلوند، ج ۱، ص ۴۴-۴۶.

۱۱. آیت الله میرزا صادق تبریزی فرزند حجت الاسلام میرزا محمد در سال ۱۲۷۴ قمری در تبریز متولد شد. پس از طی مقدمات فقه و اصول، همراه برادرش حاج میرزا محسن آقا مجتهد در سال ۱۲۸۸ قمری به نجف رفت و بیست و چهار سال در آنجا ماند و یکی از بزرگترین اساتید علوم دینی نجف شد و حوزه درسش رونق زیادی گرفت. آیت الله تبریزی در سال ۱۳۱۱ قمری به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و راهنمایی و ارشاد مردم پرداخت. در قضیه دستگیری شیخ محمد تقی بافقی در زمان رضاشاه به همراه سایر روحانیون تبریز برای رهایی وی بسیار کوشید و پس از آزادی بافقی از طریق کردستان و همدان به قم مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. وی

سرانجام در سال ۱۳۵۱ قمری وفات یافت و در قم دفن شد. حسن مرسلوند، ج ۲، ص ۲۵۰.

۱۲. آقا میرزا مهدی آیت الله زاده خراسانی، فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، یکی از بنیانگذاران مشروطیت در ایران و از مجتهدین سه گانه ساکن نجف، در سال ۱۲۹۲ قمری در نجف اشرف متولد شد. بعد از خواندن مقدمات، کتاب فصول را نزد شیخ زین العابدین شاهرودی فراگرفت، سپس وارد مرحله فقاقت شد.

در سال ۱۳۱۹ قمری به ایران آمد و بعد از زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) به نجف اشرف بازگشت. خدمات سیاسی او نه تنها در مشروطیت ایران بلکه در استقلال عراق نیز مشهود بود. در سال ۱۳۲۷ قمری در کاظمین ریاست هیأتی را که مأموریت آن رسیدگی به مسایل جهاد و تماس با دولت ایران، به منظور اخراج روسها از کشور بود، به عهده داشت. آخرین بار در سال ۱۳۲۴ خورشیدی بود که به قصد زیارت مشهد مقدس عازم ایران شد و به علت بیماری در تهران درگذشت. حسن مرسلوند، ج ۱، ص ۶۰-۶۱.

۱۳. حاج مهدیقلی خان هدایت مخبر السلطنه معروف به خان خانان پسر سوم علیقلی خان مخبرالدوله و نوه رضاقلی خان، ملقب به امیر الشعرا و متخلص به هدایت و معروف به لاله باشی که در هفتم شعبان ۱۲۸۰ قمری متولد شد. وی در سن ۱۴ سالگی به همراه برادر بزرگش مرتضی قلی خان صنیع الدوله به اروپا رفت و در برلن مشغول تحصیل گردید. بعد از دو سال به ایران برگشت و کارمند تلگرافخانه شد. در سال ۱۳۱۱ قمری به منصب پیشخدمتی خاص تعیین شد. در سال ۱۳۱۵ قمری و بعد از مرگ پدرش به لقب مخبر السلطنه ملقب گردید و به ریاست پستخانه منصوب شد. در ۱۳۱۶ قمری به ریاست پستخانه - گمرک و تلگرافخانه آذربایجان تعیین شد.

در سال ۱۳۲۱ قمری به همراه امین السلطان، اتابک اعظم سفر مفصلی به اروپا، آمریکا، چین، ژاپن و هند نمود. در سال ۱۳۲۲ قمری رئیس مدرسه نظامی تهران شد و از سال ۱۳۲۴ قمری، یکی از برجسته ترین اعضای هیأت تنظیم و تدوین قانون انتخابات مجلس بشمار می رفت. در سال ۱۳۲۵ قمری در کابینه وزیر اخراج عهده دار وزارت علوم شد و در کابینه علی اصغر خان اتابک نیز در این سمت باقی ماند. در ۱۳۲۶ قمری در کابینه های ناصر الملک و نظام السلطنه به وزارت عدلیه انتخاب شد و در کابینه نظام السلطنه مدتی نیز وزیر فرهنگ بود، سپس والی آذربایجان گردید. بنا به توپ بسته شدن مجلس از ایالت آذربایجان استعفاء داد و به برلن مسافرت کرد. در ۱۳۲۷ قمری به درخواست اهالی مجدداً والی آذربایجان شد و بعد از دو سال معزول و به اروپا رفت.

در ۱۳۳۰ قمری والی فارس شد و مدت ۳ سال در شیراز بود در ۱۳۳۳ قمری به تهران آمد و در سال ۱۳۳۵ قمری از تهران به وکالت مجلس چهارم انتخاب گردید. در سال ۱۳۳۶ قمری در کابینه دوم عین الدوله و سپس در کابینه مستوفی الممالک وزیر عدلیه شد. در ۱۳۳۸ قمری با قیام شیخ محمد خیابانی به ایالت آذربایجان منصوب شد و در ۱۳۰۰ خورشیدی، استعفا داده به تهران بازگشت. در ۱۳۰۱ خورشیدی در کابینه مستوفی الممالک به وزارت فوائد عامه و تجارت

رسید و در دوکابینه بعدی مستوفی نیز در این سمت باقی ماند. در ۱۳۰۵ خورشیدی به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ خورشیدی، نخست‌وزیر بود و با ختم قرارداد دکتر میلپس ریاست دارایی را نیز برعهده گرفت. وی سرانجام در شهریور ۱۳۳۴ در ۹۵ سالگی درگذشت. مهدی بامداد، ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۷.

۱۴. حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی فرزند سیدعلی طباطبائی از سلسله طباطبائیان بروجرد در ماه صفر ۱۲۹۲ قمری در بروجرد متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات در بروجرد، به اصفهان رفت و فقه را نزد حاج سید محمدباقر درجه‌ای و فلسفه را نزد میرزا جهانگیر خان قشقائی فراگرفت؛ آنگاه به نجف رفت و در محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی هشت سال تلمذ کرد و سپس به بروجرد بازگشت. در نجف بود که به عنوان نماینده علما و روحانیون مقیم عراق انتخاب شد تا با رضاشاه ملاقات کرده و پیشنهادات روحانیون در مورد قانون نظام اجباری را بیان کند، ولی دولت از ورود ایشان به ایران جلوگیری کرد. در سال ۱۳۲۴ خورشیدی به تهران آمد و سپس عازم مشهد شد. پس از بازگشت از مشهد در قم اقامت گزید و مرجع تقلید شیعیان گردید و سرانجام در ۱۳۸۰ قمری برابر با ۱۳۴۰ خورشیدی در سن ۸۸ سالگی در قم درگذشت. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ذیل «بروجردی».

۱۵. محمدرضا آیت‌الله‌زاده خراسانی، فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و از روحانیون ایرانی مقیم نجف بود.

۱۶. سید ابوالقاسم دهکردی، برادر حاج سید احمد نوربخش دهکردی (متوفی ۱۳۳۹ ق) از عرفای سلسله خاکساریه بود که امامت مسجد سرخی اصفهان را برعهده داشت. وی از روحانیون مورد احترام اصفهان بود و به همراه حاج آقا نورالله رهبری نهضت مردم و علمای اصفهان در زمان رضاشاه را برعهده داشت. نورالله دانشور علوی، ص ۱۹۲.

۱۷. آیت‌الله حاج سید محمدصادق اصفهانی خاتون‌آبادی، پدر بزرگ شهید آیت‌... بهشتی از بهترین شاگردان مجلس درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بوده که در نوشتن کتاب «کفایة الاصول» ایشان را یاری کرد. وی در فقه و اصول مجتهد بود و بویژه درس فوائد الاصول او شهرت داشت.

آیت‌الله خاتون‌آبادی، از جمله علماء و مجتهدین اصفهان بود که به همراه حاج آقا نورالله اصفهانی به قم مهاجرت کرد. مرحوم استاد جلال‌الدین همائی سال درگذشت ایشان را سال ۱۳۴۸ قمری نوشته است.

۱۸. حاج میرزا ابوالحسن بروجردی از اعضای انجمن ولایتی اصفهان و از انقلابیون دوره مشروطیت و استبداد صغیر و از یاران حاج آقا نورالله اصفهانی بود. نورالله دانشور علوی، ص ۳.

۱۹. محمد هاشم میرزا معروف به شاهزاده افسر، از نوادگان فتحعلیشاه قاجار بود که در سال ۱۲۵۳ خورشیدی در سبزوار متولد شد. مدتی با لباس روحانی و عمامه جزو کارمندان وزارت فرهنگ و در سال ۱۲۹۰ خورشیدی رئیس فرهنگ و اوقاف خراسان بود. سپس نماینده مجلس شورای ملی شد و از دوره دوم تا نهم یعنی ۸ دوره نماینده مجلس بود.

وی مردی زرنگ، باهوش، زیرک و شاعر بود که در اواخر عمر ملقب به شیخ‌الرئیس گردید. چندی رئیس انجمن ادبی تهران بود و چون لهجه غلیظ سبزواری داشت و حرفهایش کمتر برای مخاطب مفهوم می‌شد، روزنامه ناهید به وی لقب چلچله‌الوکلاء داده بود. وی سرانجام در ۱۳۱۹ خورشیدی در سن ۶۶ سالگی در تهران درگذشت. مهدی بامداد، ج ۶، ص ۲۵۴.

۲۰. آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرزند محمدجعفر در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجرد میبد از توابع اردکان یزد متولد شدند.

تحصیلات مقدماتی خود را در اردکان یزد، نزد مجدالعلماء اردکانی و دیگران گذراندند و بعد از آن به یزد رفتند و در مدرسه خان سکونت گزیدند و در حوزه درس حاج میرزا سیدحسین وامق و سیدیحیی مجتهد یزدی حاضر شدند و سطوح آن را آموختند. سپس به عراق رفتند و وارد حوزه آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی شدند و از درس سیدمحمد طباطبائی فشارکی و آیت‌الله مجد استفاده کردند. پس از آن به نجف رفتند و از محضر درس آیت‌الله محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله یزدی استفاده کردند تا به مقام اجتهاد رسیدند.

در سال ۱۳۱۸ قمری به اراک آمدند و حوزه علمیه آن شهر را دایر ساختند. با شروع جنبش مشروطه به نجف رفتند، و سپس وارد کربلا شدند و در آنجا حوزه درس دینی دایر کردند. در سال ۱۳۳۱ قمری، به دعوت حاج سید اسماعیل عراقی دوباره به اراک آمدند و به تدریس فقه و اصول پرداختند. پس از پنج سال توقف در اراک، به قصد زیارت به مشهد رفتند و به هنگام رفت و برگشت در قم مورد استقبال علمای این شهر قرار گرفتند.

در سال ۱۳۴۰ قمری، هنگام بازدید ایشان از قم، به دنبال اصرار روحانیون این شهر تصمیم گرفتند برای همیشه در آنجا بمانند. در سال ۱۳۴۲ قمری، میزبان علمای تبعیدی از عراق (آیات عظام نائینی و اصفهانی) بودند و در جریان جمهوریت به همراه علمای مذکور رأی به رد نظام جمهوری دادند.

آیت‌الله حائری بنیان‌گذار حوزه علمیه قم، بانی بیمارستان سهامی، سد رودخانه قم، ساختمان قلعه مبارک‌آباد، تعمیر مدارس فیضیه و دارالشفا و دیگر اقدامات عمرانی در شهر قم بودند. ایشان سرانجام در ذی‌القعدة ۱۳۵۵ قمری وفات یافتند و در قم بخاک سپرده شدند. حسن مرسلوند، ج ۳، ص ۵۹-۶۳.

۲۱. شریعتمدار به اتفاق بحرالعلوم رشتی در جریان تحصن علمای اصفهان و دیگر شهرها در قم، به نمایندگی از طرف تیمورتاش مأمور مذاکره با متحصنین شد. وی مدت دو روز در قم با علما و مهاجرین مذاکره کرد، اما به هیچ‌گونه نتیجه مثبتی نرسید.

۲۲. حاج آقا رضا رفیع ملقب به قائم مقام‌الملک فرزند حاج محمد مهدی گیلانی در حدود سال ۱۲۶۷ خورشیدی متولد شد و همچون پدرش به تحصیل علوم دینی پرداخت و در اوایل جوانی به لباس روحانیت ملبس شد. وی از ملاکین عمده بود که تحصیلات دینی را تا حدود اجتهاد فراگرفت و از آن پس به سیاست روی آورد. در دوره‌های پنجم، ششم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم و هفدهم از طوالتش و

گرگان رود و در دوره‌های هفتم و دوازدهم از بندر انزلی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. همچنین در دوره‌های دوم و سوم مجلس سنا، سناتور انتصابی شاه بود. در سال ۱۳۳۴ قمری از طرف دولت روسیه تزاری به سمت وابسته افتخاری سفارت روسیه در تهران انتخاب و به دولت ایران رسماً معرفی شد و تا انقلاب اکبر ۱۹۱۷ در این سمت باقی ماند. در سال ۱۳۰۵ به دستور رضاشاه تغییر لباس داد. بخاطر روابطش با کنسولگری روسیه در رشت همواره مورد سوءظن رضاشاه بود و رضاشاه احتمال می‌داد که وی با انگلیس‌ها نیز روابطی ایجاد کرده باشد.

وی سرانجام مورد غضب رضاشاه واقع شد و در جلسه ۳۸ دوره دوازدهم مجلس شورای ملی از او سلب مصونیت شد. گویا مکالمه تلفنی طولانی وی با سفارت انگلیس در تهران موجب این گرفتاری شده بود. از اریخ ۲/۲۲ تا ۱۳۱۹/۴/۲۰ در زندان بسر برد و از آن تاریخ تا ۱۳۱۹/۷/۷ به رشت تبعید و سپس به دستور رضاشاه آزاد شد و در جلسه ۱۲۶ دوره دوازدهم مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۳۲۰/۷/۲۷ برائت او اعلام شد و سرانجام در سال ۱۳۴۲ خورشیدی درگذشت. حسن مرسلوند، ج ۳، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۲۳. حاج میرزا علی بحر العلوم، فرزند حاج محمد مهدی گیلانی ملقب به بحر العلوم و شریعتمدار و برادر حاج آقا رضا رفیع قائم مقام الملک بود که در جریان مهاجرت علما اصفهان به قم به عنوان یکی از نمایندگان دولت برای مذاکره به قم اعزام شد. وی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی درگذشت.

۲۴. سید محمد بهبهانی فرزند سید عبدالله بهبهانی، رجل معروف عصر مشروطیت، از رهبران روحانی تهران در دوره پهلوی بود.

۲۵. میرزا هاشم آشتیانی پسر سوم حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران، در سال ۱۲۵۰ خورشیدی متولد شد. در دوره‌های ۳، ۵، ۶، ۷ و ۸ از تهران و در دوره ۴ از سبزوار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. میرزا هاشم آشتیانی سرانجام در ۱۳۲۸ خورشیدی درگذشت. مهدی بامداد، ج ۴، ص ۴۱۳.

۲۶. آیت الله حاج میرزا حسین نائینی از بزرگان فقها و مجتهدین نامی در نیمه اول سده ۱۴ هجری بودند که در خانواده‌های مشهور از علمای نائین بدنیا آمدند. ایشان در عصر مشروطیت از یاران و همراهان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بودند و در سال ۱۳۲۷ قمری کتابی در اساس و اصول مشروطه یا حکومت از نظر اسلام به نام «تنبيه الامه و تنزيه المله» نوشتند. آیت الله نائینی در سال ۱۳۴۱ قمری به اتفاق چهل نفر دیگر از مراجع و علمای اعلام مقیم عراق برضد تحمیلات دولت غاصب انگلیس قیام کردند و در حالت تبعید به ایران آمدند و پس از شش ماه اقامت در قم به نجف اشرف بازگشتند.

آیت الله نائینی از شاگردان آیت الله حاج میرزا حسن شیرازی و آقا سید محمد اصفهانی بودند که در محضر درس آخوند خراسانی نیز حاضر می‌شدند. ایشان سرانجام در سن نود سالگی در سال ۱۳۵۵ قمری فوت نمودند. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ([بی‌جا])، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ([بی‌تا])، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۷.

۲۷. سید ابوالحسن اصفهانی فرزند سید محمد در سال ۱۲۷۷ در روستای

مدیسه از توابع لنجان اصفهان بدنیا آمدند. تحصیلات مقدماتی خود را در اصفهان گذرانیدند، سپس به نجف رفته و در آنجا مجتهدی جامع الشرایط شدند و از محضر علمایی همچون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزاتقی شیرازی کسب فیض نمودند.

ایشان در دوره دوم مجلس شورای ملی بعنوان یکی از علمای طراز اول به منظور نظارت بر مصوبات مجلس انتخاب شدند، اما بدون حضور در مجلس استعفاء دادند. در جریان مبارزات علیه استعمار انگلیس در عراق فعالیت بسیار نمودند و با مسئله قیمومیت انگلستان بر بین‌النهرین به مخالفت جدی برخاستند و به همین دلیل در سال ۱۳۰۲ به همراه عده دیگری از علما از عراق به ایران تبعید شدند. در جریان جمهوریت به همراه آیت الله نائینی با صدور اعلامیه‌ای مخالفت خود را با نظام جمهوری رضاخانی اعلام کردند. در سال ۱۳۰۳ مجدداً به عراق بازگشتند و مدتی به علت کسالت برای درمان به بعلیک لبنان رفتند و سرانجام در سیزدهم آبان ماه ۱۳۲۵ در سن ۸۸ سالگی بدرود حیات گفتند. حسن مرسلوند، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۶.

۲۸. حاج محمد حسن نمازی در سال ۱۲۳۶ خورشیدی در شیراز متولد شد. وی از بازرگانان معروف ایرانی مقیم هنگ‌کنگ بود که در آنجا مشغول تجارت با ایران و عراق بود. در جنگ جهانی اول که انگلیسها بوشهر را اشغال نموده و با اهالی تنگستان مشغول جنگ شدند، وی از حیث رسانیدن خواربار، کمکهای شایانی به تنگستانیها نمود. در سال ۱۳۰۵ خورشیدی به شیراز آمد و در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در سن ۷۸ سالگی درگذشت. مهدی بامداد، ج ۶، ص ۲۰۳، ۲۲۶.

۲۹. شیخ محمد جعفر محلاتی شیرازی فرزند شیخ محمد حسین در سال ۱۲۴۳ خورشیدی در شیراز متولد شد. وی از فقها و مجتهدین شیراز و از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل بود که از آنان اجازه اجتهاد گرفت. در جنگ جهانی اول که بوشهر به تصرف انگلیسی‌ها درآمد، با هفتصد تن از مجاهدین شیراز به یاری دلیران تنگستان شتافت. وی در میان اهالی شیراز از احترام خاصی برخوردار بود و در آنجا به رفق و وفق امور شرعی مردم و تدریس می‌پرداخت. وی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در سن ۷۵ سالگی در شیراز درگذشت. مهدی بامداد، ج ۶، ص ۶۷-۶۸.

۳۰. حاج سید نورالدین مجتهد حسینی شیرازی فرزند میرزا ابوطالب مجتهد، مردی دانشمند، ناطق و نویسنده بود که در زمره مجتهدین شیراز بشمار می‌آمد. پس از تحصیلات در شیراز، طبق معمول آن زمان برای تکمیل تحصیلات خویش به نجف رفت و در آنجا به درجه اجتهاد رسید. بعد از فوت پدر و در سال ۱۳۴۲ قمری به شیراز آمد و به جای پدر به رفق و وفق امور شرعی مردم و تدریس پرداخت و در مسجد وکیل مجالس روضه خوانی برپا کرد. سپس در شیراز حزب نور و حزب برادران را تأسیس کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به علت سکنه قلبی در شیراز درگذشت. مهدی بامداد، ج ۶، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۳۱. محمود آیت الله زاده خراسانی فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، از روحانیون ایرانی مقیم نجف بود.

۳۲. آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی علوم دینی را در اصفهان، نزد آقا



مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

سید محمدباقر درجه‌ای، آخوند کاشانی و حاجی میرزا محمد حکیم فراگرفت و سپس به نجف رفت و از محضر آقا سیدکاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده نمود.

در جریان مشروطه به اصفهان آمد و چندی به کار تجارت اشتغال ورزید و نهج البلاغه را در کلاس اخلاق آیت الله مدرس فراگرفت و بنابه توصیه ایشان، کار تجارت را کنار گذاشت و به تدریس نهج البلاغه پرداخت.

استاد شهید مرتضی مطهری که یکی از شاگردان کلاس درس نهج البلاغه ایشان بوده است، در کتاب سیری در نهج البلاغه در مورد وی می‌نویسد:

«... او هم فقیه بود و هم حکیم و هم طیب و هم ادیب... او یگانه تدریسی که با علاقه می‌نشست نهج البلاغه بود. او با نهج البلاغه می‌زیست، با نهج البلاغه تنفس می‌کرد، روحش با این کتاب همدم بود، نبضش با این کتاب می‌زد و قلبش با این کتاب می‌تپید و... او ادیب محقق، حکیم مثاله، فقیه بزرگوار، طیب عالیقدر، عالم ربانی، مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی قدس الله سره، راستی مرد حق و حقیقت بود...». ابوالفضل شکوری، مدرس ۲ (تهران: بنیاد تاریخ

انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۶)، ص ۳۲۴.

۳۳. میرزا احمد خان اخگر طهرانی (مازندرانی الاصل) فرزند مرحوم ملاباشی از محصلین دارالفنون بود که در اداره ژاندارمری دارای درجه سلطانی بود. در هنگام تصرف بوشهر از طرف انگلیسی‌ها، به علت یاری رساندن به دلیران تنگستانی مغضوب انگلیسی‌ها و پلیس جنوب واقع شد و به کرمانشاه گریخت و در آنجا به اردوی ملی نظام السلطنه مافی ملحق شد. در دوره پنجم از طرف اهالی بوشهر و دشتی و دشتستان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مجدداً وارد ارتش شد و مدتی با درجه سرهنگی رئیس نظام وظیفه جنوب و مأمور اجرای قانون نظام وظیفه اجباری گردید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و در هنگام حضور غاصبانه متفقین در ایران، توسط نیروهای انگلیسی دستگیر و در اراک زندانی شد. بعد از آزادی از ارتش کناره گرفت و به انتشار مجله اخگر که از مدتها قبل شروع کرده بود پرداخت. علاوه بر مجله اخگر، کتب چندی به نظم و کتابی در تجوید قرآن نوشت. وی سرانجام در سال ۱۳۴۸ شمسی در تهران درگذشت. علی دوانی، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۸۲.

۳۴. آیت الله سیدالعراقین از مجتهدین مخلص، مبارز و آگاه اصفهان بود.



مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی